



SHOFAR

# شوفار

فشریه فدراسیون یهودیان ایرانی



*Soufer*

National Mint of America

# ضرابخانه ملی امریکا



*Invest in Love*  
*Invest in Gold*  
*Invest in Silver*



**(213) 627-9999**

**[www.nationalmint.com](http://www.nationalmint.com)**

Show Room & Main Office: 650 S. Hill St. Ste#518, Los Angeles CA 90014

Law Offices of

## Stanley C. Franklin



با همکاری  
**پری فرانکلین**  
با بیش از ۲۰ سال سابقه افتخار آمیز

دفتر وکالت

**استنلی فرانکلین**

نگرانی های بعد از تصادف را  
فقط با یک تلفن  
به دفتر حقوقی ما بسپارید

تلفن در ولی [818] 901-0344  
تلفن در بورلی هیلز [310] 275-0344  
تلفن رایگان [800] 901-0344

تلفن های ۲۴ ساعته

5900 Sepulveda Blvd., Suite 340  
Van Nuys, CA 91411

متخصص در امور تصادفات  
**ACCIDENT?**

## Countrywide Home Loans



**Roya Ebrahimi**

رویا ابراهیمی

**نماینده شما در کانتری واید**

**کلیه وامهای ثابت و متغیر با مناسبترین نرخ بهره**

**بدون واسطه**

- \* وام با ۱٪ نرخ بازپرداخت تا ۶ میلیون دلار.
- \* وام ثابت ۳ ساله ، ۵ ساله ، ۷ ساله و ۱۰ ساله .
- \* وام دراز مدت با کمترین مبلغ بازپرداخت (۴۰ ساله).
- \* وام نوسازی ، بازسازی ، وام زمین .
- \* وام بدون پیش پرداخت ، وام ۱۰۰٪ بدون هیچگونه هزینه حتی هزینه خرید پرداخت میگردد.
- \* وام سرمایه گذاری با تسهیلات استثنائی .
- \* وام بدون پیش پرداخت حتی اگر کردیت خوبی ندارید.

**(310) 295-9732**

**(866) 807-4187**

**Cell: (310) 930-0300**

**S SECURITY PACIFIC BANK**

# یک بانک ایرانی در خدمت جامعه ایرانی

با کمال خوشوقتی به اطلاع عموم میرساند:

## خانم ژانت بستانی

همکاری خود را با ما در شعبه "دان تاون" لوس آنجلس آغاز کرده‌اند

### SECURITY PACIFIC BANK

با تخصص در عرضه وام‌های تجارتي و املاک تمام سرویس های بانکی را در اختیار شما قرار میدهد.

برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با

آقای منوچهر سعدیان تلفن ۱۱۳۱-۲۲۶ (۲۱۳) و یا

با خانم ژانت بستانی تلفن ۱۱۲۰-۲۲۶ (۲۱۳) تماس حاصل فرمائید.

در صورت لزوم شخصاً به محل کار شما خواهیم آمد و در مورد نیازهای بانکی شما گفتگو و تبادل نظر خواهیم کرد.

#### DOWNTON Los Angeles

855 Wall Street, 2nd Floor  
Los Angeles, CA 90014  
(213) 624-9990

#### WESTWOOD

1762 Westwood Blvd.,  
Los Angeles, CA 90024  
(310) 873-8000

#### ORANGE COUNTY

3020 Old Ranch Parkway, Suite 100  
Seal Beach, CA 90740  
(562) 304-2720

#### INLAND EMPIRE

845 N. Euclid Ave.,  
Ontario, CA 91762  
(909) 983-4600

MEMBER  
FDIC



**ELCO**  
*Lighting*

الکو

نامی معتبر ، شناخته شده و پیشگام  
در صنعت نور و روشنایی



"Get the Soul of Life,  
On the Wings of Music..." (P. A.)



"بر بالهای موسیقی،  
روح زندگی را به خانه خود بیاورید..." (پ.ا.)



# آموزش نوازندگی پیانو

زیر نظر



# پییمان اخلاقی

پیانیست، آهنگساز

لیسانس و فوق لیسانس رشته موسیقی از UCLA  
دانشجوی دکترای آهنگسازی

با بیش از پانزده سال تجربه تدریس خصوصی  
و سابقه اجرای کنسرت های متعدد

Piano Instructions

By

**Payman Akhlaghi**

Composer, Pianist

MA, BA in Music From UCLA

PhD Student of Composition



\*آموزش موسیقی کلاسیک، پاپ، ایرانی، فیلم...  
\*آموزش سلفژ، تئوری موسیقی و فنون آهنگسازی  
\*کلاس های ویژه مدرّسین پیانو  
\*آموزش در استودیوی خصوصی و یا منزل شما  
(تحت شرایط عادی، همه کلاس ها تک نفره هستند.)

# اجرای تکنوازی پیانو

Private Recitals and Solo  
Performances at Ceremonies,  
Banquets and Other Festivities



اجرای کنسرت های خصوصی و  
موسیقی پس زمینه در مراسم اردوور،  
نامزدی، عروسی، بنگویت...  
(هزینه از \$500 به بالا)

# Tel: (310) 208-2927

Lessons covering: Brentwood, Bel Air, Beverly Hills, Westwood, West LA, Santa Monica, Sherman Oaks, etc. Text & Design © 2006, Payman Akhlaghi



## صوفریزاده

### کلاس نقاشی و مجسمه سازی

هنرجوی BA استعداد و BI استعداد میپذیرد

تعلیم به هنرجویان ۷ ساله تا ۷۰ ساله

خصوصی و یا عمومی

کلاس از ۸ صبح تا ۸ شب باز است

تکنیک: طراحی - سیاه قلم - آبرنگ - رنگ روغن و مجسمه نیمه برجسته (بالریف)

[www.souferzadeh.com](http://www.souferzadeh.com)

6535 Wilshire Bl., #251, Los Angeles, CA

323-653-2267

دیدار از تکنیک ها

آدرس کلاس

تلفن تماس و یادگیری





# دنیای پرده

وارد کننده بهترین انواع پارچه های پرده ای  
رومبلی و تورهای گیپور

**HOME FABRICS**

SHOWROOM

910 S. Wall St., Los Angeles, CA 90015

**(213) 689-9600**

# Integrated Healthcare Medical Group

## افتتاح مجتمع پزشکی

پیشگیری، تشخیص و درمانی با امکانات پزشکی مجهز و پیشرفته  
با محیطی صمیمی و اطمینان بخش

بسرپرستی

## دکتر کامران بروخیم

با همکاری

دکتر ملک ایرج شیانی متخصص جهاز ادراری و بیماریهای داخلی

دکتر پرویز جاودان متخصص جهاز هاضمه، اندوسکوپی و کلونوسکوپی

دکتر بناتریس حییم متخصص کودکان و نوجوانان

دکتر رویا طیبیان کایروپراکتور، بیماریهای عضلانی و استخوانی

دکتر مهرداد صفاپور جراح و متخصص بیماریهای پا

دکتر Erin Demaio متخصص و پزشک خانواده و تندرستی بانوان و نوجوانان

دکتر John Chan متخصص توانبخشی و بیماریهای عضلانی

همه امکانات برای پیشگیری، تشخیص و درمان بیماریها در زیر یک سقف  
برای شما و همه افراد خانواده شما فراهم شده است.

اکثر بیمه ها پذیرفته شده و برای کسانی که بیمه ندارند تسهیلاتی فراهم میگردد تا بتوانند از قراردادهائی که با بیمه های مناسب و ارزان برقرار خواهد بود از این امکانات پزشکی استفاده نمایند

1762 Westwood Blvd., Suite 300  
Los Angeles, CA 90024

۱۷۶۲ وست وود بلوار - نرسیده به سانتامونیکا  
طبقه سوم (نرسیده به سانتامونیکا)

**(310) 441-2000**

Fax: (310) 441-2020

**۲۰۰۰ - ۴۴۱ - (۳۱۰)**

فکس: ۲۰۲۰ - ۴۴۱ - (۳۱۰)



# شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی

## SHOFAR

A Publication of

### Iranian American Jewish Federation

1317 N. Crescent Heights Blvd.,

Los Angeles, CA 90046

(323) 654-4700

Fax: (323) 654-1791

دوره جدید - سال چهارم - شماره دوازدهم

آوریل ۲۰۰۶ میلادی

فروردین ۱۳۸۵ خورشیدی

نیسان ۵۷۶۶ عبری

زیر نظر شورای نویسندگان

همکار این شماره

الهام یعقوبیان

شوفار ارگان فدراسیون یهودیان ایرانی با هدف ارتباط مستقیم فدراسیون با مردم، اعتلای فرهنگ یهودیان ایرانی، شناخت فرهنگ و در نهایت گنجینه های فکری یهودیت، ایجاد هماهنگی بین سازمانها، گروهها و نسلهای گوناگون برای رسیدن به جامعه ای سالمتر و پربارتر فعالیت خود را آغاز کرد.

شوفار در انتخاب مطالب، ویرایش متون و حفظ مصالح جامعه آزاد است.

آثار و مقالات مندرج در شوفار

بیانگر نظریات نویسندگان آن مقالات بوده

و بازتاب عقاید و آرا گردانندگان نمیشد.

مسئولیت مندرجات آگهی ها به عهده شوفار نیست.

شوفار از کلیه نویسندگان، مترجمان و اهل قلم

برای بخش های مختلف، دعوت بهمکاری میکند.

نقل مقالات و مطالب نشریه با ذکر

ماخذ آزاد می باشد.

عکس روی جلد

استاد یعقوب صوفرزاده

تلفن: ۲۲۶۷-۶۵۳ (۳۲۳)

حروفچینی، طراحی و چاپ

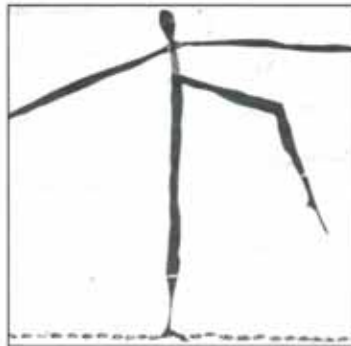
H. S. MORTAZAVI CO.

(818) 730-6641

آوریل ۲۰۰۶ میلادی  
فروردین ماه ۱۳۸۵ خورشیدی  
نیسان ۵۷۶۶ عبری

# شوفار

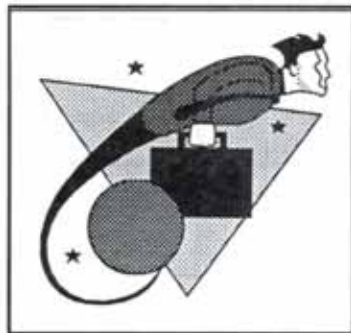
دوره جدید - سال چهارم - شماره دوازدهم



آیا جامعه ما بیمار است؟ ... ۱۲



انکارگرانی پدیده هالوکاست .. ۱۸



Burnout with work. .... 6



Ben Gurion's ..... 8

انتخابات اسرائیل	۸
آیا می شود بجای خشونت بقانون پناه برد؟	۱۶
نقش یهودیان در فرش ایران	۲۲
شعر مولوی	۲۵
مزوزا	۲۶
شعر فریاد فرهاد	۲۷
یهودیان بروجرذ از ۱۰۰ سال گذشته	۲۸
ترانه عروسی	۳۲
خوش بحال غنچه های نیمه باز	۳۴
آسیه	۳۶
جمال مبارک	۴۲
جایزه شمس حکمت	۴۴
کنفرانس دو پزشک عالیقدر ایرانی	۴۵
اسرائیل و دشمنانش	۴۶
صحبت در مورد آینده خود	۴۸
خدمات صندوق اضطراری	۴۹
عملیات مردان اسرائیلی در عراق	۵۰
هالوکاست و پرزیدنت احمدی نژاد	۵۵
اروپا و یهودیان	۵۸
خطابه ی کفر	۶۲
شعر ایکاش	۶۳
سیر تحولات اجتماعی و مذهبی ملت یهود	۶۳
رابطه ساختمان ژنتیکی اشخاص	۶۵

Fact About Israel	2
The Wedding Song	5
Israeli Surveillance	12
Israeli Physicians	12
Weizmann Institute	14
Love Iranian-American Style	15
Preserved In Crystal	16
Breaking News	17
Wowing The Crowds	17
Israel Doctors	18
Israeli Researchers	18
Israeli Celebrities	18

## دکتر شکراله برآوریان



### انتخابات اسرائیل

پیش از پرداختن به مسأله انتخابات اسرائیل، سال جدید ۱۳۸۵ خورشیدی، آغاز بهار و فرارسیدن عید پسخ را به همگی هموطنان شادباش و فرخنده باد میگویم و برای همگی سالی توأم با تندرستی، صلح، آرامش و شادیهای فراوان آرزو دارم.

بطوریکه خوانندگان گرامی آگاهی دارند در حال حاضر جمعاً سی حزب در انتخابات پارلمانی روز ۲۸ مارس در اسرائیل شرکت کردند.

بگمانم لازم است نخست بررسی کوتاهی داشته باشیم از ساختار احزاب سیاسی اسرائیل که ذیلاً ملاحظه خواهید کرد:

۱- کدیما: که در ماه نوامبر ۲۰۰۵ توسط اریل شارون برپا شد و در حال حاضر بزرگترین و موفقترین حزب سیاسی اسرائیل است.

علیرغم سکتۀ شدید مغزی و بیهوشی کامل شارون که روز چهارم ژانویه ۲۰۰۶ حادث شد، حزب مزبور با کسب ۲۹ کرسی در مقام نخست قرار گرفت. شارون در نظر داشت با متحد کردن عناصر میانه‌رو از حزب راست‌گرای لیکود و حزب چپ‌گرای کارگر حزبی قوی برپا کند که میتوان گفت آنچنان که امید میرفت عملی نشد. برنامه و روش خاص این حزب آنست که آرام آرام و با تعمق کافی از زمین‌ها و نواحی اشغالی خارج شود. در ترویج یک سیاست اقتصاد بازار آزاد درکنار یک نظام رفاه اجتماعی کوشش کند. نظام پارلمانی متکی بر احزاب را اصلاح کند و مآلاً نفوذ گروههای فعال ارتدکس را کاهش دهد.

۲- حزب کارگر: که در انتخابات مقام دوم را با داشتن ۱۹ کرسی بدست آورده، حزبی است چپ‌گرای میانه‌رو که در سال ۱۹۴۸ برپا شد و همواره در انتخابات از موفقیت‌های چشمگیری برخوردار بوده است. شیمون پرز از شخصیت‌های بارز این حزب بود که در نوامبر ۲۰۰۵ بعلت حمایت‌هایش از شارون و برنامه‌های او، در انتخابات حزبی از امیر پرتز شکست خورد و بالاخره به حزب

کدیما پیوست.

امیر پرتز نخستین یهودی میزراحی است که یک حزب عمده را هدایت میکنند. او در انتخابات اخیر کوشش کرد رأی احزابی مانند شاس و لیکود را که معمولاً آرای میزراحی‌ها را بدست می‌آوردند، بدست آورد. پرتز مسائل اجتماعی و اقتصادی را در رأس دستور کار حزب کارگر قرار داده و طرفدار یک سیاست سوسیال دموکرات دائر بر افزایش حداقل دستمزد و مقرری نظام تأمین اجتماعی است.

۳- لیکود: که در انتخابات اخیر شکست خورد و تنها توانست ۱۱ کرسی بدست آورد. این حزب به رهبری بنیامین نتنیاہو با بازگشت به سیاست‌های قدیمی خود و پیگیری یک خط مشی تند نسبت به مسائل امنیتی از یکطرف و کاهش محبوبیت رهبرش که بعلت تعقیب سیاست ریاضت اقتصادی‌اش در مقام وزیر دارائی شارون عده زیادی از طرفداران خود را در حزیش ازدست داد، از سوی دیگر بسختی صدمه دیده و ضربۀ سنگینی را متحمل شده است. هم اکنون عده‌ای از مقامات ارشد حزب لیکود تقصیر شکست فاحش حزب لیکود را متوجه بنیامین نتنیاہو میدانند و امکان دارد که شخص دیگری چون سیلون شالوم، وزیر خارجه پیشین به رهبری حزب برگزیده شود.

۴- ایسرائل بیتنو: (اسرائیل خانه ماست) با بدست آوردن ۱۰ کرسی در رده چهارم قرار گرفته و بعلت موفقیتش در این انتخابات وعده داده است که در انتخابات آینده، این حزب که خواستار مهاجرت یهودیان سایر کشورها به اسرائیل است، حکومت را در دست خواهد گرفت.

۵- شاس: در سال ۱۹۸۴ از سوی عودیا یوسف، حاخام سفارادی، عمدتاً با هدف تأمین منافع جامعه میزراحی‌های فوق العاده مذهبی تشکیل شد.

این حزب موفق به جلب حمایت گسترده درمیان سفارادی‌ها شده است.

۶- حزب اتحاد ملی: که در منتها علیه جناح راست طیف سیاسی اسرائیل قرار دارد و در برنامه خود خواستار انتقال داوطلبانه فلسطینی‌ها به اردن پیش از انضمام کامل کرانه باختری به اسرائیل است، اما این برنامه عموماً چیزی بیش از یک شعار تلقی نمیشود. این حزب در ماه فوریه گذشته با حزب ملی مذهبی ائتلاف کرد. این حزب که زمانی صدای صیونیسم مذهبی بود اکنون در میان رأی دهندگان ساکن شهرک‌ها، نقش نمونۀ ارتدکس یهودی حزب اتحاد ملی را بازی میکند.

۷- یا حاد: (باهم) مهمترین حزب رادیکال چپ‌گرا است و عموماً شاخۀ سیاسی جنبش «صلح اکنون» تلقی میشود. این

حزب زمانی نفوذ زیادی داشت و خواهان آنست که اسرائیل به پشت خطوط آتش پس ۱۹۶۷ عقب نشینی کند و دستور کار اقتصادی عموماً سوسیال دموکراتیک را دنبال میکند. این حزب در دسامبر ۲۰۰۳ در پی ادغام چند حزب چپگرای دیگر شکل گرفت که مهمترین آنها حزب مرتز بود.

۸- شینوئی: (تغییر) در قالبهای مختلف برای مدت سی سال پرچمدار و نماد سیاست اقتصادی لیبرال و ارزشهای غیرمذهبی بوده است. این حزب در انتخابات ۲۰۰۳ با احراز ۱۵ کرسی سومین حزب بزرگ پارلمان شد و نقش بزرگترین شریک ائتلافی شارون را بازی کرد.

تأسیس کدیما، شینوئی را متحول کرد و رأی دهندگان طبیعی خود را ازدست داد و از ماه ژانویه به جناح های کوچک تجزیه شد و در انتخابات امکان شرکت پیدا نکرد.

۹- حزب وحدت یهودی تورات: این حزب که حاصل اتحاد دو گروه فوق العاده ارتدکس اشکنازی در سال ۱۹۹۲ بود در سال ۲۰۰۴ برسر پیوستن به دولت ائتلافی شارون دو دسته شد. اما دو جناح سابق «پرچم تورات» و «گولوت ایسرائل» این بار نیز مشترکاً در انتخابات شرکت کردند و جمعاً ۶ کرسی بدست آوردند. اینها عموماً در دفاع از مؤسسات آموزشی فوق العاده ارتدکس و پرداخت مقرری از سوی دولت با شاس همصدا هستند.

۱۰- احزاب عرب: میدانیم که اعراب تقریباً ۲۰ درصد جمعیت اسرائیل را تشکیل میدهند و اکثراً به احزاب عمده از جمله کارگر و لیکود رأی میدهند نیز به احزاب عرب و یا ضد صیونیست مانند حزب چپگرای هاداش، حزب کلی گرای بلاد و فهرست متحد عرب رأی میدهند.

رأی احزاب یاد شده کم و بیش ثابت بوده و در انتخابات اخیر ۹ کرسی بدست آورده اند.

سایر احزاب که هر یک بتهنایی کرسی های چندانی ندارند عبارتند از:

بریت اولام: که هدفش تشویق گفتگو میان تمامی فرهنگ های مختلف در جامعه اسرائیل است.

دا-ام: حزب کارگران عرب - یهودی.

گیل: تلاش دارد نیازهای بازنشستگان و سالخوردهگان را در

دستور کار ملی قرار دهد.

برگ سبز: خواهان قانونی کردن ماری جوانا است.

سبزهها: طرفداران محیط زیست.

هالیو: حزب تقلا برای کرانه ها است.

هروت: در زبان عبری معنی آزادی را دارد و حزبی است

دست راستی مخالف با اعطای هرگونه امتیاز ارضی.

هتز: صیونیسم غیرمذهبی.

لهم: مبارزان متحد برای جامعه که طرفدار ترویج حقوق

معلولان و بی خانمانان است.

لولاتولیم: بر مسائل مهاجران تمرکز دارد.

لایدر: حزب لیبرال دموکرات.

جبهه ملی یهودی: یک حزب دست راستی است.

نوصیونیسم: هدفش بهبود حقوق خودیاران و بازماندگان هولوکاست است.

یک آینده: تکیه دارد برمسائل مهاجران اتیوپیائی.

قوت برای تهیدستان: دستور کارش توسعه عدالت اجتماعی است.

تفئیت: (نقطه عطف) دستور کارش مبارزه با فساد است.

ازدق لاکول: عدالت برای همه.

تزومت: دست راستی غیرمذهبی.

بطوریکه خوانندگان گرامی اطلاع دارند آقای اهود اولمرت

از سوی جناب موشه کتساب، رئیس جمهور اسرائیل کاندید نخست وزیری اسرائیل شده است. آقای اولمرت سابقه نظامی اریل شارون را ندارد لیکن همواره یکی از نزدیکترین متحدین وی بحساب آمده است. نامبرده که سال گذشته به سمت وزیر دارائی اسرائیل منصوب شد، در سال ۲۰۰۳ به کابینه شارون پیوست.

آقای اولمرت از نظر سیاسی دارای گرایشهای دست راستی است.

ادامه در صفحه ۶۳

## تسلیت

با اندوه فراوان درگذشت بانو استر عزری، خواهر گرامی جناب آقای منیر عزری را به ایشان و همگی افراد خانواده تسلیت میگوئیم و تندرستی و طول عمر بازماندگان را مسئلت داریم

فدراسیون یهودیان ایرانی و نهادهای وابسته

با تألم و تأسف درگذشت مادر گرامی جناب آقای پروفیسور امنون نصر را به ایشان و خانواده محترمشان تسلیت می گوئیم و برای همگی بازماندگان تندرستی و شکیبائی آرزو داریم.

فدراسیون یهودیان ایرانی و نهادهای وابسته

بهر اظهار عقیده و ابراز نظر است؟ می گویند آنچه را که می بینیم چه نیازی به بررسی و پژوهش دارد؟ پس دیدگان بگشاییم و بی آنکه بخواهیم شعار بدهیم و از خوش بینی دم بزنیم با دیدی واقعیت گرایانه بمیدان گستره تری از جامعه خود چشم بدوزیم.

چه می بینیم؟ دنیائی بکلی متفاوت با دنیائی که درباره آن شب و روز گفته های نقدآمیز می شنویم. دنیائی پرشکوه، انسانی، هیجان انگیز، تکان دهنده و سازنده. چه قهرمانان ارزنده بزرگوار در این جامعه بسر میبرند. لازم نیست که تولستوی و داستایوسکی و هوگو و دیکنز باشیم تا در عالم تخیل این قهرمانان را خلق کنیم. اینها هستند. وجود دارند. نفس می کشند. راه میروند و مظهر عالی ترین ویژگی های انسانیتاند.

پدری را می بینم که پیش از کوچ اجباری، پزشکی بود معروف و صاحب مقام. زندگی مرفهی داشت و از احترام بسیار برخوردار بود و اینک پس از چندبار شکست در امتحانات دشوار پزشکی در آمریکا، بی آنکه خود را ببازد، از پای بیافتاد و در کارزار پرتلاطم زندگی شکست بخورد، مرد و مردانه برای آنکه همچون گذشته حامی و نگهدارنده خانواده خود باشد در بازار پارچه فروشان لوس آنجلس بکاری مشغول است که هر چند مثل هر شغل دیگر قابل احترام است، اما چیزی درخور درجه تحصیلی و حرفه اصلی او نیست. آنچه برای این پدر اهمیت دارد تلاش او برای حفظ زندگی آبرومندانه خانواده اش است. راهی است که هموار میکند تا فرزندان بتوانند درس بخوانند و ادامه تحصیل بدهند و او در این راه حاضر است که خود درخفا رنجی کشنده را تحمل کند اما لب به شکوه باز نکند.

و می بینم پدری دیگر را که به



## آیا جامعه ما بیمار است؟

زنده یاد هوشنگ ابرامی

### جامعه ما

جامعه ای بیمار نیست.

گمان می کنند که بیمار است.

و این همان گمانی است

که در طول دراز دوران

پراکندگی ما

ریشه دوانده است.

این رشته بیماری شناسی سری دارد دراز و گاه «صاحب نظران» بدان حد در تشخیص بیماریها داد سخن میرانند که جای هیچگونه شک و تردید برای بیمار بودن این جامعه نمی گذارند.

آیا برآستی جامعه ما بیمار است؟ آیا میتوان این شواهد و دلایل را نادیده گرفت و بخودفریبی دل خوش کرد؟ آیا حرفهای این بیماری شناسان بر پایه عدد و رقم و آمار و تحقیق است یا اینکه گفته هایشان صرفاً از

می گویند و گاه مینویسند که

جامعه یهودیان مقیم این دیار جامعه ای بیمار است. و بر این سخن شواهد بسیار می آورند: جامعه ما، جامعه ایست فروافتاده در منجلاب تظاهرات و چشم و هم چشمی ها. جامعه ما جامعه ایست که بدون اندیشیدن بر این حقیقت که شایعه سازی و دروغ پردازی ضدیهودیان در طول تاریخ چه بلاهائی بر سر پیروان موسی آورده، خود پشت سر این و آن شایعه می سازد و دروغ میپردازد. جامعه ما جامعه ایست که از یک دستگی و یکپارچگی بدور مانده و چون آئینه ای افتاده بر تخته سنگ بصورت تکه هائی جدا افتاده از هم درآمده. جامعه ما جامعه ایست که در میدان دین و مذهب نمی داند به کجا دارد می رود، شیفته و فریفته همه زشتی ها و تباهی های اجتماع غرب شده، جوان هایش راه بسوی مصاد مخدر برده اند، پیرانش تنها و بی پناه و عزلت نشین شده اند و میزان جدائی و طلاق در آن فزونی گرفته. جامعه ما جامعه ایست بیمار زیرا که چنین است و چنان است و

شکرانه بی نیازی و یا رفاه مالی خویش در سازمانی که مورد علاقه اوست پول و وقت میگذارد، کمک میکند، میگوید انساندوست باشد و جامعه را خانواده بزرگ خویش می داند. اگر روش کار او مورد پذیرش همگان باشد یا نباشد، قلب او برای خدمت به جامعه اش می تپد. از ساعتی که باید با همسر و فرزندانش باشد میزند تا شاید بتواند در امری که بسود جامعه است سهیم باشد.

و مادری را می بینم که تا دیروز بانوی خانه و غم نان نداشت ولی امروز همپای همسرش از صبحگاهان تا شامگاهان در (بیزنس) کوچکی که برآه انداخته اند، تقلا می کند، سرپا می ایستد، بحساب و کتاب میرسد، مشتری راه می اندازد و بعد بخانه که می آید غذای شب و فردا روز را آماده میکند، به کارهای خانه سروسامان میدهد و ای بسا که در طی روز نیز بچه هایش را بمدرسه و کلاس میبرد. کجا سراغ دارید چنین فرزانه زنی را؟

و مادر دیگری را می بینم که تنها نان آور خانه است. خود را فراموش کرده، جانفشانی میکند. در شبانه روز ساعتها کار میکند. حتی گاه کار دوم و سوم دارد. بیدار میماند. راههای دور میروند. با آدمهای جوراجور سروکله میزند. زحمت می کشد و آنچه را در می آورد خرج رخت و لباس و آرایش و پیرایش خود نمی کند بلکه همه را بمصرف خانواده میرساند و فرزندانی تربیت می کند که به دانشگاهها راه می یابند و از برای جامعه افتخار آفرین می شوند.

و باز مادر دیگر را می بینم که گوئی این یک، نه تنها خود بلکه خانواده خود را نیز از یزاد برده است. فرشته وار خویشتن را فدای گرسنگان و بیماران جامعه کرده است. در نقش خادم بی ریای اجتماع صبح را به شب و شب را به صبح میرساند. او را می بینم که به خانه

حقیرانه ای که در آن مادر و دختری زندگی می کنند میرود تا به داد آنها برسد و او را می بینم که از این و آن کمک مالی می طلبد تا جوانی را که به بیماری کشنده ای مبتلا شده از مرگ زودرس نجات دهد.

و می بینم جوانهایی از جامعه مان را که موفقیت آنها اشک شوق به دیدگانمان می آورد. این جوانها گرچه زیر شلاق دگرگونی های اجتماع از جمله همسر گزینی و ازدواج با ناملازمات روبرویند، اما نه تنها برای خانواده خویش که برای جامعه خود چه غرورها که نمی آفرینند! کافی است که یک روز بدنیال آنان، این پسران و

### اگر در جامعه ما

### چند دستگی وجود دارد

### از آن روست که اصول

### یهودیت را نادیده گرفته ایم

### و به فروع آن پنجه انداخته ایم

### و یاد نگرفته ایم که دین یهود

### بیش از آنکه یک امر خصوصی

### و فردی شخصی باشد

### رسالت در خلق یک اجتماع

### دارد، اجتماعی که

### بتواند نمونه ای از برای

### همه ملت باشد.

دختران یهودی ایرانی، در دانشگاهها، آزمایشگاهها، مراکز هنری، کانونهای صنعتی، سازمانهای علمی و انجمن های پژوهشی شهر بگردیم و به بینیم چه غوغائی برانگیخته اند این نسل تازه نفس ما. باورمان نخواهد آمد. در میان اینان کسانی را می بینیم که در جمع صدصد و هزار هزار رقیبان خویش به بالاترین درجه رسیده اند، پاداش و مدال و سپاس نامه گرفته اند و دارای مشاغل حساس و والا شده اند.

و می بینم خردسالان و نوجوانانمان را که در چنان راه شکوهمند تازه ای پیش میروند که برایمان شگفت انگیز و باور نکردنی می آید.

و این قهرمانان جامعه ما، یکی و دو تا و ده تا و صد تا و هزار تا نیستند. بیشمارند. ای کاش می شد در اینجا نمونه های بسیار دیگری را آورد.

جامعه ما بیمار نیست. جامعه ای سرگردان است. سرگردانی بخاطر جابجایی مداوم قومی از ویژگی های اجتماعی و تاریخی ما است. همیشه با ما بوده است. شوخی نیست که گروهی از یک اجتماع سنتی شرق یکباره وارد اجتماع پراشوب غرب - آن هم نه بسادگی بلکه بعد از یک انقلاب بنیان کن - بشوند و بتوانند با دشواریها بجنگند و پیروزمندان به حیات خویش ادامه دهند.

جامعه ما جامعه ای بیمار نیست. جامعه ای بی رهبر است؛ ما به رهبری نیاز داریم که قادر باشد ما را از این سرگردانی برهاند. رهبری می خواهیم که شاگرد کوچک مکتب بزرگ موسی باشد. صبور و درونگر و مردم دوست و درعین حال قاطع و مدیر و مدبّر و کاردان. رهبری که جدا از رسوم و سنن و دعاها و نیایش ها بتواند یهودیت اصیل را به ما بیاموزد. رهبری که با کلامی سرشار از مهر به ما بگوید:

جامعه ما بیمار نیست اما مثل هر جامعه دیگر خالی از افراد (بیمار فکری) هم نمی تواند باشد. بهر یک از چنین بیمارانی در جامعه مان اشاره کنیم و او را فردی خواهیم یافت که از اصول اصیل یهودیت بدور مانده. اگر آن مادر رنگ پریده، آن جوان تیره روز و آن مرد نگون بخت دچار بلای اعتیاد شده اند از آن روست که به آنان نیاموخته ایم که در این یهودیت (جان) گرانبهاترین نعمت پروردگار است و زندگی را نباید بخطر انداخت. حفظ سلامتی و

پرهیز از آنچه تن و روان را به مخاطره می اندازد از برترین این فرامین الهی است. اگر آن خانواده به عنوان تظاهر و تقلید مبالغه گزافی را در میهمانی ها بمصرف میرساند از آن روست که به او نیاموخته ایم که بدون آنکه کوچکترین لطمه ای به شادی و جشن و شادمانی اش وارد آید، می بایست در اندیشه گرسنگان و نیازمندان هم باشد. نیاموخته ایم که یهودیت میگوید باید شاد بود، شادی کرد و جشن گرفت و درعین حال برادران و خواهران فداکاری که سخت ترین ایام زندگی را در اسرائیل می گذرانند تا در آینده شادبها و جشنهای فزون تری را برای ما فراهم آورند نیز نباید از یاد برد.

اگر آن زن و مرد به بیماری سخن چینی گرفتارند از آن روست که به آنان نیاموخته ایم که در یهودیت این کار خیلی صریح و روشن و بی پرده از گناهان بزرگ شمرده شده و آن که میخواهد یهودی راستین باشد باید جدا از این عمل زشت دوری جوید. اگر در جامعه ما زوج هائی پیدا می شوند که به علل ساده و پیش پا افتاده بنای خانواده را برهم میزنند از آن روست که به آنها یاد نداده ایم که در یهودیت به گواهی همان ده فرمانی که گروهی آنها عصا دین یهود می دانند تقدس خانواده پس از تقدس خدا آمده است و آنکه خود را یهودی می داند نباید به کانون خانواده خودسرانه لطمه وارد آورد و بهر بهانه بی اساس پایه این کانون را از هم بپاشد. اگر در جامعه ما این همه چند دستگی وجود دارد از آن روست که اصول یهودیت را نادیده گرفته ایم و بفروغ آن پنجه انداخته ایم. یاد نگرفته ایم که دین یهود، خیلی بیش از آن که یک امر خصوصی و فردی شخصی باشد رسالت در خلق یک اجتماع انسانی دارد. اجتماعی که بتواند نمونه ای از برای همه ملت باشد.

با آموزش های چنین رهبريست که ما میتوانیم پی ببریم بیماران جامعه ما چه کسانی اند که از مسیر تعالیم یهودیت به دور افتاده اند و آنها که دانسته یا نادانسته، خواسته یا ناخواسته از تعالیم موسی پیروی می کنند.

جامعه ما با همه عیب و ایرادی که بر آن میگیرند، جامعه ایست که بخاطر میراثی که از یهودیت دارد پربار و شکوفا است. جامعه ایست که به مدد درکنار هم بودن افرادش میکوشد از درد تنهایی و دورافتادگی و سرگردانی بکاهد. کنیسا درست کند و زیر یک سقف با همکیشانش هم نفس باشد. جامعه ایست که نسل جوانش تشنه دانش و دانش اندوختن است. جامعه ایست که پیوستگی و همبستگی افرادش گاه به افسانه می ماند. جامعه ایست که از آن سوی دنیا بدین سوی آمده و در توفان سهمناک معیارهای متضاد اجتماعی تعادلش را حفظ کرده است. جامعه ما جدی ترین مشوق و حامی هنرمندان ایرانی است. بزرگترین مرکز انتشارات کتاب و کتابفروشی ایرانیان خارج از ایران را یک یهودی در همین شهر لوس آنجلس اداره می کند. پزشکان ما مثل تمام طول تاریخ در همین جامعه ای که بیمارش میخوانند درمان کنندگان بدترین و مهلک ترین

بیماریها از بهر هم زبانان خود و دیگر کسانی.

جامعه ما جامعه ای بیمار نیست. گمان می کنند که بیمار است. و این همان گمانی است که در طول دوران پراکندگی ما ریشه دوانده است. دیگران، در اجتماعات گوناگون، به گمان خویش یهودیان را با هزار و یک عیب و ایراد می شناسند و اینک جامعه ما، متأثر از همان روال کهنه گذشته، خویشتن را به شیوه ای دیگر دارای عیب و ایراد می داند.

دریفا که بدنبال عدد و آمار نرفته. اما فرض می کنیم که دست بالا پنج درصد از آدمهای ما به طلاق و تریاک و هرئوین و شایعه سازی و تظاهر و فخر فروشی و نادراستی و اینگونه بیماریها مبتلا باشند. پنج درصد نه، ده درصد، ناسزاست که بخاطر این درصد محدود معین که بیگمان انسانهای قابل شفا و درمان را دربر دارد، نود درصد دیگر به همراه ایشان در یک جا بیاوریم و همه را به یک چوب بزنیم. این کاریست که دشمنان ما با ما می کنند. چه درد جانکاه بزرگی خواهد بود که خود ما با خود نیز چنین کنیم.

جامعه ما جامعه بیماری نیست. خوش بینی و بدبینی را کنار بگذاریم و واقعیت نگر باشیم.

## اطلاعیه فدراسیون یهودیان ایرانی

بر اساس توافقی که بین صندوق اضطراری فدراسیون و کرن کیمیت اسرائیل بعمل آمده، کرن کیمیت باغ بزرگی را بمنظور کاشت درخت در اختیار صندوق اضطراری قرار داده است تا همکیشان گرامی بتوانند بهنگام برپائی مراسم بر و بت میتصوا، نامزدی، عروسی، سالروز تولد و دیگر مراسم بجای اهدای گل، سکه و هدایای دیگر با اهدای چند درخت، نه تنها صاحبان مراسم را خوشحال کنند بلکه در آبادانی و سرسزی سرزمین اسرائیل نیز شرکت جویند.

خواهشمند است برای اهدای درخت با فدراسیون، شماره تلفنهای

۴۷۰۰-۶۵۴ (۳۲۳) و ۶۲۲۲-۶۵۶ (۳۲۳) تماس حاصل فرمائید.



# Albert Elay Shaltiel

ISRAELAND GROUP

The Israeli Real Estate Office

- ۱- تخلیه شهرکهای یهودی نشین از نوار غزه
- ۲- مرگ یاسر عرفات و تجدید مذاکرات صلح
- ۳- رفورم اقتصادی وزارت اقتصاد اسرائیل به حمایت از بازار مشترک اروپا و آمریکا
- ۴- مهاجرین تازه وارد و پروژه جدید و موفق اداره مهاجرت اسرائیل
- ۵- علاقه واشتقاق یهودیان ساکن فرانسه برای سرمایه گذاری و خرید زمین و املاک در اسرائیل
- ۶- تجدید سرمایه گذاری شرکتهای بزرگ تکنولوژی و های تک خارجی در کشور اسرائیل
- ۷- جلب توجه دوباره توریستها و مسافران به اسرائیل در مدت اخیر

از جمله دلایلی هستند که به اقتصاد اسرائیل و قیمت املاک تأثیر مثبت گذاشته و ثابت میکند که:

**امروز بهترین و مناسبترین زمان برای خرید زمین و سرمایه گذاری  
در کشور اسرائیل میباشد.**

**A Piece of Land for A Peace of Mind.**

**این فرصت استثنائی را از دست ندهید**

For more information call today

**ALBERT SHALTIEL**

**(213) 500-9906**

*Albert Elay Shaltiel*  
ISRAELAND GROUP  
The Israeli Real Estate Office

Tel/Fax: 972-4-9833456  
Mobile: 972-52-5268154  
USA: (213) 500-9906  
e-mail: israeland\_elay@walla.com

*Our purpose:*

*Connecting the Jewish Communities  
abroad to Israel by providing them with  
lucrative real estate investment  
opportunities in Israel and thus  
advancing the Israeli economy.*

Tel/Fax: 972-4-9833456 Mobile: 972-52-5268154 USA: (213) 500-9906 / (818) 774-1826  
e-mail: israeland\_elay@walla.com



آنها که آزادی را در احترام و توجه به عقاید همفکران و همدینان و هم‌مسلمان خود رعایت می‌کنند، در حقیقت آزادی و احترام را تنها برای خود میخواهند و این درست معنای استبداد و ضد آزادی است. آزادی زمانی است که ما به حقوق مخالفان هم احترام بگذاریم.

## آیا می‌شود بجای خشونت به قانون پناه برد؟

غفور میرزائی

کسانی که در حرف سخن از آزادی می‌زنند، اما در عمل به یک اصل اساسی که «آزادی با مسئولیت» همراه است، قائل نیستند، یا مفهوم «آزادی» را به درستی نمی‌دانند و یا در سر، نقشه‌های دیگری می‌پرورانند.

آنها که آزادی را در احترام و توجه به عقاید همفکران و همدینان و هم‌مسلمان خود، رعایت می‌کنند، در حقیقت آزادی و احترام را تنها برای خود میخواهند و این درست معنای استبداد و ضد آزادی است. آزادی هنگامی است که ما به حقوق و عقاید و آزادی مخالفان هم احترام بگذاریم. هر حکومت مستبد و زورگویی به همه طرفداران خود آزادی می‌دهد. این که می‌گویند این حکومت، مستبد است یا آزاد، روی رفتاری است که با مخالفان خود دارد نه با موافقان. بسیاری از حکومت‌های مستبد، در

دنیای امروز که سخن آزادی رایج بازار عموم است، ادعای آزادی و قانون مندی و رعایت حقوق شهروندان را دارند. در آن جاها هم روزنامه وجود دارد و هم انتخابات و هم حتی مجلس نمایندگان هست و هم رئیس‌جمهور انتخابی. اما وقتی محک آزادی را بکار می‌بریم، روسیاه از آزمون بیرون می‌آیند.

خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود آن که در او غش باشد «محک» آزمایش این نظام‌های حکومتی، رفتار آنها با زنان، اقلیت‌های دینی و قومی و نژادی و مخالفان سیاسی و میزان تحمل و حساسیت‌شان در انتقاد پذیری است. البته که یک حکومت زورگو می‌تواند این گروه‌ها را با فشار سازمانهای امنیتی و نیش چاقوی رجاله‌های حرفه‌ای خود و یا حتی اگر محبوبیت «توده‌ای» دارد، با سیل جمعیت‌های متعصب و نا

آگاه مردم، مخالفان را از صحنه روزگار براندازد یا مرعوب و خانه نشین و بی‌اثر و زنده بگور کند و سپس ادعا کند که تعداد زندانیان سیاسی‌اش از انگشتان دست بیشتر نیست و انتخابات آزادش از هر کشور دیگری آزادتر است و حقوقی که شهروندانش دارند از بهترین دموکراسی‌های غربی هم بیشتر است. البته دیگر به روی خود نمی‌آورد که به انواع حیل‌ها، بیشتر نفس همه نفس‌کشان مخالف خون را با گلوله و چاقو بریده است و جرأت انتقاد و مخالفت را از فعالان سیاسی و حتی مردم عادی سلب کرده است و انتخابات را بدون «حق انتخاب کردن» کرده است و حقوق بشر را سیاسی و ایدئولوژی زده (مانند آفت زده) شناخته است و سپس ادعاهای پوچ و توخالی و دروغ تهوع‌آور خود را بزبان بوق‌های تبلیغاتی در چهارسوق جهان با بی‌شرمی بسیار، سر میدهد.

اما برگردم به سراغ کشورهای پیشرفته، در کشورهایی که آگاهی و شعور و به ویژه خردگرایی بر امور بیش از احساسات و هیجان زندگی حاکم است، این پرسش را مطرح کنم که چرا گاهی «آزادی» را بدون «مسئولیت» مورد استفاده قرار میدهند؟ آزادی بدون مسئولیت برگشت به زندگی حیوانی و غریزی است. کدام جامعه‌ای اجازه میدهد که هر حرف یا عمل بی مسئولیت گفته شود و یا اجرا گردد؟ پس احترام و حقوق دیگران و شرم و معیارهای اخلاقی و اجتماعی به کجا می‌رود و تکلیفشان چه میشود؟ احترام به باورهای دیگران کجا رعایت میشود. «آزادی» به معنی «مقید» بودن به قانون، معیارهای اخلاقی و گدھا و قُرم های اجتماعی است. آزادی بیان، هرزه درانی نیست. آزادی مطبوعات ناسزاگویی و بی احترامی به باورهای دیگران نیست. اما، این را هم اضافه کنم که انسان حق دارد که هیچ اصل ثابت و غیرقابل تغییری را نپذیرد و حق دارد از خدا و پیامبر و دستورات هر دین و آئینی و مکتبی (چه زیر عناوین خدائی، چه سیاسی و ایدئولوژیکی) انتقاد کند. اما، اولاً که انتقاد با مسخره کردن و توهین و اتهام و دروغ... تفاوت دارد، ثانیاً، «هر سخن جانی و هر نکته مکانی دارد».

اینگونه بحث‌ها و انتقادات (بویژه دینی و احساسی) جایش در دانشگاهها و مراکز پژوهشی است. کسی درس اقتصاد عالی و یا شیمی آلی و فیزیک هسته‌ای را، اگر قصدش نتیجه‌گیری علمی و نه ایجاد شورش اجتماعی است، در یک روزنامه معمولی غیر تخصصی نمی‌دهد و نمی‌نویسد. اگر هم یک روزنامه چنین کرد، اگر توطئه در کار نیست، دیگر روزنامه‌ها، دو سه ماه بعد آنرا در کشورهای دیگر دوباره چاپ نمی‌کنند!

حالا بیایم سراغ مردمی که از

## حق انتخاب سرنوشت و حقوق انتخاب و عزل حکومت حق آزادی بیان و نوشتار، حق تاسیس احزاب سیاسی و اتحادیه‌ها و... همگی از حقوق لازم و اساسی بوده و بایستی زمینه‌های مناسب لازم را برای بدست آوردن آنها با پیگیری فراهم آورند.

چاپ کاریکاتورهای غیرمسئولانه روزنامه دانمارکی پولاندزیستن، احساساتی شده‌اند و از مانیل، بانکوک تا کابل و تهران و دمشق و قاهره، تظاهرات میلیونی راه انداخته‌اند. به نظر من اگر این مردم از حق خود دفاع می‌کنند و دست به تظاهرات اعتراضی زده‌اند، بسیار خوب است و امیدوارم این غیرت دینی و حق طلبی را در مورد سایر حقوق فردی و اجتماعی خود نیز داشته باشند. بدانند که حق داشتن زندگی بهتر، حق انتخاب سرنوشت و حقوق انتخاب یا عزل حکومت، حق آزادی بیان و نوشتار، حق تاسیس احزاب سیاسی و اتحادیه‌های صنفی... همگی از حقوق دیگر لازم و اساسی آنها است و بایستی زمینه‌های مناسب لازم را برای به دست آوردن آنها با پیگیری فراهم آورند.

یادشان باشد که اعتراض علیه روزنامه یا کاریکاتوریستی که به باورهای آنها توهین کرده است، نبایستی به آدم کشی و آتش زدن سفارتخانه‌ها تبدیل گردد. از سوی دیگر بدانند که اعتراض در خیابانها و کشته دادن و آتش سوزی تنها راه نیست. راه منطقی و متمدنانه دیگری هم وجود دارد که بسیار موثرتر و کم زیان تر و انسانی تر است. آن راه، تعقیب قانونی روزنامه دانمارکی و کاریکاتوریست آن و حتی تعقیب قانونی سایر روزنامه‌های

سوئدی و فرانسوی و آلمانی و ایتالیایی و اردنی است که دو یا سه ماه بعد دوباره این کاریکاتورها را چاپ کرده‌اند.

آیا تعصب و ناآگاهی میگذارد که ما به جای راههای خشن و غیر معقول امروزی، برای حل همه مشکلات و گرفتاریهای این چینی‌مان، به راههای گفتگو و قانونی که دنیا پسند و متمدنانه است روی آوریم؟ باور بفرمائید که حل بیشتر مشکلات جهان امروز از راه گفتگو و یا طرح دعوا در دادگاهها آسانتر، زودتر و کم هزینه تر می‌باشد. متأسفانه، احساسات، تعصب و ناآگاهی نمی‌گذارد ما راه درست را انتخاب کنیم و چه بسا که اگر دست هائی در کار باشد که بخواهد از این آشوبها سوء استفاده کند - که بنظر میرسد در این مورد ممکن است چنین باشد، زیرا سه ماه بعد از چاپ این کاریکاتورها در دانمارک و بعد از این که سروصدائی بوجود نیامد، دوباره آنها را در سطح وسیع چندین کشور و حتی یک کشور اسلامی چاپ کردن، گمان به وجود توطئه را بیشتر میکند - مردم این کشورها و رهبران دینی این سرزمین‌ها، شاید غافل از تشخیص توطئه احتمالی و بی توجه به راه حل‌های قانونی، تنها به دسته راه اندازی و پرچم سوزاندن و سفارتخانه آتش زدن سرگرم‌اند و کشته میدهند و سودی نمی‌برند و دلخوشند که شعار میدهند و خشم می‌پراکنند.

ما از منطقه‌ای هستیم که بیش از دو هزار سال پیش از مسیح قانون داشته‌ایم. هنوز لوح‌هائی که قانون بر آنها نوشته شده بوده در سرزمین مزوپتامیا (عراق امروزی) و ستون‌های از خاک برآمده شوش در سرزمین ایلامی‌ها (خوزستان) موجود است.

به امید عقلانیت بیشتر و قانونگرایی

انسانی‌تر.



آقای محمود احمدی نژاد موضوع کشتار ۶ میلیون یهودی در کوره های آدم سوزی نازیها که به هولوکاست معروف است ، را دروغ و غیر واقعی خوانده و خواستار آن شد که اروپائی ها برای یهودیان کشوری در قاره خود ایجاد کرده و یهودیان اسرائیل را به آنجا منتقل کنند و این در حالی است که در برخی از کشورهای اروپائی از جمله آلمان و اتریش انکار کشتار یهودیان جرم محسوب میشود.

جمهوری اسلامی بزرگترین خطری است که اسرائیل از بدو تاسیس تاکنون با آن روبرو بوده است .

## انکار گرائی پدیدۀ هالوکاست و یهودزدائی

ایرج فرنوش

چندی پیش که مقامات امنیتی اسرائیل اقدام به برگزاری کنفرانسی در شهر «هرزالیا» کردند تا مشکلات پیش پایشان را بررسی کنند، رئیس موساد و مقامات امنیتی ارتش به نتیجه ای واحد دست یافتند: «جمهوری اسلامی ایران بزرگترین خطری است که کشور اسرائیل از ابتدای تاسیس تاکنون با آن روبرو بوده است».

چند ماه بعد از برگزاری این کنفرانس آقای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران در همایشی که بعنوان «جهان بدون صیونیسیم» در تهران تشکیل شده بود با تکرار سخنان آیتاله خمینی، تأکید کرد اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود. در عین حال جناب ایشان به تمامی سران کشورهای اسلامی هشدار دادند که هر کس

در راه شناسائی رژیم صیونیستی گام بردارد، در آتش قهر اسلام خواهد سوخت. با وجودی که سخنان او با واکنش بسیار شدیدی در سطح جهان روبرو شد، معذالک دو هفته بعد، در یک مصاحبه مطبوعاتی که در حاشیه کنفرانس کشورهای اسلامی در شهر مکه تشکیل شده بود، موضوع کشتار ۶ میلیون یهودی را در کوره های آدم سوزی نازیها در جریان جنگ جهانی دوم که به «هولوکاست» معروف است دروغ و غیرواقعی دانست و گفت قبول ندارد که هیتلر رهبر نازیها میلیونها یهودی را در کوره های آدم سوزی سوزانده باشد و آن را «اسطوره نخ نما» خواند و خواستار آن شد که اروپائی ها برای یهودیان کشوری در قاره خود ایجاد کرده و یهودیان اسرائیل را به آنجا منتقل کنند.

سخنان یهودی ستیزانه آقای

احمدی نژاد در حالی گفته میشد که انکار کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم در برخی از کشورهای اروپائی از جمله آلمان و اتریش جرم محسوب میشود، زیرا که پس از پایان جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورها با حساسیت ویژه ای به این بخش شرم آور از تاریخ بشریت برخورد کردند و نمیخواهند این فاجعه را بفراموشی سپارند.

چندی قبل از این ماجرا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه ای، ۲۷ ژانویه را بعنوان روز جهانی بزرگداشت قربانیان هولوکاست اعلام نمود، در این راستا در آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپائی و کانادا، رهبران سیاسی بطور مرتب در مراسم یادبود قربانیان هولوکاست حضور می یابند و همه ساله صدها هزار توریست و شخصیت های برجسته از موزه رسمی و بزرگ هولوکاست در واشنگتن دی سی



عرضه شده بود:

Tale of Chosen People  
Jewish Conspiracy  
The International Jew  
The Protocole of the learned Eldar  
of Zion

که یکی از دیگری یهودی ستیزتر  
میباشند.

مصاحبات رادیویی تلویزیونی و یا  
مطبوعاتی در ایران با اشخاصی صورت  
میگیرد که احساسات ضد یهودی شدید  
داشته و هیچ کس هم اعتراضی نسبت به  
این مصاحبات مغرضانه و یکطرفه به قاضی  
رفتن نمی کند.

مثلا در یک مصاحبه تلویزیونی،  
یک تاریخ شناس ایرانی عید پوریم را جزئی  
از تاریخ سازی یهودیان بشمار آورد. این

رسانه های دسته جمعی در ایران به پیروی  
از سیاست حاکم خبرهای تحریف شده و  
مغرضانه و نادرست درباره یهودیت و کشور  
اسرائیل را در صدر خبرهای خود قرار  
میدهند. طبق گزارش موسسه بررسی رسانه  
های خاورمیانه (Mamri) که احساسات  
ضد یهودی در رسانه های دیداری،  
شنیداری و نشریات چاپ شده در  
کشورهای خاورمیانه را بررسی میکند به  
این نتیجه رسیده که رسانه های برون  
مرزی ایران پر از مطالبی است که مفاهیم  
یهودی ستیزی داشته و حقایق مربوط به

سراسقف ناحیه کراکو در  
لهستان از مردم این کشور خواست  
به نشانه احترام به قربانیان و  
سیاستهای بهبوددزائی نازیها  
در پنجره های خود  
شمع روشن کنند.

اسرائیل و یهودیت را تحریف کرده و تصویر  
بسیار کزیهی از یهودیت و صیونیم  
میسازد. سازمان چاپ و انتشارات وزارت  
فرهنگ و ارشاد اسلامی کتب و جزوه های  
متعددی چاپ و منتشر میسازد که هدف  
آن صرفاً اشاعه یهودی ستیزی میباشد.  
این نشریات به زبانهای فارسی، عربی و  
انگلیسی چاپ و در سراسر جهان توزیع  
میگردد. در پائیز امسال در نمایشگاه جهانی  
کتاب که در شهر فرانکفورت آلمان برگزار  
شده بود، غرفه جمهوری اسلامی با نشریات  
یهودی ستیزانه وزارت فرهنگ و ارشاد  
اسلامی مزین شده بود که با اعتراض  
بسیاری از مجامع حقوق بشری روبرو شده  
بود. از جمله نشریاتی که در این نمایشگاه

بازدید می کنند.

موزه یادوآشم در اورشلیم نیز که به  
این خاطر ایجاد شده هر ساله پذیرای صدها  
هزار نفر از سراسر دنیا میباشد. امسال نیز  
در روز جمعه ۲۷ ژانویه در مراسم  
بزرگداشت هولوکاست که در محل  
آشویتس برگزار شده بود، مقامات سیاسی و  
شخصیتهای مهم از بسیاری از کشورها  
حضور داشتند.

سراسقف ناحیه کراکو در لهستان از  
مردم این کشور خواست به نشانه احترام به  
قربانیان و سیاستهای بهبوددزائی نازیها در  
پنجره های خود شمع روشن کنند.

کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل  
متحد بدین مناسبت در بیانیهای کسانی را  
که در مورد واقعیت هولوکاست ابراز تردید  
میکنند، مورد حمله قرار داد.

اصولاً واژه هولوکاست در لغت  
معنی قربانی بزرگ با آتش میدهد. معادل  
این واژه در زبان عبری کلاسیک «اولم  
گابل» و در عبری مدرن «شواه» است. در  
اسرائیل و مجامع یهودی بجای واژه  
هولوکاست از کلمه «شواه» استفاده  
میگردد.

از بدو تاسیس جمهوری اسلامی در  
ایران، برخوردها در مورد جنایت نازیها در  
مورد یهودیان در طیف های مختلف  
حکومت بدلیل ایدئولوژی حاکم یکسان  
نبود. فرش قرمز پهن کردن برای افراد  
انکارگرا یهودی ستیز مانند «روژه گارودی»  
، «رابرت فورسون» ، «احمد رامی» و چند  
تن از نئونازیهای آلمان در زمان زمامداری  
آقای احمدی نژاد روی نداده ولی از موقعی  
که ایشان برسر کار آمدهاند خصوصت آنان  
نسبت به کشور اسرائیل و یهودیت شدت  
گرفته است.

سخنان یهود ستیزانه آقای احمدی  
نژاد تنها منوط به شخص ایشان نیست.

شخصیت دانشگاهی در مصاحبه اظهار میدارد که «یهودیان در مجموعه اعیاد خودشان عیدی دارند بنام عید پوریم که ریشه آن برمبگردد به داستان استر، همسر یهودی خشایار شاه که بنا بخواسته وی ایرانیان بسیاری در آن مقطع قتل عام شدند و این عید پوریم به واقع جشن شادی بمناسبت کشتار ایرانیان در دوران پادشاهی خشایار شاه با سعایت یهودیان است.

در قسمت دیگری این جناب در ادامه مصاحبه یهودیان را متهم به تاریخ سازی در مورد حمله اعراب به ایران مینماید. به باور این آقا تمدن ایران توسط اعرابی که پیام آور اسلام بودند از بین نرفت و انهدام تمدن و فرهنگ ایران بعد از حمله اعراب را مربوط بتاریخ سازی مجهول یهودیان دانست. وی چنین استنباط کرد که چنین چیزی نه از لحاظ تاریخی و نه از لحاظ منطقی واقعیت ندارد. چرا که ایرانیان خود مدافع اسلام و بیش از حمله اعراب مبلغ اسلام شده بودند. در حقیقت این قوم یهود بود که در ایران دست به غارت و تمدن سوزی زده و تاریخ این واقعه مهم تاریخی را کاملا محو نمود! جناب تاریخدان در قسمت دیگری از مصاحبه خود میگوید که قوم بنی اسرائیل قومی است که به رهبری موسی از ظلم فرعون نجات یافت، اما نه تنها با موسی با هیچ یک از پیامبران بعدی وی نیز از در اطاعت و مسالمت درنیامد و بسیاری از پیامبران خود را کشت و ظلم و فساد را در زمین ریشه خود ساخت».

یکی دو هفته پس از اظهارات یهودی ستیزانه آقای احمدی نژاد، موقعی که این نوشتار تهیه میشد، حکومت ایران اعلام کرد که کنفرانسی علمی را برای بررسی آنکه آیا واقعا یهودیان در دوره حکومت نازیها در آلمان زیر پیگرد بوده و قربانی کشتار آنها شده‌اند یا نه سازماندهی

خواهد کرد. عنوان این کنفرانس به اصطلاح علمی «هولوکاست واقعیت یا افسانه» است. شرکت کنندگان در این کنفرانس شامل انکارگران هولوکاست، از جمله رابرت فورسون، روزه گاردوی، احمد رامی و عده‌ای از نئونازیستهای آلمانی خواهند بود.

انکار گرانی یک ایدئولوژی است که در آن واقعیت قتل یهودیان بوسیله نازیها نفی میشود. انکارگراها که برای خود نام «مورخ تجدید نظر طلب» (Revisionnist) را برگزیده اند، ادعا دارند که سعی شان بازنگری علمی تاریخ میباشد. «بازنگری تاریخ» عبارت از مرور دوباره دانسته های تاریخی است که بایستی با قواعد علمی خاصی صورت بگیرد. در غیر این صورت این بازنگری تاریخی جنبه علمی خود را از دست میدهد.

گفتمان های انکارگراها به دلایل زیادی که شرح آن در این نوشتار نمی گنجد، نه تنها با معیارهای علمی مطابقت نمیکند بلکه ماهیتی ضد تاریخی دارند. به این دلیل نام مورخ تجدید نظر طلب آنها را انکارگرا مینامند. روش انکارگراها برای تجلیل مسائل، روشی انحرافی است. زیرا به افسانه پردازی و دستکاری جزئیات خلاصه میشود. آنها در تمام فرضیه های اولیه شان جوابهای نهائی را دارند و بخاطر همین است که به ضد تاریخ تبدیل می شوند زیرا پیش از اینکه هدف کشف واقعیت را داشته باشند از آن بعنوان ابزاری برای انتشار افکار ایدئولوژیکشان استفاده میکنند. در اینجا برای آشنائی با این پدیده به مختصر شرح افکار «رابرت فورسون» انکارگرای فرانسوی اشاره میگردد.

«رابرت فورسون» نویسنده، محقق و استاد دانشگاه، یک فرانسوی است که قرار است در کنفرانس عملی «هولوکاست، واقعیت یا افسانه» در تهران شرکت کند.

به عقیده رابرت فورسون، یهودیان برای اینکه بتوانند کشور اسرائیل را تشکیل دهند، دروغ به این بزرگی را اختراع کردند. یکی از ویژگیهای این شخص و سایر انکارگراها این بوده که میخواهند به گفتارشان ظاهر علمی بدهند و تمام عناصری که در نتیجه گیری به ضررشان تمام میشود، نادیده میگیرند و یا آنها را جزئی جلوه و یا توجیه میکنند. وی در نوشته های خود چنین مینویسد:

«مقاصد جنایتکارانه‌ای که به هیتلر نسبت میدهند دروغ و ثابت نشده هستند. این تصاویر هم‌ا‌ش نتایج تبلیغات جنگ و اشاعه نفرت است. وی وجود کوره های آدم سوزی را انکار نمیکند ولی ادعا میکند که آنها از برای سوزاندن جنازه ها در جهت جلوگیری از گسترش بیماری استفاده می شده است.

وی معتقد است که هیتلر نه تنها دستور قتل عام یهودیان بلکه هیچ انسان دیگری را بخاطر مذهب و نژادش نداد.

هیچ یهودی به صرف اینکه یهودی بوده کشته نشده و اگر چند یهودی هم کشته شده باشند بدلیل خود جنگ و دلیل های طبیعی بوده است.

قتل عام یهودیان ساخته و پرداخته صیونیستها و تنها نفع آن را دولت اسرائیل میبرد».

یکی دیگر از انکارگرایانی که قرار است در کنفرانس علمی تهران شرکت کند، روزه گاردوی، یک مسلمان فرانسوی است که به یهودی ستیزی معروف و در دو دهه گذشته به ابزار تبلیغات ضد یهودی و ضد اسرائیلی مشغول بوده است. وی در طی

موجودیت کشور اسرائیل دیری است که به یک واقعیت انکارناپذیر تبدیل شده، واقعیتی که حتی افکار عمومی و رهبران مردم فلسطین نیز آنرا پذیرفته‌اند.

اختلاف میان اسرائیل و فلسطینی‌ها بخود آنان مربوط است. فلسطینی‌ها خود نماینده و رهبر دارند و هیچ کس را هم بعنوان قیم خود نپذیرفته‌اند.

با یکدیگر قرار میگیرند. مخالفت با سیاستهای دولت اسرائیل بهیچ وجه نباید در ارتباط با این دو عرصه باشد.

بخش بزرگی از فعالیت فکری و سیاسی در ایران هنوز متاسفانه در برخورد با این واقعیت تاریخی و مشخص مشکل جدید فکری دارد. همه جور اما و اگر میکند. دهها مسئله دیگر را همزمان مطرح میکند و هم سطح می انگارد که سر آخر نتوانی بفهمی موضوع اصلی چیست. واکنش در مجموع ضعف جامعه روشنفکری و سیاسی ایران در قبال سخنان شرم آور آقای احمدی نژاد در نفی «هولوکاست» و کشتار یهودیان خود دلیل این مدعاست.

این را باید به آقای احمدی نژاد یادآور شد که موجودیت کشور اسرائیل دیری است که به یک واقعیت انکار ناپذیر تبدیل شده، واقعیتی که حتی افکار عمومی و رهبران مردم فلسطین نیز آنرا پذیرفته‌اند.

ملت ایران هیچ منافعی در دشمنی با دولت و موجودیت اسرائیل ندارد. اختلاف میان اسرائیل و فلسطینی‌ها بخود آنان مربوط است. فلسطینی‌ها خود نماینده و رهبر دارند و هیچ کس را هم بعنوان قیم خود نپذیرفته‌اند و برای دستیابی به صلح با اسرائیل گفتگو و مصالحه میکنند.

در اینجا موضوعی که باعث تعجب است اینکه چرا طبقه روشنفکر ایرانی درون مرزی در این مورد سکوت کرده است در حالیکه در دو دهه گذشته جنبش وسیعی توسط همتای آنان در اروپا و آمریکا صورت گرفته تا دولت‌های کشورهای خود را وادار کنند که از روی واقعه هولوکاست با سکوت نگذرند. تلاش عظیم این روشنفکران متوجه این موضوع بوده که پرهیز و نفرت از نژادپرستی را به حافظه جمعی ملت خود بسانند. متاسفانه در محافل روشنفکری و سیاست غیر دولتی در تشکل غالب خود فاجعه هولوکاست را با مسئله فلسطین در چنان پیوندی قرار داده که مطرح کردن کشتار یهودیان و محکومیت آن بمعنای پشت کردن به فلسطینیان میدانند و ترجیح میدهند که اصلا این فاجعه تاریخی را بیاد نیاورند.

«شهلا فرید» تحلیلگر سیاسی، جامعه ایرانی به ویژه گروه روشنفکر در این عرصه با این واقعیت تاریخی برخوردی سیاسی، ایدئولوژیک و یا اسلامی داشته است. کشتار یهودیان را با نگاه به صیونیست و تلقی از کشور اسرائیل پیوند داده و هنوز مشکل ذهنی خود را با امر پذیرش دولت اسرائیل بعنوان یک واقعیت حل نکرده است. از این نظر میتوان گفت: یهودی ستیزی و اسرائیل ستیزی در پیوند

سخنرانیهای خود در کشورهای عربی و اسلامی چنین میگوید که تا موقعی که اسطوره اسرائیل زیر سؤال نرود، امید صلح در جهان خیلی کم است و این اسطوره همان افسانه به اصطلاح «هولوکاست!» یهودیها است. روزه گارودی به مسلمانان میگوید: با تداوم این دروغ تاریخی قتل عام، اطاقهای گاز، و کشته شدن شش میلیون نفر است که رقبای شما موفق شده‌اند این همه اعتبار اخلاقی و مالی که اصلا شایستگی‌اش را ندارند، بدست آورند.

یکی دیگر از شرکت کنندگان در کنفرانس تهران «احمد رامی» مسلمان مراکشی مقیم سوئد است که با انتشار مقالات و سخنرانی هایش در رادیو در حمایت و ترویج انکارگرایی میکوشد. به عقیده احمد رامی یکی از وظائف مسلمانان برملا کردن این دروغ قرن ۲۰ میباشد. دروغی که محصول فریبکاری یهودیها است. او تأکید میکند که اسلام باید با یهودیت بعنوان فرقه مافیائی که زیر لوی مذهب پنهان شده مبارزه کند و بصورت یک نیروی مقاومت در مقابل درندگی یهودیت تبدیل شود.

در نتیجه با شرکت چنین اشخاصی در کنفرانس علمی و تحقیقی تهران نتیجه آن از قبل قابل پیش بینی است. سئوالی که مطرح است اینکه چرا حکومت اسلامی در حالیکه با بزرگترین بحران سیاسی بین المللی روبرو است به سازمان دادن چنین کنفرانسی دست زده؟ در واقع هدف اصلی این کنفرانس یک هدف آشکار، دامن زدن به تبلیغات یهودی ستیزانه، ایجاد یک دشمنی آشکار علیه اسرائیل و در پی دامن زدن به احساسات ضد یهود و ضد اسرائیل در ایران و در کل منطقه و معتبر کردن ایران در میان افکار عمومی جهان مسلمان میباشد.

برگردان: ثریا پاستور

ارتباط میان یهودیان و فرشهای دستباف ایران، به دوران بسیار قدیم باز میگردد. نشانه‌ها و ردپای این ارتباط محدود ۲۵۰۰ سال قبل میرسد<sup>۱</sup>.

بعد از مهاجرت بنی اسرائیل از مصر، یهودیان در زندگی چادرنشینی خود از «گلیم» برای پوشاندن کف زمین و دیوارهای چادرها استفاده میکردند. این نکته در کتاب «مهاجرت نامه» (Le Livre Del'exode) و بعد از آن در کتاب «تمثیل ها» (Proverbes) آورده شده است. در کتاب «وقایع نگاری» (Le Livre Del'exode) از حضرت سلیمان و فرشهای متعلق به او و رنگهای گوناگون مورد استفاده در بافت آن فرشها: آبی، سفید، قرمز و شنگرف یاد شده است. در این کتاب همچنین آمده است که نقش و نگار این فرشها از یک طرف نشان دهنده ده احکام حضرت موسی و شیرها و از طرف دیگر، نمایانگر تصویر عقاب‌ها می باشد. تار و پود و بافت فرشها نیز شباهت بسیاری به بافت فرش هائی دارد که در حال حاضر در میان قبایل دوره گرد صحرای سینا مورد استفاده قرار میگیرد.

Barber در مقدمه کتاب خود تحت عنوان «مطالعه درباره تاریخچه نساجی» مینویسد که فرشهای مورد بحث در حقیقت اولین فرشهای شناخته شده بشمار میروند<sup>۲</sup>.

یهودیان در انتخاب طرحها و نقشهای مختلف فرشها از موضوعات کتاب مقدس و از سمبول های یهودیت از جمله ستاره داود، شیر یهودا، حضرت موسی، حضرت هارون، حضرت ابراهیم و حضرت اسحق و... الهام گرفته‌اند.

در قرن هشتم قبل از میلاد، آشوریه‌ها کشور اسرائیل را به نابودی کشانده



## نقش یهودیان در فرش ایران

بموجب تحقیقات انجام شده

یهودیان ایران در قرن هشتم قبل از میلاد مسیح

فرشهایی به افتخار کوروش بزرگ بافته بودند که از آنها

برای تزئین آرامگاه وی نیز استفاده کرده‌اند.



و غنایم بسیاری را بغارت بردند. باید گفت که تاریخ پس طولانی یهودیان ایران، از این مرحله شروع شده و با تبعید آنها بخارج از کشور اسرائیل، ارتباط مستقیم دارد.

بموجب تحقیقات انجام شده توسط Antone Felton یهودیان ایران در قرن ششم قبل از میلاد مسیح، فرشهایی به افتخار کوروش بزرگ بافته بودند که از آنها نیز برای تزئین آرامگاه وی استفاده کرده‌اند<sup>۳</sup>. این فرشها، کار قالی بافان شهرهای همدان، شیراز و اصفهان بوده است که حدود ۲ قرن بعد توسط اسکندر مقدونی از روی آرامگاه کوروش بزرگ بغارت برده شد. اسکندر مقدونی علاوه براین، تمامی طلا کاربها و اشیاء گرانبهای دیگری را که مزین کننده آرامگاه کوروش بود را نیز به همراه خود برد. و بازم بنا به گفته Felton نشانه های این غارتگری ها در کتاب "Flavius Josephe" مورخ و تاریخ نویس یهودی و یکی از بزرگترین چهره های شناخته شده ادبیات یهود تأثیر گرفته از یونان، مشهود است و این ظاهراً تنها شواهدی است که در مورد فرشهای دست بافت یهودیان از دوران قدیم بدست ما رسیده است.

### نقش یهودیان در فرهنگ ایران

وابستگی یهودیان به فرهنگ ایران، نقش بسزائی در انتقال یک میراث فرهنگی ویژه داشته است. نظریه «تأخود آگاهی جمعی» که توسط تجزیه و تحلیل گر روانی Jung مورد بحث قرار گرفته است، خود توجیه کننده وضع یهودیان آن دوران است. یهودیان تحت یک قوه تخیل سمبولیک، همواره خواستار آن بوده‌اند که تشابهی میان فرهنگ یهودیت و فرهنگ ایران برقرار سازند. نوع بافت فرشها با تار و پود و نسوج ابریشمی زربفت، با الهام از موضوعات

یهودیان تحت یک قوه تخیل سمبولیک، همواره خواستار آن بوده اند که تشابهی میان فرهنگ یهودیت و فرهنگ ایران برقرار سازند. نوع بافت فرشها با تار و پود و نسوج ابریشمی زربفت با الهام از موضوعات مذهبی بگونه‌ای سنتی نسل اندر نسل از مادر به دختر انتقال یافته است.

مذهبی، به گونه‌ای سنتی و نسل اندر نسل از مادر به دختر انتقال یافته است.

به عقیده Levi Strauss «هر فرهنگی را میتوان مانند مجموعه‌ای از سیستم های سمبولیک در نظر گرفت که در رأس آن، پدیده های هنر، علم و مذهب قرار دارند». جلوه های ظاهری این فرهنگ در نزد یهودیان ایران بویژه در مورد موسیقی و قالی بافی بسیار چشمگیر است<sup>۴</sup> اولین فرشهای بافته شده توسط یهودیان، یک فرش دیواری Tapisserie مربوط به قرن چهارم بعداز میلاد مسیح میباشد که از شهر اسکندریه بدست آمده است. بعد از آن، در دوران حکومت سلسله ساسانیان نیز، به صنف های قالی بافان یهودی، اشاره شده است<sup>۵</sup>.

بالعکس، پس از تاریخ ورود اسلام به ایران، در حدود اواخر قرن هفتم، هیچگونه اشاره‌ای به قالی بافان یهودی ایران نشده است. کار قالی بافان یهودی بین قرن دهم و سیزدهم، در نقاط دیگر یعنی خارج از ایران و بویژه در قاهره و دمشق، چشمگیر بوده است. تعداد قالی بافان یهودی که در کارگاههای قالی بافی سلطنتی کشور سوریه مشغول بکار بودند نیز بشمار بوده است. کار قالی بافان

یهودی، علاوه بر این در شهر Tyr واقع در کشور اسپانیا که به تصرف اعراب (Maures) درآمد و همچنین در آفریقای شمالی و فلسطین نیز دیده شده است. از قرن یازدهم به بعد، کنیساها با فرشهای بافته شده توسط یهودیان تزئین میشدند. دو کنیسا واقع در شهر قدیمی قاهره بگونه چشمگیری با کار قالی بافان یهودی، تزئین شده و این دو کنیسا با برخورداری از فرشهای گرانبها و باشکوه، به مذهبیون و طرفداران کنیسا، امکان نشستن برزمین را فراهم می آورد.

### یهودیان ایران

آقای Benjamin De Tudele،

جهانگرد و ربای یهودی اسپانیائی (سال وفات ۱۱۷۳) اطلاعات سودمند و ارزنده‌ای درباره یهودیان ایران گردآوری کرده است. او بهنگام مسافرتهای بسیاری که به کشورهای مختلف از جمله مشرق زمین و آفریقای شمالی داشته است، به مطالعه درباره وضعیت جمعیت های یهودی پرداخته و در روایت های خود چنین مینویسد:

در اواخر قرن دوم میلادی، قسمت اعظم تولید و بافت قالی های ایران، حاصل کار جمعیت های یهودی ساکن شهرهای همدان، اصفهان و شیراز بوده است.

بنا به گفته یکی دیگر از معاصرین او، جمعیت های یهودی شوشتر (شوش قدیم) که تقریباً بالغ بر پانزده هزار یهودی بوده است، عملاً داد و ستد فرشهای این منطقه را عهده دار بوده‌اند. از طرف دیگر میدانیم که بموجب نوشته‌های تاریخ نویسان و مورخین ایرانی و عرب، منطقه میان اصفهان و شوش قدیم «یهودیستان» نامیده میشد.

از قرن شانزدهم بیعد و در اوائل قرن هفدهم میلادی یعنی در دوران

حکومت سلسله صفویه، بافت پارچه رواج بسیاری داشته است و مهمترین مراکز تولید پارچه در آنزمان شهرهای اصفهان، یزد و کاشان بوده است. کارگاههای ابریشم بافی و قالی بافی، نقش اصلی در داد و ستد خارجی ایران بویژه با کشورهای اروپائی را دارا بوده‌اند.

در این دوره، یهودیان در زمینه های مربوطه به هنرهای برودری دوزی "Broderie" نقش اندازی روی پارچه و پارچه های زربفت (پارچه های ابریشمی مزین به طلا و نقره) و همچنین بافت پارچه های ویژه روتختی، کاغذ دیواری و مجلد کردن کتابها، به اوج شکوفائی خود رسیدند. میدانیم که شاه عباس اول (۱۶۲۹-۱۵۸۷) که خود از دوستداران کار قالیبافی بوده است، تعدادی از یهودیان و ارامنه را به‌مراه خود به پایتخت جدیدش «اصفهان» میبرد. یهودیان علاوه بر این، در کار رنگرزی پشم و ابریشم، از مهارت بسیاری برخوردار بودند و در ردیف یکی از مهمترین اصناف در زمینه بافندگی و نساجی بشمار میرفتند.

**نقش یهودیان در بافت قالی های ایران**  
دوران شکوفائی تولید و بافت فرش در میان جمعیت های یهودی در اوائل قرن نوزدهم میلادی به اوج خود میرسد و کار قالی بافان یهودی در شهرهای کاشان، اصفهان، کرمان، تبریز و سراب، بیش از هر زمان دیگری چشمگیر بوده است.

نمونه هائی از این فرشهای بسیار ظریف در موزه های مختلف در سراسر دنیا، بیادگار حفظ شده است. بعنوان مثال در موزه Beth Zedek در شهر تورنتو واقع در کانادا، حدود یک دوجین از این آثار برجسته قالیبافی وجود دارد. بویژه یک نمونه فرش کاشان که بافت آن مربوط به

سال ۱۸۵۰ میلادی بوده و شرح حال قوم یهود را در دوران حضرت سلیمان و دوره عهد عتیق بتصویر میکشد. این فرش منحصر بفرد، دارای بیش از ۲۰۰۰ گره می باشد.

و اما باید از فرش دیگری کار قالی بافان یهودی شهر کاشان یاد کرد که بافت آن مربوط به حدود ۱۸۹۰ می باشد و توسط ناصرالدینشاه (۱۸۹۶-۱۸۴۸) به قالی بافان یهودی سفارش داده شده بود تا به پزشک یهودی اش بنام حکیم نورمحمد هدیه دهد.

#### در زمینه اقتصادی

باتوجه به جایگاه محکم یهودیان در کار تولید، داد و ستد و صادرات فرش در ایران، طبیعی است که یهودیان در این کشور، موقعیت ممتازی در کار تجارت فرشهای مشرق زمین بدست آوردند. "George Curzon" زمانی که درباره یهودیان نوشت که آنان در امر تجارت و داد و ستد شهرت بسزائی دارند، خود بخوبی به این نکته واقف بود.<sup>۵</sup>

در قرن نوزدهم Anton Felton نیز بسنوبه خود مینویسد که میزان تولید فرشهای ایران بحدی بالا است که میتواند پاسخگوی نیازهای بازارهای اروپا باشد.

یک روزنامه نگار انگلیسی موسوم به Mac Lean در سال ۱۹۰۴، نقش یهودیان در زمینه واردات پنبه از منچستر و همچنین جایگاه ویژه آنها در امر تجارت در شهرهای کرمانشاه، همدان و محمره (خرمشهر) را یاد آور شده است.

شهر کاشان، یکی دیگر از شهرهای ایران، بدلیل وجود یهودیان، از یک تاریخ ویژه و قدیمی برخوردار بوده و این شهر در حقیقت محل اقامت یهودیان رانده شده از اسپانیا در دوران تفتیش عقاید می باشد و همانگونه که Anton Felton مینویسد، بنا

بر اسناد تاریخی موجود، شهر کاشان، «مرکز فرهنگی یهودیان ایران» بوده است و فرشهای بافته شده توسط یهودیان در این شهر، خود گواه این امر است.

در آنسوی کشور ایران، در خطه آذربایجان نیز فرشهای معروف بافت شیروان، بادکوبه و قره باغ قابل ذکر است.

مارتن زیلبر Martin Gilbert، نویسنده کتاب «اطلس تاریخ یهودا» بویژه مینویسد: جنوب قفقاز، بین ایران و ترکیه، منطقه ممتازی برای قالی بافی بوده است. یهودیان و همسایگان مسلمان آنها، فرشهای بسیار زیبا، با رنگها و نقش و نگارهای بسیار ظریفی که در نوع خود، از ویژگی های خاصی برخوردارند، بافته و عرضه کرده اند.<sup>۶</sup> Anton Felton تأیید میکند که یهودیان ساکن مناطق کوهستانی که زبان و گویش محلی آنها یکی از لهجه های زبان فارسی است، از خط عبری استفاده میکردند.

شرایط زندگی افرادی که در رنگ آمیزی پشم و در بافت قالی، مهارت بسیاری داشتند، شرایط مناسبی نبوده و بطور کلی زنان، نقش اصلی در کار قالی بافی را عهده دار بودند زیرا این کار با دیگر مسئولیت های آنان از جمله رسیدگی و مراقبت از فرزندان، گندم کوبی، تهیه غذا برای افراد خانواده و غیره سازگاری داشته است و همانگونه که در نوشته های هیئت های مبلغین مذهبی انگلیسی آمده اکثر بافندگان کارگاههای قالیبافی را زنان قالیباف یهودی و مسیحی تشکیل میدادند و ماهرترین آنان در این هنر از طرفداران بیشتری برخوردار بودند.

James Frazer در شرح وقایع مسافرت خود به ایران در سالهای ۱۸۲۰ مینویسد:

«مبلغ پرداختی جهت خرید یک

## مولوی

چه تدبیر ای مسلمانان، که من خود را نمیدانم  
نه ترسا<sup>۱</sup> نه یهودم من، نه گبرم<sup>۲</sup> نه مسلمانم  
نه شرقی ام، نه غربی ام، نه بری ام، بحری ام  
نه ازکان طبیعی ام، نه از افلاک گردانم  
نه از خاکم، نه از بادم، نه از آبم، نه از آتش  
نه از عرشم، نه از فرشم، نه از کونم، نه از کانم  
نه از هندم، نه از چینم، نه از بلغار و سقسینم  
نه از ملک عراقم من، نه از خاک خراسانم  
نه از دنیا، نه از عقبا، نه از جنت، نه از دوزخ  
نه از آدم، نه از حوا، نه از فردوس رضوانم  
مکان لامکان باشد، نشانم بی نشان باشد  
نه تن باشد، نه جان باشد، که من از جان جانانم  
دویی از خود به در کردم، دو عالم را یکی کردم  
یکی جویم، یکی دانم، یکی بینم، یکی خوانم  
هو الاول، هو الآخر، هو الظاهر، هو الباطن<sup>۳</sup>

به جز یاهو و یا من هو، کسی دیگر نمیدانم  
ز جام عشق سرمستم، دو عالم رفته از دستم  
به جز رندی و قلاشی نباشد هیچ سامانم  
اگر در عمر خود روزی دمی بی تو برآوردم  
از آن وقت و از آن ساعت ز عمر خود پشیمانم  
اگر دستم دهد روزی که سر در پایت اندازم  
دو عالم زیر پای آرم، همی دستی برافشانم  
الا ای شمس تبریزی چنین مستم در این عالم  
که جز مستی و بیهوشی نباشد هیچ دستانم

۱- ترسا: مسیحی. ۲- گبر: زرتشتی. ۳- هو الاول، هو الآخر، هو الظاهر، هو الباطن: او، اول است، او آخر است، او ظاهر است، او باطن است.

زن بیوه ترکمن و ماهر در کار بافت قالی  
میتواند اغلب اوقات بالاتر از مبلغ پرداختی  
برای خرید یک دختر جوان آماده ازدواج  
باشد»<sup>۸</sup>.

شهرهائی که یهودیان آن از نقطه  
نظر تاریخی بیش از همه در کار بافت قالی  
و تجارت، فعال و پرکار بوده‌اند عبارتند از:  
مشهد، کرمان، فراهان، شیراز، اصفهان و  
کاشان. باید گفت که تاریخ یهودیان ایران  
همانند تاریخ بسیاری دیگر از جوامع  
یهودی که در گالوت (خارج از اسرائیل) بسر  
میبرند، به گذشته ها و دوران های قدیم باز  
میگردد و در این میان، هزاران نفر از  
یهودیان ساکن ایران، در قرن بیستم مجبور  
به ترک وطن و ترک سنت های دیرینه  
خود از جمله هنر قالی بافی گشتند.

### پانوشت ها

- 1- Anton Felton «فرش یهودیان ایران» در «تاریخ معاصر ایرانیان یهودی» انتشارات مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران - ۱۹۹۷ - جلد دوم - صفحه ۱۹.
- 2- Barber E. J. W. «ساجی ماقبل تاریخ» انتشارات Princeton University Press ۱۹۹۱ - مؤلف Harris J. «۵۰۰۰ سال ساجی» انتشارات British Museum Press لندن - ۱۹۹۳.
- 3- Anton Felton «فرش یهودیان ایران».
- 4- مراجعه به Alain Chaoulli، «مطالعات ایرانشناسی» دانشگاه سوربن پاریس در سال ۲۰۰۲، در باره موسیقیدانان یهودی ایرانی در قرن ۱۹ و ۲۰ و تأثیر آنها در حفظ میراث مربوط به موسیقی ایران.
- 5- Anton Felton «فرش یهودیان ایران» که در آن به کتاب Dischnitzer M. «تاریخ هنرها و صنایع یهودیان» از انتشارات Jonathan David - لندن - ۱۹۴۵، اشاره میکند.
- 6- George Curzon کتاب «ایران و مسائل مربوط به ایرانیان»، لندن - ۱۹۶۱ - جلد اول صفحه ۵۱۰.
- 7- Martin Gilbert در کتاب The Dent Atlas of Jewish، انتشارات Dent، J. M.، لندن، ۱۹۹۳ - صفحه ۵۰.
- 8- James Frazer در «شرح وقایع مربوط به مسافرت به خراسان» در سالهای ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، و ۱۹۲۵ و در Oxford University Press، دهلی - ۱۹۸۴ - صفحه ۲۸۰.

برای دریافت  
تدریجی مقالات  
نوراله گبای  
به وب سایت زیر  
مراجعه فرمائید .

www.babanouri.com

## نشریه شوفار

پل ارتباطی

جامعه یهودیان ایرانی

مقیم آمریکا

جهت پیامهای بازرگانی خود  
با دفتر فدراسیون تماس بگیرید .  
۴۷۰۰-۶۵۴ (۳۲۲)

**مزوزا یکی از مهمترین و اساسی‌ترین اصول فرهنگی، دینی و نمادینست از اعتقادات و ایمان هر فرد یهودی به ذات احدیت و بعنوان یک وظیفه شرعی حفظ و اجرای آن امریست لازم.**

# مزوزا

یوسف ستاره‌شناس



«بشنو ای اسرائیل، خداوند، خدای ما یکتاست»  
 «مقیارک باد نام پرجلال سلطنتش از ازل تا ابد»  
 «خداوند خدایت را با تمامی دل و جان و تمامی قدرت دوست بدار»  
 «و این سخنان را که اکنون امر می‌نمایم در قلبت جای ده»  
 «آنها را به فرزندان تعلیم ده و همواره درباره آنها صحبت کن»  
 «چه هنگامی که در خانه نشسته‌ای و چه زمانی که در راه هستی، بهنگام خوابیدن و برخاستن»  
 «آنها را بعنوان علامت بر دستت ببند و بعنوان نشانه بین چشمانت بگذار»  
 «آنها را بر قائمه درب خانه و دروازه‌ات بنویس»

متن فوق یکی از دستورات صریح خداوند در کتاب مقدس (تورات سفر بمیدبار - فصل یازدهم) میباشد که پس از خروج قوم بنی اسرائیل از مصر و طی اقامتشان در بیابان سینا در بیش از سه هزار و سیصد سال قبل، با نمادی در قالب «مزوزا» و تفیلین به آنان تسلیم گردید و از همان آغاز یهودیان ملزم به اجرای آن شدند.

واژه مزوزا در فرهنگ لغات یهود، طوماریست از پوست حیوان حلال گوشت که بر روی آن دو پاراشای اول شمع اسرائیل و همچنین نام اعظم خداوند با مرکبی مخصوص توسط یک خطاط متعهد و متبحر، آشنا به این امر یعنی سوfer نوشته می‌شود.

ریشه لغت مزوزا از کلمه «لذوز» بمعنای رفت و آمد و عبور نمودن گرفته شده است. (ریشه دیگر مزوزا و هم وزن آن کلمه «تزوزا» به معنای حرکت نمودن می‌باشد). در دیگر کتب مقدس یهود تفاسیر و تعبیر دیگری هم در این باب بیان شده است که یکی از

مهمترین آن معنای فرق نهادن و جدا نمودن و دیگری بدور نگاهداشتن مرگ (ناپود کننده)، میباشد.

از دیدگاه کبالیست ها ارزش عددی کلمه مزوزا برابر است با عدد ۶۵ (۵+۷+۶+۷+۴۰) که معادل آن کلمه ادونای به معنای آقا و سرور، یکی از ۷۲ اسمی خداوند میباشد.

باید اذعان نمود، مزوزا یکی از مهمترین و اساسی‌ترین اصول فرهنگی، دینی و نیز نمادینست از اعتقادات و ایمان هر فرد یهودی به ذات احدیت و بعنوان یک وظیفه شرعی حفظ و اجرای آن امریست لازم.

یهودیان بر این باورند که وجود مزوزا برستون درب خانه‌هایشان نشانه‌ایست از اصالت، آگاهی و غرور از یهودی بودن و با نصب آن قدوسیت و طهارتی خاص را در محیط خانواده خویش به ارمغان خواهند آورد. مضافا اینکه از دیرباز این احساس وجود داشته که همیشه بدین وسیله مورد عنایت و حمایت قادر مطلق قرار خواهند گرفت.

کبالیست‌ها بر این باورند که مزوزا مظهر فرق نهادن و جدا نمودن پاکی‌ها از نا پاکی‌ها است و با نصب مزوزا بر درب خانه یا محل کار هر فرد یهودی، در این دنیای پرتلاطم و بی ثبات، میتوانند یادآور آن باشد که انسان مقدس است و همچنین جزئی از الهیت بشمار میرود. لذا این امر باعث خواهد شد که هر فرد خودش را در مسیر پرفراز و نشیب زندگی از پلیدیها منزله نگاهدارد و نیز هویت خویش را که همانا یکتا پرستی است، حفظ نماید.

بعبارتی دیگر، مزوزا کمک می‌کند نه تنها محل سکنتای یهودیان پاک و مقدس باقی ماند، بلکه باعث آن خواهد بود که انسان ملزم شود این پاکی و قدوسیت را در نهاد خویش ساکن نماید و از هرگونه ارتکاب به اعمال زشت و پلید دور بماند و همچنین حس پرهیزکاری در شخص بیدار و تقویت گردد. زیرا خداوند به انسان حق انتخاب عطا نموده است و نیز این قدرت را به او داده است که از خودش حرست نماید و حتی در سرنوشت خویش تأثیرگذار باشد.

اولین بار این حرست و حمایت الهی را قوم بنی اسرائیل در مصر هنگام وارد آمدن آخرین ضربت بر مصریان تجربه نمود (سفر شмот - پاراشای بو)، حضرت موسی تمام محترمین اسرائیل را صدا نموده و به آنها گفت، قوچی را جهت قربانی نمودن یا از گله خود بیرون بکشید و یا آنرا خریداری کنید و بعنوان قربانی پسخ ذبح نمائید. دسته‌ای زوفا بگیرید و در آن خون که در داخل لگن است فرو برده و آنرا به سر در و دو باهو بمالید و شما هیچ کدام از در خانه خود تا بامداد بیرون نروید. خداوند برای ضربت زدن بر مصریها عبور خواهد نمود و آن خون را بالای سر در ورودی آن دو باهو مشاهده خواهد کرد. پس خداوند از روی آن درگاه گذر خواهد نمود و اجازه نخواهد داد که آن نابود کننده (مرگ) برای کشتن بخانه‌های شما وارد شود. این واقعه را بعنوان قاتون برای خود و برای فرزندان خود تا ابد مراعات نمائید. مفهوم دیگری از این حفاظت الهی را میتون در مزامیر داوید در بخش انتهای Shr Lemalot بدین گونه ملاحظه نمود. خداوند ترا زیر مژه ایزدش منور میگردداند. در روز آفتاب ترا اذیت نکند و هنگام شب ماه ترا آزار نرساند، او ترا از هر گونه بدی حرست کند. خداوند جان ترا حفاظت نماید. و دخول و خروج ترا از حال تا ابد محافظت فرماید. (زبور ۱۲۱).

همانطوریکه قبلا اشاره گردید، شخص سوپر موظف است پاراشای شمع ایسرائیل را روی پوست مورد نظر (تکه‌ای از پوست حیوان حلال گوشت) بنویسد. سپس از طرف چپ براست بصورت استوانه‌ای آنرا می پیچد و در پشت آن (پوست مزوزا) نام خداوند را بصورت (شدا) خواهد نوشت. کلمه شدا به معنای (لطف خداوند نگهدار درهائی است که بسوی هر فرد یهودی باز می شود) یا عبارتی بهنگام خروج یا دخول بهر مکانی که مزوزا بر آن نصب است، شخص میتواند یگانگی وجود خداوند را در نهاد خویش لمس نماید. کلمه شدا مانند دیگر کلمات در فرهنگ عرفان یهود دارای ارزش عددی و تعبیر خاص خویش است و آن برابر است با ۳۱۴ (۱۰۰۴۰+۳۰۰) که پس از تقسیم بر عدد ۱۰۰ حاصلش ۳/۱۴ خواهد بود که

میتواند یادآور عدد (پی) باشد. عددی که قرن‌ها در ریاضیات جهت محاسبه نمودن سطوح، پیرامون و حجم استوانه، دایره، کرده و دیگر شکل‌های هندسی مورد استفاده بشر قرار می گیرد.

نکاتی مهم در مورد نحوه استفاده و حفظ و حرست از مزوزا

از آنجائی که رطوبت و خشکی هوا، آفتاب، باد و باران میتواند در طی گذشت زمان صدماتی بر مزوزا وارد سازد و آنرا از قدوسیت خارج و بی ارزش نماید لذا بدین منظور برای محافظت آن در مقابل عوامل طبیعی، از دیرباز آنرا داخل محفظه‌ای از جنس چوب یا فلز و اخیراً هم در محفظه چینی یا پلاستیک قرار میدهند که معمولا بر روی همگی آنها حرف شداي تزئین شده است.

باید توجه داشت هریک از لغات مزوزا باید کامل باشد و هیچگونه ریختگی در حروف و یازدگی یا سوراخی روی چرم آن نباید مشاهده شود. در غیر اینصورت آن مزوزا بی ارزش و فاقد خاصیت حرست الهی خواهد بود. طبق هلاخا، رسم برانست که هر مزوزا لااقل هر هفت سال دومرتبه توسط یک شخص وارد بدین امر (ربای) کنترل شود و از قدوسیت آن کاملا اطمینان حاصل شود.

مزوزا باید بر تمام دربهای خانه یا محل کار و اتاق‌ها نصب شود (مکان‌های ثابت و غیره متحرک). محل درست آن برستون سمت راست درب (هنگام ورود) بصورت متمایل و یا بطور عمودی نصب میشود. نصب مزوزا بطور

متمایل از دیرباز در شرق مرسوم بوده و دلیل مستندی هم جهت این تمایز مشاهده نشده است. البته اشخاص محدودی براین باورند که این کج نصب نمودن که اغلب دارای زاویه‌ای بین ۲۰ الی ۲۵ درجه میباشد، با زاویه انحراف محور کره زمین که حدوداً برابر با ۲۲/۵ درجه میباشد مطابقت دارد. و همانگونه این انحراف زاویه در محور کره زمین باعث ایجاد فصول و تنظیم قوت‌نمین در طبیعت و عبارتی تجدید حیات می باشد.

اگر ستون درب ورودی را بطور فرضی به سه قسمت مساوی تقسیم نمائیم، مزوزا می بایست در پائین قسمت اول از بالا قرار گیرد. عبارت دیگر بگونه‌ای نصب گردد که بالاترین نقطه آن به سمت داخل درب قرار گرفته باشد. از جهت مقدس بودن مزوزا، از نصب بر سر در حمام و توالت خودداری می شود. نصب مزوزا هم بوسیله مرد و هم توسط زن یهودی انجام پذیر است. موقع نصب آن براخای زیر گفته میشود:

«مبارک هستی تو خدا، خالق ما، پادشاه عالم که مقدس گردانیدی ما را با اوامرت و امر کردی ما را به نصب مزوزا»

لازم بیادآور است بهنگام نصب چندین مزوزا، فقط یک براخا کفایت. ضمناً در موقع تعویض خانه یا محل کار، در صورتیکه مطمئن هستید بجای شما یک غیر یهودی ساکن خواهد شد، باید آنرا از ستون درب پائین آورده و پس از کنترل و مطمئن شدن از سالم بودن آن به محل جدید برده و آنجا نصب نمائید.

من گر از این دل غم عشقت برون می ریختم

درد عشق و داغ مجنون را زبون می ساختم

از صدای سوز دل لیلی زحسرت می گداخت

با صدای ساز دل صد ارغنون می ساختم

سیل اشکم می زد آتش بر دل هر کوه کن

از مصیبت بیستون را سرنگون می ساختم

تا که شیرین از غم فرهاد آساید دمی

من دو صد لیلی و مجنون غرق خون می ساختم

در گلوی وامق عاشق غزل می ریختم

شوق عذرا را زغم من وازگون می ساختم

من زدم آتش به خرمنگاه عشاق جهان

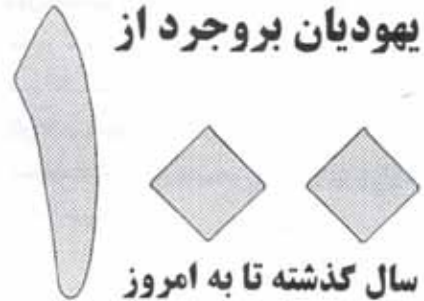
از شقایق من (خزان) دشت جنون می ساختم

## فریاد فرهاد

پرویز نی داود

## مصاحبه با یکی از بزرگان بروجرد در اسرائیل

### یهودیان بروجرد از



سال گذشته تا به امروز

چون یهودیان بروجرد  
بسیار مذهبی بودند و  
شبات‌ها را تعطیل میکردند،  
مورد خشم مسلمانان  
قرار میگرفتند.

خواجه حسین بروجردی  
مرجع تقلید مسلمانان،  
شخصی پاک و دانشمند بود  
و به یهودیان  
بسیار احترام میگذاشت.  
پزشک همین آیت‌اله  
یک یهودی بنام  
حکیم نصیر حکیمی بود.

مینو مقیمی حکیمی

هرچند که ساختمان اجتماعی و فرهنگی یهودیان ایران در شهرستانهای مختلف از تشابهات بسیاری برخوردار است ولیکن دلایل گوناگونی از جمله تأثیر جامعه مسلمان منطقه، زبان، فرهنگ اجتماعی، دوری و نزدیکی به پایتخت و همسایگی با کشورهای منطقه تفاوت‌هایی را در بافت فرهنگی و اجتماعی یهودیان قائل شده که

تا حدی کلیشه گرایی را استوارتر مینماید. بطور مثال یهودیان اصفهان به زرنگی و یهودیان شیراز به شاد بودن و خوش گذران بودن معروف هستند. اگر با دقت به موسکافی زندگی یهودیان مناطق مختلف نگر اندازیم، دلیل اینگونه برچسب های اجتماعی را به راحتی درک خواهیم کرد.

از آنجا که شهرستان بروجرد نسبت به شهرهای دیگر جمعیت کمتری از یهودیان را تشکیل میداده، از ویژگی های خاص خود برخوردار است. اندک بودن افراد یهودی این شهرستان آنچنان همبستگی قوی و محکمی را ایجاد کرده که تاکنون اثرات آن حتی در اسرائیل و آمریکا نیز دیده میشود. بطور مثال ازدواج خانوادگی در میان این یهودیان بمراتب بیشتر از یهودیان شهرستانهای بزرگ دیده میشود. تمایل به نشست و برخاست با همشهری‌های یهودی خود در این افراد بیشتر است.

ویژگی های خاص یهودیان بروجرد مرا بر آن داشت که با یکی از سالخوردهگان و سرشناسان این شهرستان که اکنون در اسرائیل بسر میبرد صحبتی داشته باشم. توجه شما را به این مصاحبه جلب می کنم.

جناب آقای حکیمی، با تشکر از وقت شما، لطفاً بفرمائید چند نفر یهودی در صدسال گذشته در بروجرد زندگی میکردند؟

حدود ۱۸۰۰ تا دو هزار یهودی در ۹۰ سال گذشته در بروجرد زندگی میکردند. تعداد یهودیان زیاد نبود. در آنزمان مانند بقیه کشور فقط مردها شاغل بودند و زن‌ها مسئول خانه داری و بچه داری بودند. اگر مردها بزاز و یا عطار بودند و دکه‌ای نداشتند، این مردان را دوره گرد می خواندند. آنهایی که بزاز بودند، پارچه های

فاستونی و نخ‌ها را به قیمت‌های مختلف به شهر میبردند و یا در مغازه میفروختند و عده ای که عطار بودند، ادویجات و داروهای گیاهی و دیگر اسباب خورده را به دهات و شهرهای اطراف بروجرد برده و میفروختند.

بدلیل زیادی مسافت و نبودن وسائل نقلیه، مردها یکشنبه با الاغ راه می افتادند و برای شب شبات و شبات بخانه باز می گشتند. اگر به شهرها و فاصله های دور میرفتند، معمولاً دو تا سه ماه در آن شهر می ماندند و گاه چهار تا پنج روز در راه بودند. یهودیان بروجرد معمولاً مشغول فروش ادویجات، کیسه حمام، خاکشیر، تریاک، توتون چپوق و پارچه بودند. عده ای هم حکیم بودند و تعدادی هم ملا بودند که مسئول آموختن توره به بچه ها بودند.

سفر اغلب بین بروجرد به همدان برای تجارت و یا زیارت آستر مردخای بود و یا بین بروجرد و گلپایگان برای فروش کتیرا و تریاک و ادویجات. مذهبی بودن شدید یهودیان بروجرد گاهی کار مردها را مشکل میکرد. چون باید حتماً شب شبات و یا روز شبات خود را به کنیسا برسانند.

مدارس از چه زمانی در بروجرد  
آغاز بکار کردند؟

تا قبل از سال ۱۹۲۴ که مدرسه آلیانس در بروجرد آغاز بکار کرد، اکثر افراد فقط پسرها زیر نظر ملاها تورا یاد میگرفتند. مدرسه آلیانس بروجرد به ریاست شخصی بنام موسی رجحانی که همدانی بود، آغاز بکار کرد. او بعد از مدت کوتاهی به همدان بازگشت و شخصی بنام یعقوب امیرزاده، جای او را گرفت. البته در آن زمان هم بیشتر از کلاس ششم نبود. پس از گرفتن مدرک کلاس ششم پسرها چاره ای جز شاغل شدن نداشتند و دخترها بلافاصله ازدواج میکردند. معمولاً هرچه شغل پدر

بود، پسر هم همان را دنبال میکرد. اگر پدری حکیم بود، حتما پسر او حکیم می شد.

روابط مسلمانان و یهودیان در بروجرد چگونه بوده و راجع به مرجع تقلید مسلمانان قدری صحبت کنید.

شخصی بنام خواجه حسین مجتهد طباطبائی بروجردی مرجع تقلید اکثر مسلمانان بروجرد بود. او بعلمت آنکه شخصی دانشمند و پاک بود در شهرستانهای دیگر حتی تهران هم مشهور بود. به هیچوجه در سیاست دخالت نمیکرد و تدریس امور اسلام را بعهده داشت. او به یهودیان بسیار احترام میگذاشت. پزشک همین آیت اله طباطبائی، یک یهودی بنام حکیم نصیر حکیمی بود که پدر بزرگ من بود. چندین بار همراه پدر بزرگم به منزل ایشان رفتم و غذا خوردم. فوق العاده مرد انساندوستی بود. هر روز سوار الاغی به مسجد شاه می آمد و فرائض مذهبی را انجام میداد. ولی نباید فراموش کرد که چون یهودیان بروجرد بسیار مذهبی بودند و شباهت ها مغازه ها را تعطیل میکردند، مورد خشم مسلمان قرار میگرفتند و مثل بقیه شهرستانها به بچه ها هنگامی که بمدرسه میرفتند، سنگ پرتاب میکردند. در بروجرد تعداد یهودیان ثروتمند در مقابل یهودیان کم درآمد بسیار کم بود.

ازدواج در میان یهودیان بروجرد چگونه بود؟

ازدواج مانند سایر شهرستانها توسط والدین انجام میگرفت. از آنجائی که تمامی یهودیان بروجرد یکدیگر را می شناختند، احتیاج به تحقیق نبود. یهودیان بروجرد علاقه داشتند که دختر و پسر را از خانواده خود یا



نمونه کتوبای یهودیان بروجرد در سال ۱۹۴۰ (۶۶ سال قبل).

روابط با شهرستانهای دیگر و تهران بسیار کم بود. بطور مثال در بسیاری از مواقع افراد پیر میشدند و از دنیا میرفتند بدون اینکه شهرهای اطراف بروجرد را حتی دیده باشند. دنیای آنها از زمانی که چشم باز کرده بودند همان بروجرد بود. تنها اگر کسی فروشنده یا تاجر بود ممکن بود به همدان و یا کرمانشاه و یا گلپایگان برود و کتیرا و تریاک بفروشد. در اواخر سلطنت رضا شاه فروش تریاک کمتر شد و از تعداد معتادین کاسته شد و استفاده از چپق و سیگار جای آنرا گرفت.

مراسم حنا بندان: پس از موافقت والدین، مراسم حنا بندان انجام میگرفت و در بسیاری موارد عروس و داماد برای اولین بار همدیگر را در این مراسم ملاقات

### دختران کاملاً تسلیم تصمیم گیریهای پدر و مادر و پسران بدون هیچ مقاومتی از والدین خود اطاعت کرده و در مراسم حنا بندان عروس و داماد برای اولین بار یکدیگر را می دیدند.

همشهریهایی خود انتخاب کنند. دختران کاملاً تسلیم تصمیم گیریهای پدر و مادر بودند و پسران بدون هیچ مقاومتی از والدین خود اطاعت میکردند. ازدواج یک امر ضروری و مقدس بود که باید حتماً انجام میگرفت. باید اینجا یادآور شوم که بدلیل کم بودن جمعیت یهودیان این شهرستان،

هر خانواده تعداد زیادی بچه داشتند که گاه تعداد آنها به ۱۵ تا ۱۷ نفر میرسید و زایمان در منزل و در روی زمین انجام میگرفت.

**تغییر مذهب به اسلام و بهائی در یهودیان بروجرد بسیار کمتر است. تا آنجا که بیاد دارم فقط دو نفر بعلل شخصی مسلمان شدند که بلافاصله معذرت خواسته و دوباره شروع به کنیسا رفتن کردند.**

میکردند.

مراسم عروسی: پس از مراسم حنابندان، مراسم عروسی در منازل انجام میگرفت. مراسم عروسی یهودیان قابل مقایسه با مسلمانان نبود. بدلیل کم بودن درآمد، اکثر یهودیان عروسی را بسیار ساده برگزار میکردند. در مراسم عروسی اکثراً مردها شرکت داشتند و اکثراً هم از سن بالایی برخوردار بودند. مردها روی زمین می نشستند و فقط بزرگان خانواده روی صندلی می توانستند بنشینند و یا فقط داماد حق داشت روی صندلی بنشیند. غذای عروسی برای افرادی که امکانات مالی بیشتری داشتند پلو و مرغ بود و برای خانواده های کم درآمد، آب گوشت و گوشت و نخود بود.

یک کمانچه گر و تنبک زن هم دعوت میکردند. احترام برای زنها آنزمان بسیار کم بود. بچه ها در اطاق مردها روی طاقچه می نشستند. داماد در اطاق مردها در حالیکه دو نفر مرد در دو طرفش می نشستند، از او مواظبت میکردند. حتی در بعضی مواقع داماد روز حنابندان موفق به



نمایی از داخل کنیساتی در بروجرد.

دیدار عروس نمی شد و پس از اتمام عروسی، عروس را می دید. باز هم تکرار میکنم که یهودیان بروجرد نسبت به شهرستانهای دیگر بیشتر مذهبی بودند، به همین خاطر آنقدر هم نگران نبودند که بدانند عروس و یا داماد چه شکلی و چه کاره است. چون به والدین خود بسیار اطمینان داشتند و فراموش نکنیم به دلیل ازدواجهای خانوادگی، فامیلی و دوستی اکثراً همدیگر را دیده بودند. در روز شبات داماد را به کنیسا می

آوردند و پس از خواندن هفتارا میرفتند خانه داماد. هدیه آنان به داماد یک کله قند و یا سه ریال پول بود که بخانواده داماد میدادند.

اختلافات بین زن و شوهر را چه کسانی حل میکردند؟

مانند بقیه شهرستانها وظیفه پیرمردها و پیرزن های خانواده بود که اختلافات را حل کنند. از آنجا که مردسالاری بود، مردان کمتر به زنان خود خیانت میکردند. و اگر زنی نازا بود، که همیشه مقصر زنان بودند،



مرد میرفت و با اجازه زن خود، زن دیگری اختیار میکرد. ولی چون این عمل در میان یهودیان کمتر رایج بود باعث خجالت میشد، که هر دو زن در یک خانه زندگی کنند. بسیاری از اختلافات یهودیان بروجرد به حکیم نصیر رجوع می شد. طلاق اصلا نبود. اگر هم بود یا مرد و یا زن دیوانه بودند و یا یک مسئله بسیار جدی بود.

از زایمان و فرزندان بگویند.

به دلالت زیادی که خودتان می دانید، هر خانواده‌ای تعداد زیادی بچه داشت. گهگاه تعداد آنان به ۱۵ تا ۱۷ نفر میرسید. البته در این فاصله عده‌ای از بچه‌ها به دلیل عدم بهداشت و بیماریهای نا علاج از بین میرفتند. زایمان در منزل و روی زمین انجام میگرفت.

تعدادی زن ۷۰ تا ۸۰ ساله بودند که چون تجربه داشتند به منازل زانوها میرفتند و بچه را بدنیا می آوردند. زایمان بر روی خشت انجام میشد. مراسم میلانگان بلافاصله روز هشتم توسط مالاها انجام میگرفت. مردها شیرا می خواندند و تخمه می شکستند و اگر اعیان بودند، گز میخوردند و یا پسته و فندق می دادند. اگر وضع مادی خوبی نداشتند یک لیوان شربت به میهمانان می دادند و میهمانها هم یک کله قند برای بچه می آوردند. میوه در کار نبود. از آنجا که در بروجرد ۸۰ سال گذشته یخچال نبود، مردم مجبور بودند یخ بخرند. حال این یخها را چطور درست میکردند. در خارج از شهر گودلهای بزرگی درست میکردند و هنگام زمستان این گوالها را پُر از آب میکردند و وقتی تبدیل به یخ می شد به شهر می آوردند و به قیمت‌های بسیار زیادی می فروختند. آب سرد را هم از همین یخها درست میکردند.

حداکثر عمر پیرمردان فقط ۷۰ سال بود که نسبت به مسلمانان کمتر بود. اصولاً بهداشت در مسلمانان به دلیل

امکانات بیشتر بهتر از یهودیان بروجرد بود. در بروجرد تعداد انگشت شماری حکیم یافت میشد. بیشتر حکیم‌ها گاه از گلپایگان می آمدند. حکیم‌ها معمولاً پولی دریافت نمیکردند و بیماران بیشتر مرغ و اجناس دیگر به آنها میدادند. بیماری مالاریا در میان یهودیان بروجرد بسیار رایج بود که تعداد خیلی زیادی را حدود ۸۰ سال گذشته مبتلا کرد و همگی از دنیا رفتند. داروهای درمانی گیاهی مانند خاکشیر، جوشانده و غیره بود. اسرار معاش حکیم‌های بروجرد بیشتر در میان مسلمانان بود.

بیشترین سرگرمی یهودیان بروجرد تخته نرد در میان مردها بود و زنها هم مرتب برای هم درد دل میکردند و بچه‌ها هم یا با توپ و یا با لاستیک کهنه دوچرخه بازی میکردند یا یک چوب وسطش میگذاشتند و می چرخاندند.

### چه تفاوت‌هایی میان یهودیان بروجرد در زمان رضاشاه و محمد رضا شاه بود؟

در زمان رضا شاه اقشاری از لرستان به بروجرد می آمدند و به منازل حمله میکردند و غارت میکردند و باعث دردسر مردم بودند. در آن زمان دزدی بسیار رایج بود تا اینکه سپهبد احمدآقا در لرستان امنیت کامل برقرار کرد. مصرف و فروش تریاک هم در زمان رضا شاه در بروجرد بسیار زیاد بود که به سرکار آمدن محمد رضاشاه، فروش تریاک بسیار کمتر شد.

در زمان جنگ جهانی دوم، دوباره وضع یهودیان بروجرد بدتر شد ولی مسلمانان سعی میکردند روابط خود را با یهودیان نگاه دارند. یک ملائی بنام ملا یوسف شوسف (نظیری)، شخصی بسیار روحانی و خوبی بود که سعی میکرد به دیگران بسیار کمک کند. زمان جنگ جهانی دوم وضع مادی یهودیان بسیار بد

شد.

در زمان محمد رضا شاه بدلیل باز شدن دبیرستانها و بالا رفتن تحصیلات، خانواده‌های یهودی فرزندان‌شان را تشویق کردند که رشته طبابت را دنبال کنند. اگر دقت کنید می بینید تعداد زیادی از یهودیان بروجرد فرزندان‌شان یا پزشک شدند و یا داروساز. مثلاً دندانپزشک کمتر دیده می شود. بیشتر بچه‌ها بدنبال تحصیل از بروجرد خارج شدند و به تهران و شهرستانهای دیگر رفتند.

یک مسئله دیگر هم جالب است بدانید که تغییر مذهب به اسلام و بهائی در یهودیان بروجرد بسیار کمتر است؛ تا آنجا که بیاد دارم فقط دو نفر بعقل شخصی مسلمان شدند که بلافاصله معذرت خواستند و دوباره شروع به کنیسا رفتن کردند.

### وضع و تعداد یهودیان بروجرد پس از انقلاب چگونه بود؟

فقط ده خانواده در حال حاضر در بروجرد زندگی می کنند که سعی می کنند روابط بسیار خوبی با مسلمانان داشته باشند و تا زمانی که من در ایران بودم دو کنیسا یکی بزرگ و دیگری کوچک با ملاهای جداگانه وجود داشت. تصور می کنم الان فقط یک کنیسا بیشتر نیست. یک درمانگاه هم است که از طرف انجمن کلیمیان درست شده که مسلمان‌ها بیشتر میروند. تعداد زیادی از زمینهای یهودیان بروجرد به مسلمانان رسید. بطور مثال زمین بیمارستان بروجرد متعلق به یهودیان بود.

این ده خانواده که در حال حاضر در بروجرد ساکن هستند از وضع مالی بسیار خوبی برخوردارند و هزارچندگاهی فکر خارج شدن را دارند. مسلمانان کاری به کارشان ندارند چون آنها می دانند چگونه با آنها رفتار کنند.

# ترانه عروسی

دکتر ناهید پیرنظیر ابرمن

با فریده دیانیم Goldin نویسنده کتاب ترانه عروسی Wedding Song برای اولین بار در جون ۲۰۰۵ در کنفرانسی که در اسرائیل، دانشگاه بریلان، در باره ایرانیان یهودی برگزار میشد، آشنا شدم. کتابش را بعنوان یادگار بمن هدیه کرد. کتابی که ظاهراً بیوگرافی خود و خانواده‌اش میباشد، اما در حقیقت بیوگرافی بسیاری از زنان ایرانی بخصوص زنان جامعه یهودی ایرانی است.

چند ماهی گذشت تا فرصت خواندن آنرا پیدا کردم و با قهرمانان واقعی کتابش که فریده آنها را با شهامت و دقت تمام برای خواننده توصیف و معرفی میکند، آشنا شدم. با خواندن کتاب، همراه فریده به پنجاه سال پیش و به محله یهودیان شیراز سفر کردم. با فریده نوزاد در بیمارستان نمازی شیراز چشم بجهان گشودم، در کنار مادر بزرگ مقتدر، پدر متعهد و مادری فرمانبردار زندگی کردم. در کنار عمه‌ها و عموها بزرگ شدم و بدوران بلوغ رسیدم.

با آنها در شیراز پنجاه سال پیش به حمام و بازار و مدرسه و عروسی رفتم. در روزهای گرم تابستان آب غوره گرفتم و همراه مادرش در کنار طشت های بزرگ مسی لباس شستم. با فریده و پدرش به دبستان، دبیرستان و بالاخره به دانشگاه رفتم و بالاخره روزی علیرغم مخالفت



خانواده همچون کبوتری از خانه گریختم و به بهانه دیدار عمویم به آمریکا آمدم، به دانشگاه رفتم.

طی این سفر، بهنگام خواندن کتاب چندین بار افسوس خوردم که چرا این کتاب را قبل از دیدار با فریده نخوانده بودم تا بهنگام دیدارم از اسرائیل میتوانستم با دیدار از والدین فریده که هر دو از قهرمانان اصلی کتاب و ساکن اسرائیل هستند، آشنا شوم. امیدوارم که در سفر بعدی چنین فرصتی برایم پیش بیاید.

نوشته فریده و کتاب او را از چند

جهت قابل معرفی و توصیه میدانم. نخست آنکه این کتاب از نظر جامعه شناسی تصویری گویا را از زندگی یهودیان شیراز در ۵۰ سال گذشته برای خواننده ترسیم میکند.

با خواندن این کتاب برای اولین بار متوجه شدم که جامعه یهودی شیراز و شاید هم بسیاری از جوامع یهودی ایرانی دیگر، اقله ۲۵ تا ۳۰ سال از جامعه یهودیان تهران که منشاء خاطرات و تجربیات دوران کودکی و جوانی من است، عقب‌تر است. گفته های او از این نظر سند زنده‌ای است بر توصیف این تفاوت و پیشرفت زمانی در میان جوامع مختلف ایرانی در سالهای پیشین.

اما گذشته از چنین فاصله زمانی - تصاویری که او از زندگی یک خانواده یهودی توصیف میکند - بیسابقه نیست و نسلهای قبل از ما و حتی برخی از افراد نسل حاضر نیز آنرا تجربه کرده و می‌کنند. موقعیت و شخصیت مادر بزرگ های فریده هر یک بنوعی تصویری از حال بیوه زنان محروم دوران خود میباشد. زنانی که بعد از فوت همسر بدون داشتن هیچ نوع پشتوانه مادی، شغلی و اجتماعی یکه و تنها و گاهی هم بکمک فرزند ارشد ذکورشان باید بار خانواده را بدوش کشیده، برای حفظ آبرو، با سیلی هم که شده صورتشان را سرخ نگاهدارند. آنها یا باید دختران نوجوانشان را هر چه زودتر با اولین خواستگار بخانه بخت بفرستند و یا فرزند ذکورشان را بجای شوهر ازدست رفته، مسئول و نان آور خانواده سازند - نقش چنین فرزند متعددی را همه ما کمابیش در اطرافیان خود نظاره کرده‌ایم - نوجوانی که هنوز از جوانی چیزی نفهمیده است، ابتدا نقش شوهر برای مادر و مسئول درآمد برای تمام اهل خانواده و سپس برای همسر و فرزندان خود، گاهی هم همزمان، باید بار سنگین مسئولیت را

بعهده گیرد. همسر او هم در ردیف همان افراد یتیم خانواده، شاید هم با حرمتی کمتر، اجباراً در کنار شوهرش، ساده و خموش چنین باری را بر شانه های نحیفش تحمل میکند. نو عروسی که هیچگاه لذت زندگی خانوادگی را در کنار همسر و فرزندان نچشیده است.

این گونه نوعروسان در زیر بار مسئولیت ها هیچگاه لذت و مسئولیت تربیت فرزند را حق خود نمیدانند. شبیه این داستان و شرایط را شنیده ایم و بسیاری از افراد نسل بزرگسال و حتی میانسال و جوان ما آنرا تجربه کرده اند. اما، آنچه که این کتاب را از سایر داستانها مشخص مینماید، چند نکته میباشد.

اول آنکه حوادث و قهرمانان این داستان واقعی است و کتاب جنبه زمان و خیالپردازی ندارد. شهامت نویسنده را در این مورد می ستایم. زیرا که او همانگونه که در مقدمه کتاب ذکر میکند، بقیمت جریحه دار ساختن احساسات عزیزان خود یک گزارش مستند از وضع اجتماعی جامعه یهودیان شیراز، بخصوص زندگی زنان آن را برای تاریخ به امانت میگذارد. جامعه بانوان ایرانی باید روش او را پیگیری نماید، تا

تاریخ نوشته زنان ایرانی را برای آیندگان ثبت کند و این کاری است که سازمان بانوان یهود ایرانی و شاخه های جوانش برعهده گرفته اند. زنان یهودی ایرانی در دو نوبت یکبار بعلت زن بودن و یکبار بعلت یهودی بودن مظلوم واقع شده و در دفتر تاریخ گمنام و ناشناخته باقی مانده اند. شخصیت های زن این کتاب نمونه های بارزی از این گونه زنان هستند که هر یک بعلتی ظاهراً متفاوت از بسیاری از حقوق و مزایای انسانی محروم مانده اند. از اینگونه زنان بسیار می شناسم. زنانی که نسلهای مثل آب بی رنگ پایه ها و ریشه های خانواده ها

را آبیاری کردند. بی نام و نشان بدنیا آمدند، چشم بسته بخانه شوهر رفتند و بدون هیچ اراده ای وسیله ای برای تحویل نسلهای بعدی در تاریخ بوده اند. در نسل جدید گهگاهی صدای زنان را در مورد اعتراض به این گذشته مغموم و تیره می شنویم. زنانی که بعلت اعتراض بگذشته ها سنت شکنی و انقلابی بودن را افتخاری دانستند، یکبارہ پای را فراتر از معیارهای اجتماعی، دینی و اخلاقی ما «جامعه پیشرفت نکرده ایرانی» می گذارند و راهی را برای زندگی برمیزینند که برای «ما ایرانی ها» هنوز قابل هضم نیست.

اما آنچه که فریده با ایفای نقش خود در این داستان برای ما ترسیم میکند، راه زنی است که مرز و بوم شکستن سنت ها را خوب شناخته است. او در عین تعلق و احترام به اعتقادات قومی خود، بدون شکستن معیارها و ستونهای اصلی اخلاقی و اجتماعی و در منتهای ابراز همدردی با نسلی که میخواهد از قید آن بگسلد این زنجیرها را از دست و پای خود باز میکند تا به اوج پرواز کند. او در این پرواز راهی پس طولانی را سلامت طی کرده است.

فریده در زندگی، فاصله یک قرن را طی بیست و پنج سال گذرانده است. او امروز در نقش یک دختر مستعد و یک همسر و مادر معتقد به معیارهای اخلاقی و قومی گذشته و حال، همراه و همقدم با زنان تحصیل کرده یکی از پیشرفته ترین ممالک جهان، گام برمیدارد. در چنین موقعیتی، تعهد خود را بزبان بی نام و نشان تاریخ گذشته خود فراموش نکرده و با ذکر مأخذ تا آنجائی که به حرمت شخصی افراد صدمه نزند، سعی کرده است با نوشته های خود تصویری از زندگی آنان را برای همیشه ضبط کند.

متن کتاب ترانه عروسی علاوه بر

گزارشی از زندگی زنان یهودی ایرانی چند تم فرعی دیگر را نیز در بر دارد که لازم به اشاره میباشد. اول آنکه فاصله فکری بین دو نسل که به انگلیسی آنرا Generation Gap مینامند در این کتاب بخصوص درباره رابطه فریده با مادرش بارز است. عامل چنین فاصله ای در فرهنگ ها و دوران مختلف کاملاً نسبی و متفاوت است. مسلماً آنچه که امروزه در آمریکا بنام Generation Gap خوانده میشود. با آنچه که اغلب ما در ایران تجربه کرده ایم یکسان نبوده و دارای ریشه های مختلفی میباشد. در گذشته زندگی های سخت و مشقت بار، فرهنگهای بسته و مسئولیت های گران چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان فرصتی برای ابراز محبت و عشق باقی نمی گذاشت و یکی از نتایج آن ایجاد فاصله بین افراد خانواده بود. نویسنده در مقدمه کتاب بر این نکته انگشت میگذارد و با استفاده و مقایسه زیبایی که از این گونه روابط بما ارائه میدهد در صدد توجیه و جبران آن برمیآید.

فریده رابطه و علاقه خود را بخانواده و فرهنگش بصورت قاب خاتمی توصیف می کند که بهنگام سفر به آمریکا بعنوان توشه از سوی پدر به همراه آورده بود. قابی که در سالهای اول ورود به آمریکا جانی برای نمایش آن نداشت. اما اکنون همان قاب خاتم مهمترین واقعه زندگی اش یعنی عروسی او را در خود جای دارد و در اطلاق خوابش که نزدیکترین و خصوصی ترین نقطه خانه اوست بر دیوار قرار دارد. ایکاش که فریده کمی بیشتر درباره علل احساس جدائی و عدم ارتباط احساسی خود بخصوص با مادرش در دوران نوجوانی برای خواننده توضیح میداد.

تم فرعی دیگر داستان، ایجاد ارتباط با احساسات یهودی ستیزی و ریشه

های بوجود آمدن انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ است. درجه تجربیات او با دوستان و معلمین مدرسه‌اش در مورد یهودی ستیزی در عین حالی که وقوع آنرا نمی توان نفی نمود، اجباراً در تمام نقاط ایران در آن مقطع زمانی کلیت ندارد و برای یک خواننده نا آشنا با محیط زندگی در ایران بخصوص خواننده انگلیسی زبان ممکن است این شبهه را بوجود آورد که در سالهای ۱۹۵۰ تمام یهودیان ایرانی این چنین احساسات یهود ستیزی را تجربه کرده باشند. در حالیکه چه بسیارند یهودیانی که در همان سالها در تهران و سایر شهرستانها در کنار معلمین و دوستان مدرسه‌ای غیر یهودی خود، چنین احساساتی را تجربه نکرده، و دوستی های بی شائبه‌ای را با هموطنان غیریهودی خود پایه گذاری کرده باشند.

همانگونه که خود فریده در متن کتاب به یک یا دو نفر از این چنین دوستان اشاره میکند. تم بعدی یعنی پیش بینی ها و تفسیرهای او در مورد مشاهده ریشه های انقلاب در اواسط دهه ۱۹۷۰ که همزمان با دوران دانشگاهی و دیدار مجدد فریده از ایران میباشد، از دیدگاه او، کمی زودرس بنظر میرسد. نویسنده با اشاره به مشاهدات خود در این دوران میخواهد که رابطه زمانی خروج خود را از ایران علاوه بر مسائل فرهنگی و خانوادگی با انقلاب اسلامی نیز برای خواننده انگلیسی زبان خود که آشنائی با جزئیات امر ندارد پیوست دهد.

کتاب ترانه عروسی از نظر مطالعات اجتماعی و فرهنگی در تاریخ و سرنوشت زنان و جوامع یهودی ایرانی یک راه گشا و پیشگام است. زیرا که شهامت او در مورد معرفی اشخاص و ارائه عکس ها به آن سندیت داده، در آینده میتواند مورد مطالعه دانشجویان و محققین سرنوشت زنان ایرانی

و بالاخص زنان یهودی قرار گیرد. امید است که در آینده فریده این روش نویسندگی را دنبال کند و با نوشته های بیشتر خود همچنان ماهرانه تصویری از زندگی جامعه گذشته ما را به نسل های جوانتر و خوانندگان خارجی با قلم شیوایش ترسیم نماید.

ایکاش که نویسنده یا ناشرین کتاب، آن را بفارسی ترجمه کنند تا نسلی که فریده از آنان سخن میگوید و اکثر آنها با زبان انگلیسی آشنائی ندارند از خواندن چنین کتابی محروم نماند.  
با آرزوی موفقیت های بیشتر برای خانم فریده دیانیم Goldin .

## خوش بحال غنچه های نیمه باز



فریدون  
مشیری

فریدون مشیری به روانی آب شعر میگفت و به سبک نسیم با گلها و شاخه‌ها و چلچله‌ها و شکوفه‌ها بازی میکرد.

در شعری با عنوان «بهار را باور کن» از معجزه باران میگفت و از خود میپرسید:

هیچ یادت هست؟

توی تاریکی شبهای بلند

سیلی سرما با تاک چه کرد؟

با سرو سینه گل‌های سپید

نیمه شب باد غضبناک چه کرد؟

و سپس باران معجزه میکرد و به خاک جان می داد:

خاک جان یافته است

تو چرا سنگ شدی؟

تو چرا اینهمه دلتنگ شدی؟

باز کن پنجره ها را و بهاران را باور کن!

در اینجا بهاریه‌ای از او می آوریم که در سالهای پس از مرگش در ایام نوروز ورد زبان همه بوده است. او که متولد ۱۳۰۴ بود در سال ۱۳۷۹ در تهران درگذشت. عنوان این بهاریه را خود در کتاب «پرواز با خورشید»، «خوش بحال غنچه های نیمه باز» گذاشته

است.

بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک

شاخه‌های شسته، باران خورده، پاک

آسمان آبی و ابر سپید

برگ های سبز بید

عطر نرگس، رقص باد

نغمه شوق پرستوهای شاد

خلوت گرم کیبوترهای مست ...

نرم نرگک میرسد اینک بهار

خوش بحال روزگار!

خوش بحال چشمه ها و دشت ها

خوش بحال دانه ها و سبزه ها

خوش بحال غنچه های نیمه باز

خوش بحال دختر میخک - که می خندد

به ناز -

خوش بحال جام لبریز از شراب

خوش بحال آفتاب

ای دل من، گرچه در این روزگار

جامه رنگین نمی پوشی به کام

باده رنگین نمی بینی به جام

نقل و سبزه در میان سفره نیست

جامت، از آن می که میباید تهی است

ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با

نسیم!

ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب

ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار

گر نکوبی شیشه غم را به سنگ

هفت رنگش می شود هفتاد رنگ!

# California Stress Control Clinic

کالیفرنیا استرسی کنترل کلینیک

دکتر هوشنگ پاکدامن



## آیا از یکی از عوارض زیر رنج میبرید؟

- \* اختلالات حافظه‌ای
- \* سر درد و میگرن
- \* دردهای مزمن
- \* اختلال خواب
- \* ADHA کودکان
- \* ADD در جوانان و بزرگسالان
- \* عدم تمرکز افکار
- \* افسردگی
- \* اضطراب

بدون مصرف دارو ، بدون عوارض جانبی از طریق E.E.G. Biofeedback

دستگاه E.E.G. Biofeedback مدرنترین و پیشرفته ترین دستگاه کامپیوتری و الکترونیکی که عوارض بدنی و امواج مغزی را ضمن ثبت و نظارت تبدیل به سلسله اطلاعاتی می نماید که با استفاده از این دستگاه کامپیوتری میتوان عوارض و دشواریهای روحی و روانی را کنترل و معالجه کرد .



## دکتر هوشنگ پاکدامن

دارای دو بورد تخصصی از ایالت کالیفرنیا

- \* مشاور خانواده و کودکان
- \* روانشناس بالینی
- \* تشخیص از طریق آزمون های روانشناسی کامپیوتری

**( 8 1 8 ) 8 1 - S T R E S S**

در ۲ منطقه انسنو و بورلی هیلز

(۸۱۸) ۸۱۷-۸۷۳۷

(۳۱۰) ۴۸۱-۲۲۶۰



ماجراهایی که بین آسیه‌ها و آقاها و منوچهر خان های خانواده روی میدهد، همه شنیدنی و عبرت انگیز است و اغلب انتهائی غم انگیز و دردناک دارد و دخترک پس از اینکه مدتی تمایلات نفسانی آقا یا آقازاده را تسکین داد، درحالیکه زخمی بردل و باری در شکم دارد، از خانه ارباب رانده شده، همان ماجرا را در خانه دیگری تکرار میکند و سرانجام پس از مدتی کوتاه در همان راهی که دختران فریب خورده می افتند، افتاده و سقوط میکنند (قضیه مال ۴۰ سال پیش است).

\* \* \*

اکبرآقا فرزند جناب سرهنگ جوانکی بود ۱۷ ساله، لاغر، رنگ پریده و عصبی مزاج، چشمانی درشت و میشی رنگ داشت و سبیل نازک و ظریفی در پشت لبان او جلوه‌ای به چهره‌اش می بخشید. رویهمرفته جوانکی بود خوش قلب و رئوف، ولی رفقا و بخصوص هم کلاسی ها اغلب با گوشه و کنایه انسان را تحریک کرده و براهی می اندازند که بهیچ وجه نمیتوان پیش بینی کرد، بعلاوه گاه ما خیلی از کارها را میکنیم فقط برای اینکه در نظر دیگران بیعرضه جلوه نکنیم.

«... مثل اینکه گناه و معصیت در دل شب زیادتر لذت میدهد. شاید چون در آن لحظات ما گمان می کنیم همه موجودات و همه آنهایی که ما را می شناسند، بخواب رفته‌اند و ما برای چند ساعت در خاطر هیچکس خطور نخواهیم کرد و این خود آرامش مخصوصی به انسان می بخشد. ... هنگام ارتکاب گناه، آدمی تمایل جنون آمیزی دارد که فراموش شده و مفقود الاثر باشد و حتی از خاطر خدا هم رفته باشد و چون شب و تاریکی این فکر فراموش شدگی از خاطر دیگران را در انسان قوت میدهد این است که لذت گناه و لغزش درشب بوضع شکرآوری زیادتر و شدیدتر است ...»

آسیه، خدمتکار جوان و تازه واردی که هفته قبل از مازندران برای منزل سرهنگ ارسال شده بود. نظر اکبرآقا فرزند سرهنگ را از هر حیث جلب کرده بود.

من کلمه «ارسال شده» را بکار بردم، چون گاه ارزش افراد در کشور ما از درجه انسانی بدرجه مال‌الاتجاره تقلیل می یابند و کلفت و نوکر و رعیت در نظر اغلب ما مثل شیئی بیجان و یا اگر قدری نازکدل و ملاحظه کار باشیم، مثل گوسفند و بز و یا اسب و یابو جلوه میکنند و ارزش زیادتری برای آنان قائل نیستیم.

از همان روزی که آسیه پا به منزل جناب سرهنگ گذاشت، اکبرآقا از رفقای همسایه و همکلاسی خود این جملات را می شنید:

-- اکبر ... این دختر تیکه نابی است!

-- اکبر ... تا بحال بجائی رسانده‌ای؟

-- اکبر حرامت باشد! چرا این تیکه‌ها برای ما پا نمیدهد؟

اکبر میکوشید درمقابل این وسوسه‌ها مقاومت کند، ولی انسان هرچه باشد کم و بیش تحت تأثیر قرار میگیرد.

او گهگاه که با نظر خریداری آسیه را ورنانداز میکرد، دخترک از شرم سرخ میشد و بیشتر او را مشتاق میکرد. یک روز که آسیه سینی چای را به اطاق او برد و با کمرونی و شرمی که مخصوص دختران دهاتی است آنرا بروی میز گذاشت و خواست خارج شود، اکبر بیپانه‌های مختلف او را در اطاق نگهداشت و بعد هم قاشق چای خود را بروی قالی انداخت و وقتی که آسیه خم شد که آنرا بردارد، برای چند لحظه صورتش مقابل صورت پسر ارباب قرار گرفت، موهایش بوی دود میداد و از بدنش بوی عرق آمیخته با بوی زهم ظرف نشسته چلوکباب بر میخاست.

ولی اکبر با اشتیهای غریبی این بوها را می بلعید و خودش هم نمیدانست چرا اینقدر خوشش می آید.

از آنطرف آسیه هم چندان از اکبر بدش نمی آمد. بخصوص که می دید پسر ارباب هر روز صورتش را میتراشد و بعد از آن گلاب فرنگی خوشبو (ادوکلن) بصورتش میزند و هروقت هم از چند قدمی او میگذرد، بوی خوش بمشامش میزند.

آسیه هر روز که برای تمیز کردن اطاق اکبرآقا در غیاب او به اطاقش میرفت از شیشه ادوکلن خیلی خوشش می آمد و یک روز جرأتی بخرج داده و دزدکی در آنرا باز کرد و چند قطره آنرا کف دست ریخت و بصورت مالید و پس از چند لحظه مثل اینکه لبانی نامرئی و مشتاق حریصانه بگونه‌اش فشرده شده باشد و جای آن سوزش کند، خنکی مطبوع آمیخته بسوزشی خفیف بروی گونه هایش حس کرد! بیاد دو سال قبل در دهات خودش در مازندران افتاد ... آن روز بهاری که احمد قلی پسر همسایه او را زیر درخت ها حریصانه در آغوش کشیده و بوسیده بود و ...

آسیه غرق این افکار بود که ناگهان اکبر خان از در وارد شد، دخترک از خجلت و شرم و وحشت لرزید، شیشه ادوکلن از دستش بزمین افتاد و خورد شد. رنگ آسیه سرخ شده، عرق بر پیشانی‌اش نشسته و نمیدانست پسر ارباب به او چه خواهد گفت.

اکبر آهسته بطرف آسیه نزدیک شد و یک لحظه درچشمان او نگاه کرد و بعد ناگهان او را درآغوش کشید و با حرص و ولعی وحشیانه لبان او را بوسید. بوی ادوکلن فضای اطاق را پُر کرده بود

ولی اکبر به آن توجهی نداشت و با اشتها و لذت موهای آسیه را که بوی دود آشپزخانه میداد می بوسید. دخترک بیش از همه بوی زهم، بوی خاکینه، بوی پیاز داغ و بوی روغن ترشیده میداد و اکبر با اشتیاق غریبی آنرا استنشاق میکرد.

آسیه همچون جوجه‌ای میلرزید و هنگامی که اکبر او را رها کرد همچون آهونی وحشی از اطاق گریخت.

داستان تا اینجا قدری شاعرانه و به اصطلاح رمانتیک بوده است و شاید حضرتعالی انتظار داشته باشید که جریان بین اکبر آقا و آسیه هم پس از مدتی عشق بازی و گناه به فاجعه‌ای غم انگیز منتهی شود. ولی این ماجرا کاملاً برخلاف انتظار شما پایان می یابد.

اصولاً این قبیل ماجراها و عشقبازی های «داخلی» گاه در اثر بعضی پیشآمدها به وضع مضحک و غیرمنتظره‌ای ختم میشود و مستوره خیلی عادی و کوچک آن وقایع مضحکی است که زمستانها در زیر کرسی اتفاق می افتد. مثلاً دختر عمه‌ای که هنوز ازدواج نکرده است و شما هم نسبت باو بی میل نیستید با مادر و خواهرش بدیدن شما می‌آیند و همگی زیر کرسی می نشینند، پس از خوردن میوه و شیرینی و اختلاط های خانوادگی طبعاً هوس میکنید از زیر کرسی اقلاد دست دختر عمه را دردست خود بفشارید ولی اشتباهاً دست عمه جان را می فشارید و وقتی متوجه میشوید که کار از کار گذشته و جملاتی نظیر:

-- احمدآقا قباحت دارد ... ! و امثال آن از دهان بی دندان عمه جان خارج شده است. شاید هم (محرمانه باشد) عمه جان ازاینکه دستش را فشرده‌اید بدش نیامده باشد ولی میدانید خیلی مواقع است که از روی مصلحت باید برخلاف میل دل گفت و کرد! گاهی هم دست درازی در زیر کرسی به «پادرازی» مبدل میشود و نتایج آن مضحک تر و اشتباهات آن خطرناک تر است و خیلی گران تمام میشود ... !

x x x

یک ماه گذشت و واقعه فوق العاده‌ای روی نداد. یکی از شبهای تیرماه بود. اکبر در پشت بام بروی لحاف خنک و نسیم خورده خود می غلطید و به آسمان پرستاره خیره خیره مینگریست. انشب تصمیم گرفته بود سراغ آسیه برود و ظاهراً هیچ چیز نمیتوانست او را از این کار باز دارد. ساعت شب نمای خود را از زیر بالش درآورده نگاه کرد، ساعت یک بعد از نیمه شب بود. به آهستگی بروی تختخواب نشست و نگاهی به اطراف افکند، با اینکه ماه طلوع نکرده بود، اکبر بخوبی میتوانست وضع جغرافیائی و سوق الجیشی پشت بام و محل استقرار تختخوابها و لحاف ها را در اطراف خود حدس بزند!

در پشت بام دست راست، هامپارسون کالباس فروش سرکوجه خوابیده بود، او همیشه روس تختخواب سفری رنگ رفته و زوار در رفته‌های میخوابید و دست چاق و کوتاه و پرمویش که خالکوبی هم شده بود از گوشه تختخواب آویزان بود و هر موقع که با آن هیکل درشت و چاقش در آن تختخواب مفلوک غلط میزد، جیرجیر شکوه آمیزی از کلیه اعضا و جوارح تختخواب برمیخاست. او در خواب سرفه های خشک و جگر خراشی میکرد و چشمهای سرخ و باده کرده‌ای داشت.

در پشت بام روبرو، محمود آقا سمسار و زن و بچه‌اش در زیر پشه بند عیالواری ولنگ و وازی خوابیده بودند و گهگاه صدای گریه کودک شیرخوار آنان بگوش میرسید و چون عیال محمود آقا خواب سنگینی داشت، شوهرش با غرشی او را از خواب بیدار میکرد و لحظه‌ای بعد کودک خاموش میشد ولی مجدداً گریه را بوضع شدیدتری از سر میگرفت. چون عیال محمود آقا خواب آلود، در تاریکی پستان را در گوش کودک گذاشته بود. صدای غرغر زنانه همراه با چند ناسزای مادرانه بگوش میرسید و دوباره سکوت برقرار میشد.

پهلوی رختخواب اکبر آقا، چند قدم آنطرف‌تر، ناصر برادر کوچک او خوابیده بود و در قسمت شرقی پشت بام هم جناب سرهنگ و خانم محترمه در زیر پشه بندی نو و خوش دوخت بخواب ناز فرو رفته بودند.

اکبر خمیازه‌های کشید و آهسته از رختخواب خارج شد، کفش راحتی خود را پوشید و آهسته از پهلوی رختخواب ناصر برادرش گذشت، ناگهان صدای فریادی بلند شد و متعاقب آن کلماتی نامفهوم بگوش رسید:

:- اکبر نزن... نزن... نه... نه... چرا سیب را خوردی؟  
قلم را بده...

قلب اکبر ناگهان فرو ریخت و با وحشتی غریب با یک خیز خود را به رختخواب رسانید ولی پایش بکوزه آب خورد و کوزه آب برگشته رختخواب را حسایی خیس کرد اما اکبر به این چیزها اهمیت نمیداد، او میخواست خود را زودتر در رختخواب مخفی کرده از خجلت گیرافتادن و رسوا شدن نجات یابد. آنقدر منقلب بود که نمیتوانست افکار خود را تمرکز دهد. لحاف را هراسان سرکشیده برای چند ثانیه حتی نفس خود را هم ضبط کرد، قلبش بشدت میزد، عرق خفیف و التهاب آوری بدنش را فرا گرفته بود و سرتاسر وجودش خارش میکرد.

دو دقیقه گذشت و هیچگونه صدائی بگوش نرسید، اکبر به آهستگی گوشه لحاف را عقب زده و دزدکی به اطراف نگاه کرد و ناگهان ملتفت شد صدای فریاد و کلمات نامفهوم از برادرش ناصر

است که در خواب عادت بحرف زدن و پرت و پلا گفتن دارد! با غیظ و غضب لحاف را عقب انداخت و نفس بلندی کشید، لحاف مرطوب، ناراحتی شدیدی در او ایجاد کرده بود و آن تمایل پرشوری که چند لحظه پیش نسبت به آسیه درخود حس میکرد در اثر وحشت ناگهانی ازبین رفته بود. با بی‌حوصلگی و کسالت قسمتی از لحاف را در ناحیه خشک تشک بخود پیچید، به پشت خوابید و به آسمان خیره شد!

نسیم ملایم نیمه شب، درخت بید گوشه خیاط را به اهتزاز درآورده بود، از چند بام آنطرف تر صدای گریه بچه شیرخواری بگوش میرسید، دو تا گریه نر و مادر سرچینه پشت بام باهم دعوا میکردند و بزبان خودشان فحش های بدبد میدادند و ماه آهسته آهسته بالا آمده با نور رنگ پریده و رویائی خود شب را صدبار زیباتر و خیال انگیزتر جلوه میداد.

از توی کوچه آواز حزین یکی از مستان بگوش میرسید و شب با عظمت تمام جلوه میکرد. چشمان اکبر آهسته آهسته بهم آمد و بخواب عمیقی فرو رفت.

x x x

شب بعد با اینکه اکبر اصولاً در فکر شبیخون زدن نبود، درست سر ساعت یک بعداز نیمه‌شب از خواب بیدار شد، هوا قدری خنک تر شده و لحاف حسایی می چسبید، اکبر با لذت و اشتیاق لحاف را که بعضی از قسمتهای آن گرمی مطبوعی داشت، بخود پیچید و باز ب فکر آسیه افتاد.

هنگام فراغت و استراحت بعضی لحظات است که بوضع علیحده حسایی به هم آغوشی و حس کردن حرارت جنس مخالف در انسان بیدار میشود و گاه برای ارضاء این خواهش نفسانی از هیچ گناهی روگردان نیست.

اکبر بر روی رختخواب نشست و ابتدا با بغض و کینه بکوزه آب کنار رختخواب خیره شد و بعد با اکراه به چهره برادرش ناصر که چند قدم آنطرف تر بخواب عمیقی فرو رفته بود نظاره رفت و بی صدا از جا برخاست، این بار کاملاً مواظب بود که پایش به کوزه آب نخورد و هنگامی که از پهلوی لحاف برادرش ناصر میگذشت، دیگر ترسی از درخواب حرف زدن او نداشت و جدا تصمیم گرفته بود عریده های او را نشنیده بگیرد.

بآهستگی از پهلوی پشه بند گذشت و بدر پشت بام رسید، با ملایمت چفت در را باز کرد و لنگه در را فشار داد ولی صدائی که از چرخیدن یک لنگه در کهنه و قدیمی پشت بام بروی پاشه خود در یک نیمه شب ساکت و تابستانی تولید میشود مثل انفجار بمب جلوه میکند و در اینگونه مواقع صدائی که فرضاً از گذاشتن پا بروی پوست هندوانه خشکیده‌ای برمیخیزد، همچون نارنجک صدا



اکبر مجدداً باهستگی در را فشار داد، در غرشی کرد و باز اکبر با وحشت دست نگهداشت و به اطراف خیره شد. بی اغراق اکبر بقدر ده دقیقه پشت در معطل شد، هر بار بقدر یک سانتیمتر در را فشار داد و هر بار در غرشی کرد. پیشانی اکبر را عرق فرا گرفته و بی طاقت شده بود. در این لحظه لنگه در پشت بام با گل میخ های بزرگ و سائیده شده و شکاف های متعدد در نظر اکبر همچون چهره مردی جلوه میکرد که دهان گشوده بوضع تمسخر آمیزی باو می خندید.

سرانجام لنگه در، آخرین ناله خود را کرد و بدیوار چسبید و قهرمان داستان ما مظفرانه پا را بروی اولین پله پشت بام گذاشت. جریان هوایی که در اثر باز شدن در پشت بام ایجاد شده بود بوی جارو و ترمه مرطوب، بوی لباس کهنه و بوی صابون رختشویی میداد و صدای یکنواخت و خیال انگیز سوسک های شبانه هم موزیک عجیبی ایجاد کرده بود.

اکبر از تاریکی غلیظی که همچون مخملی سیاه و لطیف او را در خود پیچیده بود لذت میبرد و مثل اینکه خود را در امن و امان میدید، دیگر احتمال برگشتن کوزه آب، در خواب حرف زدن برادر کوچکش ناصر، بیدار شدن کودک شیرخوار و صدای سرفه های خشن هامبارسون در بین نبود و همه چیز ظاهراً بروفق مراد بود. او کاملاً اطمینان داشت که چند دقیقه بعد آسیه را که در اطاق گوشه شمالی حیاط میخوابید را درآغوش خواهد کشید، لبان سرخ و گوشت آلودی او را خواهد بوسید و سینه سفت و پرگوشت او را به سینه خواهد فشرد.

اصولاً مثل اینکه گناه و معصیت در دل شب زیادتز لذت میدهد، شاید چون در آن لحظات ما گمان میکنیم همه موجودات و همه آنهایی که ما را می شناسند بخواب رفته اند و ما برای چند ساعت در خاطر هیچکس خطور نخواهیم کرد و این خود آرامش خاطر مخصوصی به انسان می بخشد! هنگام ارتکاب گناه، آدمی تمایل جنون آمیزی دارد که فراموش شده و مفقودالتر باشد و حتی از خاطر خدا هم رفته باشد و چون شب و تاریکی، این فکر فراموش شدگی از خاطر دیگران را در انسان قوت میدهد، این است که لذت گناه و لغزش در شب بوضع سکراوری زیادتز و شدیدتر است.

اکبر با احتیاط، کورمال کورمال سه چهار پله دیگر پائین آمد ولی ناگهان پایش به مانعی برخورد و قبل از اینکه بتواند جریان امر را تشخیص دهد، طشت مسی عظیمی که در سر راه او قرار داشت از جا لغزیده با صدای گر کننده ای رو بهائین سرازیر شد. اینجا دیگر خواب و خیال نبود، دیگر صدای خورد شدن

یک پوست هندوانه خشکیده یا انداختن چفت پشت بام نبود. طشت مسی با عظمت (!) تمام معلق زنان روپائین سرازیر شده بود و صدای برخورد آن با پله ها (در حال سقوط) در دل شب انعکاس و طنین وحشت انگیزی داشت:

اکبر با لباس زیر، متحیر و وحشت زده در بالای پله ها ایستاده بود و میلرزید و از ترس رسوائی و خجالت آرزو داشت زمین دهان باز کرده او را بلعد.

در این لحظه حاضر بود نیمی از عمر خود را بدهد و در عوض، تمام موجودات و کائنات برای یک دقیقه از گوش گر شوند و صدای طشت مزاحم را نشوند. ولی در هر حال دیر شده بود و طشت وی جست و خیزکنان پله ها را درنوردیده بوسط حیاط رسید و بعد هم مثل چرخ اتومبیلی که دررفته باشد دوسه دور دور باغچه چرخید و در کنار چاهک از سرعت آن کاسته شده سه چهار حرکت مذبحوانه (!) کرد و بیحرکت برجای ماند ...

از صدای طشت، همسایه ها همگی از خواب پریده بودند و همه مهملای خفیف و نامفهوم بگوش میرسید. پدر و مادر اکبر سراسیمه از پشه بند بیرون دویده در حالیکه نیمی از بدن خود را بطرف حیاط خم کرده بودند وحشت زده میخواستند علت سروصدا را بفهمند.

از آنطرف، آسیه وحشت زده و خواب آلود از اطاق بیرون پریده با محمود خانه شاگرد که او هم برای فهمیدن علت این سروصدا از رختخواب خارج شده بود بوسط حیاط دویدند.

اکبر بلااراده از پله ها پائین آمده و در وسط حیاط ایستاده بود ولی ناگهان فکری بخاطرش رسید و به محمود که با حال استفهام آمیزی او را خیره خیره مینگریست پرخاش کنان گفت:

-: حیوان ... چرا طشت را سر راه گذاشته ای؟

مادر اکبر که سیاهی فرزندش را از بالا تشخیص داده بود فریاد زد:

-: اکبر چه خبر است؟ چرا نصفه شبی از جا بلند شده ای؟

-: هوا گرم بود نتوانستم بخوابم، خواستم دوش بگیرم،

طشت سر راه پله های پشت بام بود ندیدم ...

قضیه گرفتن دوش آب سرد همه سوء ظن و افکار غیرمنطقی را ازبین برد. محمود خانه شاگرد و آسیه از پله ها بالا رفته به اطاق خودشان رفتند، جناب سرهنگ هم در حالیکه زیر لب قرقر میکرد برگشته بزیر پشه بند پناه برد و اکبر در حالیکه در اثر وقایع چند دقیقه اخیر حقیقتاً احتیاجی بدوش آب سرد نداشت وارد حمام شد و بقدر ده دقیقه در زیر دوش آب سرد اعصاب فرسوده خود را تسکین داد و بعد خود را خشک کرده بیرون آمد و درحالیکه جریانات ساعتی قبل را بالمره فراموش کرده بود، بی ترس

و لرز و اضطراب از پله های پشت بام بالا رفت، دیگر لنگه در پشت بام غرش نمیکرد و کاغذ روزنامه مجاله شده‌ای که زیر پای او آمد همچون نارنجک صدا نداد، گویی همه چیز فرق کرده بود. اکبر با ملایمت از پهلوی پشه بند گذشته بطرف رختخواب خود رفت و دراز کشید.

سکوت همه جا را فرا گرفته بود، فقط هامبارسون که معلوم بود در اثر صدای افتادن طشت از خواب پریده و حسایی بدخواب شده بود با ناراحتی در تختخواب سفری و زوار دررفته خود می غلطید و سرفه های خشک و پر سروصدا میکرد، از آنطرف اکبر با خودش فکر میکرد الان که هامبارسون بدخواب شده و حتما چشمهای سرخ تر و بادکرده تر است، آیا به چه فکر میکند؟ بعد سعی کرد در جلد هامبارسون رفته تخیلات او را حدس بزند، و حدس زد که حتما هامبارسون فکر سالها قبل که در رضاییه هر شب عرق و کالباس میخورده و در کوچه ها عربده میکشیده افتاده است و خاطره آن دختر آسوری که خال سیاه زیبایی در گوشه لبش داشته و همیشه عطر گل سرخ بکار میبرده و هامبارسون برای خاطر او سه نفر را زخم زده در مغزش بیدار شده است . . . . .

فردای آنروز قضیه افتادن طشت از پله های پشت بام و دوش گرفتن بی موقع اکبرآقا بکلی فراموش شده بود، فقط آسیه با هوش و ذکاوت دهاتی خود میدانست پسر ارباب برای منظور دیگری غیر از دوش گرفتن، در آن نیمه شب از پله های پشت بام پائین آمده است و هر موقع تصادفاً چشمش به چشم اکبرآقا می افتاد سرخ شده و چشمان خود را بزمین میدوخت.

شب بعد اکبر مجدداً در همان ساعت از خواب بیدار شد و کم کم بیخوابی بیسابقه‌ای در خود حس کرد، از زیر بالش یسته سیگار آمریکائی خود را بیرون کشید و سیگاری آتش زده و همانطور که به پشت خوابیده بود حلقه‌های غلیظ دود را به هوا میفرستاد و از ماورای آن ستاره های آسمان را تماشا میکرد، یکبار دیگر تمایل به همخوابی با آسیه در او بیدار شده بود، ته سیگار را بطرفی انداخت و کوزه آب بغل دستش را برداشت و چند جرعه نوشید، قطرات آبی که طی چند ساعت از کوزه تراوش کرده بود بقدر یک کف دست از پشت بام را خیس کرده بوی کاهگل مطبوعی بمشام میزد.

اکبر باهستگی از جابرخواست و این بار همچون فرماندهی که دو سه بار در یک جبهه شکست خورده و غافلگیر شده باشد با احتیاط و اطمینان شروع بکار کرد. ابتدا با احتیاط از پهلوی کوزه آب گذشت و بعد بکیار دیگر با نفرت و اکراه به چهره برادرش ناصر که در خواب عمیقی فرو رفته بود خیره شد و بطرف در پشت بام رفت، باهستگی چفت را انداخت، در بروی پاشنه خود چرخیده باز

شد و اکبر پا را بروی پله گذاشت. شش پله شمرد و هنگامی که به پله هفتمی رسید مکث کرد. با اینکه میدانست دیگر طشت کذائی را از آنجا برداشته‌اند، معیناً با احتیاط دستی به اطراف مالید و سپس با اطمینان شروع بهائین رفتن کرد. سه چهار پله بسطح حیاط باقیمانده بود و ظاهراً مانعی بنظر نمی‌رسید. ولی چشمان خواب آلود اکبر پوست خیار کوچکی که با احتمال قوی ناصر هنگام رفتن به پشت بام بروی پله ها انداخته بود ندید و پا بروی آن گذاشت و ناگهان لیز خورده تعادل خود را از دست داده، سه پله پائین در غلطید و وسط باغچه نقش زمین شد!

البته صدائی که از سقوط اکبر تولید شد آنقدر نبود که اهل خانه را از خواب بیدار کند ولی او حسایی کوفته شده بود. درد شدیدی در کمر و پهلوی خود حس میکرد. بعلاوه چندتا از تیغ های بوته گل سرخ باغچه هم با بی‌ملاحظه‌گی تمام به نزدیکترین عضو او که دردسترس بود فرو رفته بودند!

اکبر درعین حالی که بسختی عصبانی شده بود از یادآوری وقایع دو سه شب اخیر بی اختیار خنده‌اش گرفته نمیتوانست جلو خود را بگیرد. با ملایمت تیغ ها را از دست و پای خود بیرون کشید و در حالیکه سوزش شدیدی در جای آن حس میکرد، از توی باغچه خارج شد.

ظاهراً تا اطاق آسیه مانعی دیگر در پیش نبود و اکبر باهستگی از پله ها بالا رفته پشت در اطاق لحظه‌ای مکث کرد. از پشت شیشه به داخل اطاق خیره شد، نور مهتاب بدرون می تابید و اکبر لحاف آسیه را بخوبی تشخیص داد ولی چهره او پیدا نبود.

باهستگی در را فشار داد، شیشه های لق بوضع خفیفی بلرزه درآمدند، در باز شد و اکبر بدرون رفت. چند لحظه در آستانه در توقف کرد و سپس آهسته صدا زد: - آسیه ... آسیه.

لحاف تکانی خورد و بلافاصله صدای محمود خانه شاگرد بگوش رسید:

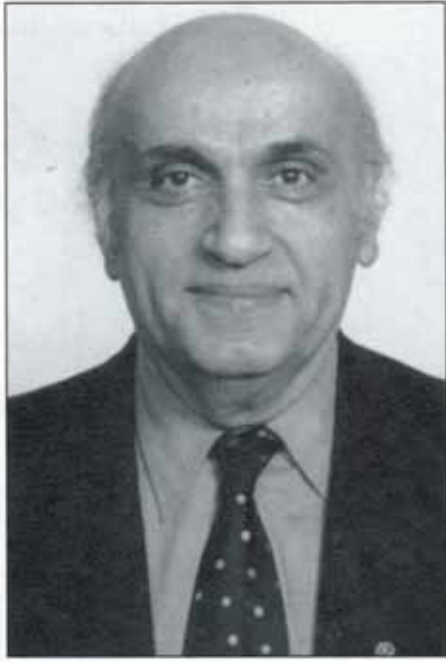
- اکبر خان شما هستید؟

خون در عروق اکبر منجمد شده و قلبش بشدت شروع به تبیدن کرد. و مجدداً صدای محمود بلند شد. ولی این بار قدری متوحش بنظر میرسید:

- اکبرخان شما هستید؟

اکبر از روی خشم و نومیدی برگشت و کلید چراغ را زد، اطاق مثل روز روشن شد و محمود خانه شاگرد که هراسان بروی لحاف نشسته بود با چشمان خواب آلود و موهای پریشان بوضع احمقانه‌ای بروی پسر ارباب خیره شد. اکبر که بزحمت خشم خود

ادامه در صفحه ۴۷



ایرج اسحقیان  
مشاور در امور وام

**کمپانی مورگیج استور**

**شرکت وام دهنده مستقیم**

**و بدون واسطه**

**در اکثر نقاط آمریکا**

**مسکن و ساختمان - شاپینگ سنتر**

**آپارتمان بیلدینگ - آفیس بیلدینگ و سایر وامها**

**با هرگونه کردیت - با و بدون اوراق مالیاتی**

**با مخارج ارزان**

**Cellular (310) 722-1817**

**Toll Free (800) 900-5626 Ext. 426**

**(213) 234-2426**

E-mail: [Iradj@themortgagestore.net](mailto:Iradj@themortgagestore.net)

خاطرات جالب و شنیدنی

## مرد سالخورده یهودی در دیدار با

### جمال مبارک

فرزند رئیس جمهور مصر

چرا تعدادی از شما یهودیان  
در زمان ملک فاروق  
که در کمال رفاه و آسایش  
در مصر بسر میبردید  
این کشور را ترک کردید؟

تنظیم و ترجمه: سیروس حلاوی  
و روتی صیونی

بزودی مراسم عقد و عروسی جمال مبارک، فرزند ارشد ریاست جمهوری مصر با یک دوشیزه زیبا و طناز مصری بنام خدیجه کمال، فرزند یحیی کمال، یکی از ثروتمندان مشهور مصری در هتل «مونائیک گلف» شام الشیخ یا در باشگاه نیروی هوایی مصر که دارای باغ بزرگی است، تا حدی ساده و نه آنچنان باشکوه برگزار خواهد گردید. سخنگوی کاخ اتحادیه (مقر ریاست جمهوری مصر) میگوید: آنچه که قطعی است، خانواده های عبدالناصر و انور السادات در رأس مدعوین قرار خواهند داشت.

جمال مبارک از یک مادر انگلیسی بنام سوزان و پدر مسلمان یعنی حسنی مبارک، ریاست جمهوری کنونی مصر با پعرصه وجود گذارده است.

خانم سوزان میگوید در یک ضیافت شبانه با یک افسر نیروی هوایی مصر که



خدیجه کمال، فرزند ثروتمند مصری  
و همسر آینده جمال مبارک

اونیفورم خاکستری رنگ نیروی هوایی مصر را به تن داشت آشنائی حاصل کردم و در همان دیدار و گفتگوی اول هر دو بیکدیگر دلبستگی بسیار پیدا کردیم و چندی بعد به عقد و ازدواج یکدیگر درآمدیم. حسنی مبارک در آن هنگام در آخرین سالهای سلطنت ملک فاروق برای انجام مأموریتی عازم لندن شده بود.

جمال میگوید: هرگز میل ندارد به سبب اینکه فرزند حسنی مبارک است مورد توجه و دلبستگی اقشار مختلف مردم مصر قرار گیرد که مسلماً حق دارد از مردم مصر چنان انتظاری داشته باشد. زیرا برآستی آنقدر از دانش و معلومات علمی، سیاسی و اقتصادی برخوردار است که هم اکنون یکی از نخبه نوابغ بسیار محبوب القلوب دنیای عرب بشمار میآید.

او در سلسله مراتب اعضاء هیأت حاکمه مصر رتبه سوم را دارد. یعنی اول پدرش، بعد دکتر احمد لطیف، نخست وزیر و سپس او که هم اکنون در رأس یکی از

تشکیلات مهم مملکتی مقامی بسیار با اهمیت و حساس را بعهده دارد. نامبرده در حدود چهار سال قبل جمعی از فاضل ترین دانشمندان تحصیل کرده آمریکا، اروپا و دانشگاههای مصر را بهمکاری فراخوانده و با یک تشکیلات گسترده نظارت بر نحوه عملکرد کارمندان دولت و احیاناً بخش خصوصی را بوسیله مأموران خود تحت کنترل دارد.

جمال مبارک شخصا حق دارد از اعمال رئیس الوزرا تا یک کارمند ساده در فلان شهر آن سرزمین وسیع را مراقب باشد و در صورت لزوم حق برکناری فلان مأمور دولت و همچنین فلان رئیس هیأت مدیره فلان شرکت دولتی را بوسیله دادستان تحت تعقیب و مجازات قرار دهد که در طول این موت توانسته است از بسیاری از فسادها و نادرستی های دولتی و غیردولتی پرده بردارد و خاطیان را تنبیه کند.

جمال اساساً مذهبی نیست، بهمین علت بندرت در مساجد یا کلیساها حضور می یابد. بگونهای که مدتها از طرف اعضاء وابسته به گروه اخوان المسلمین مورد هزمت و سرزنش قرار داشت. اما پس از اینکه با اعمال و رفتار انسانی و میهن پرستی خود توانست محبوب القلوب بخش اعظم مردم مصر قرار گیرد. کار به آنجا کشید که همین دو هفته قبل آن عده از اعضاء مجلس قانونگذاری که وابسته به اخوان المسلمین هستند و گروه اپوزیسیون را تشکیل میدهند باتفاق آرا جشن عقد و عروسی وی با دوشیزه خدیجه کمال را با جملاتی بسیار محبت آمیز تبریک و تهنیت گفتند و برای آنان آرزوی سلامتی، طول عمر و خوشبختی هرچه بیشتر کردند و بر این شعر پندآموز ما فارسی زبانان مهر تأیید زدند:

عبادت بجز خدمت خلق نیست

به تسبیح و سجاده و دلخ نیست





**اسامی برخی از  
شخصیت‌هایی که عکس آنها  
در این کتاب ارزشمند  
چاپ گردیده است .**

(اسامی براساس حروف الفبا)

دکتر رحمت‌اله	دلجانی	گیتی	بروخیم	دکتر هوشنگ	ابرامی
عزت‌اله	دلجانی	پروفسور امین	بنائی	دکتر شیرزاد	ابراهیمیان
داریوش	دیان	سیمین	بهبهانی	نعیما	ابریشمی
پرویز	رحمان پناه	دکتر	بهفرین	امیر	ابسلت
اشر	رستگار	دکتر ناصر	بینا فرد	برهان	ابن یوسف
سلیمان	رستگار	منیژه	پورنظریان	هما	احسان
مه‌لقا	رستگار	سیامک	پویان	دکتر	اخوت
دکتر محمود	رضا	ناهید	پیرنظر اوبرمن	لقمان	ادهمی
رفیع‌اله	رفیع	یوسف	پیروزیان	اسکندر	ارجاد
دکتر یوسف	روانشناس	خانم	تابان	پرویز	اربه
روح‌اله	رهبان	دکتر آشر	تابان	الیاس	اسحقیان
شموئیل	رهبر	خانم	تقته الاسلامی	دکتر عبدالله	اعتصامی
هوشنگ	زارع	فردریک	تیزابی	سلیمان	افرائیم
ربای بن	زاکن	حبیب	ثابت	خانم	افرائیم
ربای داوید	زرگری	ربای	حاکام‌زاده	خانم	آقائی
منصور	زرنگین	دکتر لطیفه	حقیقی	دکتر سلیمان	آقائی
امید	سالار	شمسی	حکمت	حاج حبیب	القانیان
هما	سرشار	خانم	حکیم	حاج عزیز	القانیان
شہلا	سرشار	مسعود	حکیم	داود	القانیان
دکتر سرور	سرودی	الیزا	حلاوی	خانم	الیست
هارون	سرودی	سیروس	حلاوی	دکتر جمشید	الیست
خانم	سعیدیان	لطف‌اله	حی	منوچهر	امیدوار
ناصر	سعیدیان	محمد	حیدری	ربای	ایلولیان
خانم	سلیمانی	دکتر ایرج	خادمی	دکتر	ایمانی
گیتی	سیمانطوب	بیژن	خلیلی	دکتر عزیزه	برال
منصور	سینائی	احسان	خوبیان	دکتر باروخ	بروخیم
مهری	سینائی	حاکام اوریل	داویدی	ژاک	بروخیم
نعمت‌اله	شادگو	خانم	دخانیان		
باروخ	شاهری	روبن	دخانیان		
خانم	شاهری	خلیل	دردشتی		
خانبابا	شباتیان	دکتر	دردشتی		
دکتر	شفاجو	فرید	دردشتی		
خانم	شکریان	خانم	درویش		
لطف‌اله	شکریان	عبداله	دقیقیان		

فرهنگ	مهر	سیروس	کروبیان	شعبان	شمس
غفور	میرزائی	جمشید	کشفی	حاکم دیدیا	شوفط
حبیب	میکائیل	ملیحه	کشفی	حشمت	شوفط
پروفسور امن	نتصر	دکتر رحیم	کهن	راب داوید	شوفط
حاکم یهوش	نتن الی	مادام	کهن	حسن	شهباز
یافا	نظرزاده	ویکتور	کهن	دکتر منوچهر	صادقی
پرویز	نظریان	یوسف	کهن	خانم	صانعی
پوران	نظریان	دکتر مسعود	کهن شوحط	یونا	صبار
منوچهر	نظریان	فریده	کهن شوحط	خانم	صداقت
جمشید	نوائین	حاکم باروخ	کهن صدق	شاپور	صداقت
پرویز	نورافشان	مئیر	کهننا	ابراهیم	صدقی
دکتر	نورمحمودی	خانم	گبای	خانم	صدقی
خانبابا	نورمند	سلطان	گبای	حسن	ضیائی
عنایت	نهائی	نجات	گبای	ایرج	طاهری
مرتضی خان	نی داود	نوراله	گبای	ابراهیم	عافار
جهانشاه	نی داود	ایرج	گرگین	فریده	عبریانی
دکتر ساموئل	نیومن	پروفسور ایرج	لاله زاری	ربای	عبودی
دکتر	وجدانی	دکتر آبنر	لوی	دکتر	عمرانی
مرتضی	ورزی	دکتر حبیب	لوی	مهندس	عمرانی
بی بی	هارونیان	سینا	لوی	مهمین	عمید
پری	هارونیان	صیون	لوی	فرانک	عینی
دان	هارونیان	کرمل	لوی	فرید	فرجاد
دکتر الکساند	هارونیان	جمشید	مداحی	دکتر بینا	فرد
ژان	هارونیان	ناصر	مداحی	دکتر	فروزانپور
مسعود	هارونیان	نعمت اله	مسنن	احسان	قدسیان
موسی	هارونیان	دانی یعقوب	مصابند	الیاس	قدسیان
دکتر لیلا	هاشمی	سعید	مطلوب	داود	قدسیان
پروفسور اح	یارشاطر	دکتر	مطلوبیان	منوچهر	قدسیان
دکتر	یاشار	خانم	معراج	یعقوب	کامران
سلیمان	یشوعافر		مقوم	مادام	کتلر
حاج یشوعا	یلل	دکتر جمشید	ملامد	حشمت اله	کرمانشاهی
عبداله	یمطوب	خانم	منظور	سامی	کرمانیان
هاراو عویدیا	یوسف	دکتر آونر	منظور	خانم	کروبیان
پروانه	یوسف زاده	شکراله	مهدیزاده	روح اله	کروبیان





منم کورش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه دادگر، شاه بابل، شاه سومر واکد، شاه چهار گوشه جهان، پسر کمبوجش شاه کورش، شاه بزرگ، شاه بزرگ، شاه بزرگ.



بابل را متوجه من کرد... زیرا من او را از بابل بر سرزمین من آوردم...  
ارتش بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.

وضع داخلی بابل و جایگاه های مقدسش قلب مرا تکان داد... من برای صلح کوشیدم، من برده داری را برانداختم، به بدبختی آنان کاروانه بخشیدم.

فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و آنان را نیازارند، فرمان دادم که هیچکس اهالی شهر را از هسعی ساقط نکند.

مردوک خدای بزرگ از کور من کوشید... برکت و مهربانی اش را ارزانی داشت. ما همگی شادمانه و در صلح و آشتی مقام بلندش را ستودیم...

# یک ربع قرن

من همه شهرهائی را که ویران شدند و از بن ساختن و ساختمان تمام نیایشگاه هائی را که بسته شده بود، بگشایند. همه خدایان این نیایشگاه ها را به جای خود بازگرداندم.

همه مردمانی را که بر آورده شده بودند، به جایگاه های خود برگرداندم و خانه های ویران آنان را با بنهای خود بازگرداندم.

# سازمان فریگی ایرانیان یهودی - کالیفرنیا

همچنین پیکره خدایان سومر و اکد را که نبودید بدون واهمه از خدای بزرگ به بابل آورده بود، به خشنودی مردوک خدای بزرگ و به شادی و خرمی به نیایشگاه های خودشان بازگرداندم.

## بگوش افتخاری

باشد دل ها شاد گردد.  
بشود که خدایانی که آنان را به جایگاه های میس خودشان باز گرداندم. هر روز در پیشگاه خدای بزرگ برایم زندگانی بلند خواستار باشند...

# مسعودهارونیان

من برای همه مردم جامعه ای آرام فراهم ساختم و صلح را به تمامی مردم اعطا کردم.

سازمان فرهنگی ایرانیان یهودی - کالیفرنیا

پس از ۵ سال تلاش با افتخار منتشر کرد

۲۵ سال خدمات فرهنگی ، اجتماعی و آموزشی  
سازمان فرهنگی ایرانیان یهودی کالیفرنیا

**تاریخچه‌ای از فعالیت های مختلف یهودیان ایرانی**

**پس از مهاجرت به آمریکا**

**و بازگو کننده راز جاودانگی ملت یهود**

کتابی درخور تعمق و بازنگری متعدد که در قسمتی از آن  
شما را با مشاهیر یهودیان که موجب افتخار و مباهات ایران و ایرانیان هستند  
آشنا می سازد.

این کتاب ارزنده در بیش از یکهزار صفحه تنظیم و  
و متجاوز از پانصد عکس بیادماندنی به همراه اسناد و نامه هائی از  
شخصیت های برجسته در آن گنجانده شده است.

برای تهیه این کتاب ارزشمند که قسمتی از تاریخ یهودیان ایرانی در کالیفرنیا را  
در بر میگیرد با نشانی زیر تماس حاصل فرمائید.

Iranian Jewish Cultural Organization of California

P. O. Box 10895  
Beverly Hills, CA 90213

برای تهیه کتاب با H.S.MORTAZAVI Co. وسیله تلفن ۶۶۴۱-۷۳۰ (۸۱۸)  
تماس حاصل فرمائید .



(در عین حال نیاز به یادآوریست که گروه اخوان المسلمین در واقع پدر خوانده همین گروه تروریستی حماس هستند که هم اکنون اسمعیل هانیه مقام نخست وزیری آنها را عهده دار شده است و میگوید صلح و آشتی فقط بشرط بازگشت به مرزهای ششم ژوئن ۱۹۶۷ است در حالیکه خوب میدانند شوخی است و آگاه است که حماس روی کار آمده تا ارايه صلح را بحرکت آورد و شرط اول آن است که عملیات تروریستی را ترک کند. زیرا قطعاً استاد به او فهمانده است که با یک دست نمی توان دو هندوانه برداشت).

واینک خاطرات مردسالخورده یهودی:

جمال مبارک گوشی را برمیدارد و پس از اینکه از درخواست مرد یهودی مصری الاصل آگاه میشود با خوشروئی میگوید: خیلی میل داشتم در رابطه با یهودیان مصری مقیم شرق آمریکا اطلاعاتی بدست آورم و می افزاید فلان ساعت منتظر دیدار شما هستم.

نگارنده بیاد دارم که نام مرد سالخورده و ثروتمند آن شهر فواد بود که وقتی وارد اطاق کار جمال میشود بشدت دچار احساسات میگردد و دستها را بالا میبرد و با صدای لرزانی به زبان عبری میگوید: خداوند یار و نگهدار تو باشد. جمال با لبخند میگوید: پی بردم که در حقم دعا کردید اما میخواهم بزبان عربی نیز بدانم. فواد میگوید: «الله حافظک». جمال دست فواد را میفشارد و میگوید: چرا تعدادی از شما یهودیان در زمان ملک فاروق که در کمال رفاه و آسایش بسر میبردید مصر را ترک کردید؟

فواد میگوید: عالیجناب من بسبب تسلط به زبانهای انگلیسی و فرانسه یکی از تجار معتبر وارد کننده اجناس اروپائی به مصر بودم لکن آنگاه که پس از جنگ دوم جهانی احساس کردم اصرار یهودیان در

مورد اجرای اعلامیه بالفور شرایط زندگی ما را در کشورهای عرب به مخاطره خواهد انداخت مصر را ترک کردم و می افزاید: قطعاً اطلاع دارید که پس از تصمیم سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ و سپس در چهاردهم ماه می ۱۹۴۸ چه صدمات و لطماتی در همان شهر قاهره به یهودیان وارد آمد.

جمال میپرسد: حالا شرایط زندگی شما در آمریکا چگونه است؟ فواد میگوید: نیمی از یهودیان مصری به اسرائیل مهاجرت کردند و نیمه دوم عازم اروپای غربی و آمریکا و کانادا شدند و می افزاید: اکنون در کلیه نقاط یاد شده بخش چشمگیری از یهودیانی که از خاورمیانه و شمال آفریقا به اینسوی جهان روی آورده اند از نقطه نظرهای گوناگون از ترقیبات بسیار تحسین انگیزی برخوردار شده اند.

جمال مبارک میگوید: بهمین سبب است که من همواره به اعضاء هیأت حاکمه مصر یادآور شده ام گذشته ها گذشته، از حالا به بعد درصدد برقراری روابط هرچه بیشتر، گسترده تر و دوستانه تری با دولت و ملت اسرائیل باشید و می افزاید: ما مرزهای طولانی با اسرائیل داریم که لازم است چه از نقطه نظر صنعت توریسم، چه داد و ستد بازرگانی و ارتباطات علمی و فنی بین دو کشور توسعه بدهیم.

فواد میگوید: فردا شنبه است ممکن است محبت بفرمائید و بین ساعت ده صبح تا ساعت ۱۱ به کنیسای ما بیایید و با بسیاری از یهودیان مصری دیدار و ملاقات داشته باشید؟

جمال میگوید: با کمال میل برای چند دقیقه ای به آنجا خواهم آمد. منتهی از شما تقاضا دارم این موضوع را تا لحظه ورودم به کنیسا با احدی درمیان نگذارید.

فواد دست راستش را بروی چشم میگذارد و با زبان عربی میگوید: به روی

چشم.

در رأس موعود مقرر جمال مبارک بوعده خود وفا میکند و آنگاه فواد بلافاصله جلو بلندگو میرود و با صدای بلند میگوید: خانمها و آقایان، امروز ما افتخار دیدار با میهمانی بسیار عزیز و دانشمند عالیقدری را داریم که یکی از چهره های بسیار درخشان و ممتاز دنیای عرب بشمار میآیند و ایشان همان جمال مبارک، فرزند خلف حسنی مبارک، ریاست جمهوری مصر هستند که جمعیت بلافاصله از جای برمیخیزند و به کف زدن ممتد میپردازند. جمال مبارک در حدود ده دقیقه در عیادتگاه یهودیان میماند با تعدادی از یهودیان مصری که سالها است آن کشور را ترک کرده اند به گفتگو میپردازد و از بسیاری از آنها میشود که ظرف سالهای گذشته بسبب خاطرات بد و خوبی از سرزمین فراغنه دارند یک یا چند بار به قاهره سفر کرده اند. جمال مبارک همان نقطه خطرهای را که در رابطه بین دو کشور مصر و اسرائیل به فواد یادآور شده بود، برای یهودیان مصری تجدید میکند و با خاطری خوش از ابراز محبت و پذیرائی و حقشناسی یهودیان مصری الاصل آنجا را ترک میکند.

در هر صورت بسیاری از وسائل ارتباط جمعی اسرائیل عقیده دارند از آنجا که حسنی مبارک هم اکنون در ۷۸ سالگی احساس پیری و خستگی میکنند، به احتمال بسیار جمال مبارک تا دو سه سال آینده از طرف مجلس قانونگذاری مصر بجای پدرش به رهبری ملت مصر برگزیده خواهد شد. لکن جمال همه این نقطه نظرها و شایعات را مردود میدانند و میگوید من کماکان در همان سمت فعلی خود بمراتب بهتر میتوانم خدمتگزار صدیق و وفادار دولت و ملت مصر باشم و تحت هیچ شرایطی در نظر ندارم که بجای پدرم رهبری کشورم را عهده دار بشوم.

# سازمان بانوان یهود و جایزه شمسی حکمت

سازمان بانوان یهود ایرانی همه ساله بمنظور تشویق بانوان ایرانی تبار که از نظر تحصیلات دانشگاهی، حرفه‌ای، هنری و اقدامات بشردوستانه در سطح جهانی ممتاز میباشند، چند بانوی پیشرفته را انتخاب و طی مراسمی بعنوان برنده «جایزه شمسی حکمت» بجامعه معرفی مینماید. برندگان انتخابی سال ۲۰۰۶ بترتیب عبارتند از خانم لورا لوی معراج، خانم فریده دیانیم گلدین و خانم دکتر پوپک کرمانی. این سه بانوی پیشرفته در تاریخ ۱۲ مارچ ۲۰۰۶ طی یک شب نشینی بسیار دلپذیری لوح‌های خود را از دست اعضاء سازمان بانوان دریافت نمودند.

خانم لورا لوی معراج که در آن شب توسط خانم دکتر شارونا نظریان برادران یکی از اعضاء جوان سازمان بانوان معرفی و لوح خود را از خانم مهری سینائی، یکی از مؤسسين و رؤسای سابق سازمان دریافت نمود، متولد تهران و از آغاز نوجوانی مقیم آمریکا میباشد. او فارغ التحصیل دوره لیسانس از دانشگاه USC و فوق لیسانس در رشته هنر از دانشگاه NYU در نیویورک میباشد. لورا طی سی سال گذشته به نقاشی، مجسمه سازی و عکاسی اشتغال داشته است و کارهایش در سراسر آمریکا و نقاط مختلف جهان در نمایشگاههای خصوصی و عمومی بصورت موقت و یا دائم بمرض نمایش گذاشته شده است. علاوه بر کارهای هنری، او در خدمات انسانی نیز نقش مهمی را ایفا کرده است. از آنجمله میتوان بخدمات لورا در فعالیت های یهود

ستیزی در Shoah Foundation, ADL که اشتغال به ضبط وقایع کشتار دسته جمعی نازیها دارد، اشاره نمود. از سایر فعالیت های بشردوستانه ایشان باید از کمک های او و همسرش آقای دیوید معراج در برنامه های HIAS در مورد مهاجرین ایرانی در اروپا، تأسیس برنامه Queen Esther Foundation در اسرائیل برای مهاجرین ایرانی و همچنین همکاری با دولت اسرائیل برای نوسازی صحرای Negev نام برد.

بر دهها فعالیت اجتماعی و بشردوستانه این زوج خیرخواه و خدمتکار باید فعالیت های فرهنگی را نیز اضافه نمود. از جمله فعالیت های فرهنگی لوراءعضویت او در هیئت امنای دانشگاه تلاویو و برنامه پژوهش یهودیان ایرانی بنام مرکز حبیب لوی میباشد. وجود لورا بعنوان یک بانوی ایرانی و خدمات گسترده جهانی او برای جامعه ایرانی و زنان ایرانی افتخار آفرین است. برای دیدار از شرح کارهای هنری خانم لورا معراج میتوان به سایت اینترنت ایشان مراجعه نمود: [www.lauramerage.com](http://www.lauramerage.com) برنده دیگر «جایزه شمسی حکمت» خانم فریده دیانیم گلدین نویسنده کتاب «ترانه عروسی» میباشد. ایشان توسط اعضاء دیگر سازمان، خانم دکتر فیروزه رهبر بخشیان معرفی و لوح خود را از دست خانم دکتر ناهید پیرنظر آبرمن دریافت نمودند.

فریده متولد و بزرگ شده شیراز میباشد. او در اواخر تحصیلات دانشگاهی

خود در دانشگاه پهلوی به آمریکا مسافرت نموده، درجه لیسانس خود را در رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه Old Dominion در ویرجینیا دریافت مینماید. سپس تحصیلات خود را در همان دانشگاه در رشته پژوهش زنان ادامه میدهد و در سال ۱۹۷۶ از آن دانشگاه فارغ التحصیل میگردد. فریده بخاطر تشویق های صمیمانه خانواده‌اش و بخاطر عشق سوزانی که همیشه در قلبش برای نوشتن وجود داشت، پس از گذشت سالها دوباره بدانشگاه برمیگردد و سال ۱۹۹۵ مدرک MFA را در رشته نویسندگی دریافت میکند.

کتاب فریده بنام «ترانه عروسی» که بزبان انگلیسی نوشته شده است، در حقیقت تز فارغ التحصیلی او در رشته نویسندگی میباشد که در سال ۲۰۰۴ کاندیدای دریافت جایزه نویسندگی در کتابخانه ویرجینیا گردید. شرح این کتاب را در نقد خانم دکتر ناهید پیرنظر که در همین شماره مجله شوفاژ بچاپ رسیده است میتوان مطالعه نمود.

از فریده مقالات و نوشته‌های بیشتری وجود دارد که با رجوع به آدرس او در اینترنت میتوان آنها را پیگیری نمود: [www.faridehgoldin.com](http://www.faridehgoldin.com)

و بالاخره برنده دیگر «جایزه شمسی حکمت» خانم دکتر پوپک کرمانی میباشد که توسط خانم دکتر نوشین ادهمی یکی دیگر از اعضا سازمان بانوان معرفی و لوح خود را از خانم ویکتوریا طوبیا، یکی از اعضاء و بنیانگذاران اولیه سازمان دریافت نمودند. خانم پوپک کرمانی درجه مهندسی خود را از دانشگاه McGill و فوق لیسانس خود را در رشته مهندسی بیومدیكال از دانشگاه پلی تکنیک مونترال دریافت نموده‌اند. او پس از اشتغال بکار بعنوان مهندس در سیستمهای «خلبان

## کنفرانسی مفید و آموزنده بهره‌مند از دانش دو پزشک عالیقدر ایرانی

اعصاب درباره یکی از تخصص های خود نخاع و ستون فقرات، بیماریها و آسیب های مختلف صحبت کردند و با تصویر در مورد طُرق چندگانه جراحی مهره های کمر و پشت اطلاعات مفید و آموزنده ای ارائه دادند.

ایشان به تغییرات حرکت و کارانی شخص گرفتار به بیماریهای ستون فقرات که منجر به محدودیت فرم زندگی و تحمل درد شدید میگردد اشاره نموده و آگاهی های مفیدی بدست دادند که برای حاضرین مهم و جالب بود. یادآوری میشود که هرچند موضوع کنفرانس در سطح بالا و پیچیده علمی بود، روش ارائه مطالب و کلام جذاب سخنرانان فضای دلپذیر و آرامی فراهم آورده و حاضرین با شوق و کنجکاوی مطالب را دنبال میکردند.

در این وقت خانم پروانه یوسف زاده با ابراز خوشوقتی و قدردانی صمیمانه از حضور و صرف وقت دو دانشمند برجسته و عالیقدر، پلاک های تقدیری از سوی سازمان بانوان بنی بریت تقدیم حضورشان نموده و از حاضرین دعوت کردند تا به طرح سئوالات خود بپردازند. کثرت سئوالات و شوق دریافت پاسخ باعث شد که جلسه مدتی بیش از وقت تعیین شده قبلی ادامه یابد.

عده ای از حاضران در کنفرانس و گروهی که موفق به شرکت در این برنامه نشده بودند، مصراً درخواست تجدید آنرا نموده اند.

در پی سری کنفرانس های علمی، آموزشی سازمان بانوان بنی بریت، گروه فریبز مطلوب بیاد شادروان دکتر پرویز پیرنظر، اولین کنفرانس سال ۲۰۰۶ در تاریخ چهارشنبه ۸ مارچ ساعت ۷ بعدازظهر برگزار شد. این کنفرانس درباره دو بیماری مهم و شایع یعنی آرتروز و سلسله اعصاب و مغز یا نخاع بود.

نخست خانم ژاکلین احدوت از سوی سازمان بحاضران خوش آمد گفته و با اشاره به مبدا آغاز این سری کنفرانس ها که بیاد شادروان دکتر پرویز پیرنظر پاگرفته، توضیحات ضروری در باره برنامه بیان داشتند. سپس خانم دکتر سیما برآوریان ضمن معرفی سخنرانان، شرحی درباره مدارج تحصیلی و مقام ممتاز علمی، همچنین جایگاه پرافتخار خدمات مبتکرانه پزشکی آنان در این کشور ارائه نموده و آغاز سخنرانی را اعلام کردند.

آقای دکتر شیرزاد ابراهیمیان، ارتوپد و جراح مفاصل و استخوان که یکی از رشته های تحصیلی شان آرتروز میباشد مشروحاً و همگام با تصاویر مخصوص در رابطه با آرتروز به سخنرانی پرداختند. ایشان در تشریح انواع مختلف آرتروز خاطرنشان ساختند که هرچه معالجه آرتروز زودتر آغاز گردد، نتیجه بهتری خواهد داشت. تشخیص این بیماری در ابتدا کمی مشکل است، لیکن با پیشرفت بیماری تشخیص آسان ولی معالجه دشوار میگردد. آقای دکتر عاشر تابان، جراح مغز و

خودکار» و تخصص در ساختن دستگاههایی که برای تمرین خلبانی و پرواز بوسیله شرکت های هواپیمائی استفاده میشود، تحصیلات خود را در رشته وکالت و تخصص در «قوانین پروازهای هوایی» Air Space Law تا اخذ دکترا در این رشته ادامه داد. پوپک متولد و بزرگ شده همدان میباشد. پس از نقل مکان به تهران بدنبال انقلاب، همراه خانواده اش به کانادا مهاجرت نمود و در آنجا اقامت گزید. بعلت زندگی در کانادا و همچنین اقامت در پاریس، علاوه بر تسلط بر زبانهای فارسی، انگلیسی و عبری با زبان و ادبیات فرانسه نیز آشنائی کامل دارد. اما علاقه اصلی او پس از رشته تخصصی اش متوجه یادگیری تاریخ یهودیان اروپا و عقاید و گرایش های دینی آنان بوده است. این دوشیزه جوان بعنوان مهندس در سیستمهای «خلبان خودکار» Auto Pilot و با داشتن درجه وکالت در امور قضائی بی شک مایه افتخار تمام جامعه ایرانی میباشد.

برنامه جشن سازمان بانوان با خواندن سرودهای ملی توسط خانم شارونا کیان مهد و خیرمقدم خانم لونیز گلشن، رئیس سازمان بانوان آغاز و برگرداندگی افتخاری آقای فریبز داودیان در تمام شب ادامه یافت. هنر و استعداد خاص این جوان ایرانی در تنظیم و اجرای برنامه لطف خاصی به برنامه آن شب داده بود. این شب مصادف با هفته پوریم و عید نوروز باستانی بود. میز هفت سین و عروسکهای ایرانی بر روی میزها تهیه شده توسط خانم ویکتوریا طوبیا، لطف زیبایی به سالن و برنامه انشب داده بود. رقصهای اسرائیلی گروه Cachet Chaim، اجرای افتخاری خواننده گرام آقای بهرام فروهر و برنامه موسیقی آقای پروژاد، شبی خاطره انگیز را برای برندگان «جایزه شمسی حکمت» و مهمانان جشن سالانه سازمان بانوان یهودی ایرانی بجای گذاشت.

## اسرائیل و دشمنانش



مرد و کودک قربانی حادثه یازده سپتامبر، با قبول همه خطرات بمیدان محسنی تهران می آیند. دشمنان اسرائیل صاحبخانه چغیه پوش چهره‌هایی ترسناک‌اند که در غزه، جنین و بعلبک به خیابان میریزند، برای قتل هزاران انسان بیگناه شادی، هلهله و پایکوبی می کنند، صداهای عجیب و غریب در می آورند و تیر هوایی شلیک می کنند.

۵- برای دشمنان اسرائیل فرقی نمی کند، تعجب نکنید که آنها دشمن همه چیزهای خوب عالم‌اند. دشمن موسیقی، سینما، بوسه، دختر و پسری که دست در دست هم راه میروند، دشمن همه خوبیه‌ها و زیبایی‌ها، بمب‌هائی که در مادرید و لندن منفجر میشود، رفیق حریری نخست وزیر محبوبی که در آتش وحشت بشار اسد از طلوع آزادی میسوزد، شهروندان بیگانه‌ای که طعم نفرت بربری دشمنان اسرائیل را می چشند و ...

دوستان من مشکل دقیقا همینجاست، دشمن اسرائیل دشمن تلاویو نیست به شکلی دشمن نوع انسان شده است در زمانه ما.

نگارنده این خطوط جایزه میدهد به شما اگر بتوانید یک حکومت متخاصم با اسرائیل را معرفی کنید که شهروندان عادی خود را قتل عام نکرده باشد، یک حکومت دشمن و حتی مخالف اسرائیل را معرفی کنید که از یک روزنامه و فقط یک روزنامه آزاد برخوردار باشد. یک حکومت دشمن اسرائیل را معرفی کنید که زنان در آن حداقل از حقوق برابر با حیوانات برخوردار باشند. سنگسار و شکنجه نشوند. در اسرائیل بمبگذاران انتحاری زنده مانده و یا بازداشت شده، از حق انتخاب تعداد نامحدودی وکیل برخوردارند. هزینه وکلا از محل مالیات شهروندان اسرائیلی توسط دولت پرداخت میشود. زندانیان همه حق

اله خمینی است یا اکبر محترمی و یا محمود احمدی نژاد. دشمن اسرائیل الومصعب الزرقاوی است که مثل پوست کندن خیار آدم سر می برد جلوی دوربین، دشمن اسرائیل موسوی خمینی است که فتوای قتل نویسنده‌ای را چون باب میلش ننوشته است صادر میکند. خوابنا میشود و با یک دستخط هزاران انسان بیگناه یا کم گناه را بکام مرگ میفرستد.

۳- دشمن اسرائیل جمهوری اسلامی ایران است، جمهوری عربی خلق سوریه، امارات اسلامی افغانستان (طالبان) و جمهوری خلق عراق (صدام) است. دوستان و شرکای اسرائیل عبارتند از: بلژیک، آلمان، سوئیس، بریتانیا، کفایت آزادیهای مدنی - سیاسی در کشورهای حامی اسرائیل را با رفتار رژیمهای مخالف این کشورها مقایسه کنیم تا تصویر شفاف و بدون خدشه مدنیت در برابر توحش برابر چشمانمان پدیدار شود.

۴- دوستان اسرائیل جیوانان آراسته و مدرنی‌اند که شمع در دست برای همدردی با هزاران هم‌نوع خود، صدها زن و

۱- دوستان اسرائیل عبارتند از آدم‌هائی مثل آلبرت انیشتاین، سیمون ویزنتال، تقریبا تمامی برندگان جوایز نوبل فیزیک، شیمی، طب، سرشناس ترین آکادمیسین های جهان در علوم تجربی و انسانی، مجرب ترین پزشکان، شاخص ترین هنرمندان سینما، تئاتر و موسیقی جهان، گردانندگان صنعت تلویزیون و سرگرمی در غرب و خلاصه هر جا که نبوغ و خلاقیت تکنیکی عصر جدید می‌درخشد، نشانی هم هست از علاقه به اسرائیل. خوشمان بیاید یا نه.

۲- دشمن اسرائیل، انسانی است که به شیوه هفت هزار سال قبل می زید. سیمای او، پوشش او، بوی بدن و پاهایش، رفتار او با همسر و فرزندانش، خانه یا غاری که در آن زندگی می کند، کلماتی که برای حرف زدن انتخاب میکند، میزان آگاهی‌اش از پدیده های دنیای جدید و خیلی چیزهای دیگر.

دشمن اسرائیل بن لادن است یا همان سیما که گفتم، ایمن ظواهری است و یا ابو مصعب الزرقاوی. دشمن اسرائیل روح



ملاقات دارند. در سلول انفرادی نگهداری نمی شوند، سازمانهای حقوق بشری و مطبوعات حق دسترسی شبانه روزی به آنان را دارند. مقایسه کنید این حقوق را با حقوق یک نمونه مثلا اکبر گنجی در اوین.

۶- خوششان بیاید یا نیاید، دوستی یا دشمنی اسرائیل ملاک انتخاب است میان تمدن و بدویت. این یک حکم راستگرایانه، نئوکنسرواتیو و غیر انسانی نیست. این واقعیت دنیای امروز ماست. قبول ندارید، کاغذ و قلم بردارید، خطی وسط صفحه بکشید، دوستان و دشمنان اسرائیل را یک بیک روی سمت راست و چپ خط حائل روی کاغذ آورید. نوشته خود را چند بار خوب نگاه کنید و بعد لطفا از خود خجالت بکشید، اگر تا دیروز نامتان در کنار بن لادن، احمدی نژاد، خامنه‌ای و الزر قاوی بود.

۷- اسرائیل پاره‌ای از هویت تاریخی ما ایرانیان است. کورش کبیر و دیگرانی که مظاهر ایرانیت مایند، در اسرائیل از ایران عزیزتر و گرامی ترند، دشمنان اسرائیل - اعراب افراطی - خطرناکترین دشمنان تاریخی و معاصر ایران زمین‌اند.

در اسرائیل اما، رئیس جمهور و بسیاری از مقامات عالی‌رتبه اسرائیل، ایرانیانی‌اند که برخلاف بسیاری از دیگر ایرانیان به ایرانی بودن خود هنوز افتخار می کنند.

اسرائیل یعنی قویترین اقتصاد خاورمیانه، شکوفاترین رشد تکنولوژیک این منطقه از جهان، بالاترین ضریب دمکراسی، رعایت حقوق بشر، آزادیهای مدنی - مطبوعات و حقوق سیاسی شهروندان در خاورمیانه. جملات بالا بگوش بسیاری از قربانیان ماشین پروپاگاندای نظام اسلامی نا اشناست. جملات بالا برای بسیاری از

قربانیان ماشین تبلیغات استالین و گوبلز هم نامفهوم است. نگران نباشیم، چرخ زمان به نفع انسان و آزادی می‌گردد. دیده قربانیان دروغ، رفته رفته برحقایق گشوده میشود. ماهها پس از سقوط طالبان بسیاری از زنان و دختران افغان هنوز باور نمی کردند که اگر برقع را کنار زنند، اعدام نخواهند شد. باور نمی‌کردند که خداوند فعلا تصمیم ندارد زنان بدحجاب را به سگ، خوک و یا حیوانات موذی تبدیل کرده، عذاب نماید. نگران نباشیم. مدتی طول

کشید تا دستها پیش رفت، برقع ها کنار زده شد، خوشه‌ای از مو روی پیشانی ریخت. گل لبخند شگفت و بسیاری تازه حضور زیبای آزادی را باور کردند.

حکایت ما و بسیاری از روشنفکران اسرائیل ستیز، غرب ستیز، عشق ستیز و خود ستیز نسل دیروز این بود، نگران نباشیم.

سطرهائی که از نظر گذشت، تازه آغازین راه است ...

## آسیه

ادامه از صفحه ۴۰

را فرو می‌خورد گفت:

-: محمود تو اینجا چه میکنی؟

-: قربان آسیه میگفت اطاقش خیلی گرم است، من اطاق خودم را که آنطرف حیاط است باو دادم. آخر ما سیستمی ها بگرما عادت داریم! ولی شما چه می کنید. . . ها؟ بلکه خدای نکرده کسالتی دارید؟

اکبر دستی به پیشانی خود مالیده گفت:

-: درست حدس زدی، پاشو یک استکان غلیظ قهوه درست کن بیار اطاق من.

محمود در حالیکه چشمهایش را میمالید و تبسم ابلهانه‌ای بر لب داشت بی آنکه کوچکترین سوء ظنی ببرد از رختخواب خارج شده به آشپزخانه رفت، اکبر هم با بی حالی از پله ها پائین آمده به اطاق خود رفت و بروی تخت افتاد.

در آشپزخانه صدای بهم خوردن ظروف لعابی و وزوز یکتواخت و خواب آور چراغ پریموس بگوش میرسید و در آنطرف حیاط آسیه بی خبر از آنچه در خارج میگذشت در خواب شیرینی غوطه میخورد، کسی چه میداند، شاید خواب میدید، خواب میدید که در ده خودشان در مازندران است و با احمدقلی پسر همسایه در پشت درختهای سیب بدنبال هم میدوند و یکدیگر را میبوسند و احمدقلی با دستهای قوی و پینه بسته خود او را محکم به سینه میفشارد و لبان سرخ و گوشت آلود او را می بوسد. ....

## یهودیان اروپا

ادامه از صفحه ۶۰

در اطریش ۱۸۰/۰۰۰ برابر ۲/۲۳٪ شهروندان.  
در دانمارک ۱۰۸/۰۰۰ برابر ۲٪ شهروندان آن.  
در پرتغال ۵۰/۰۰۰ برابر ۰/۱۵٪ شهروندان آن.  
در فنلاند ۱۰/۰۰۰ برابر ۰/۱۱۸٪ شهروندان آن.  
در لوکزامبورگ ۵/۵۰۰ برابر ۱/۱٪ شهروندان.  
بدین روی دیر یا زود آرامش این کشورها بهم خواهد ریخت، همانگونه که استاد من میگفت: قیامت گرچه دیر آید، بیاید.

در آلمان ۲/۸۶۰/۰۰۰ برابر ۲/۲۴٪ شهروندان آن.  
در انگلستان ۱/۶۱۵/۰۰۰ برابر ۲/۲۱٪ شهروندان.  
در هلند ۹۷۷/۰۰۰ برابر ۶٪ شهروندان آن.  
در ایتالیا ۸۱۸/۰۰۰ برابر ۱/۱۴٪ شهروندان آن.  
در اسپانیا ۴۷۵/۰۰۰ برابر ۱/۱۱٪ شهروندان آن.  
در بلژیک ۳۷۰/۰۰۰ برابر ۲/۲۴٪ شهروندان آن.  
در سوئد ۲۳۰/۰۰۰ برابر ۲/۲۱٪ شهروندان آن.



## آیا در مورد آینده خود با نزدیکان صحبت کرده‌اید؟

مینو مقیمی حکیمی

در سال گذشته، یکی از جنجال برانگیزترین ماجراهای آمریکا که از جانب رسانه های گروهی به دقت هر روز مورد بررسی قرار می گرفت، مورد زنی بنام «تری شیاوو» بود. این خانم که سالها توسط دستگاههای مختلف به زندگی سبزیجاتی خود ادامه میداد و هیچگونه فعالیت مغزی نداشت، بالاخره به اصرار شوهرش و پزشکان به ادامه حیات او خاتمه داده شد. در حالیکه خانواده تری شیاوو اصرار بر آن داشتند که دستگاههای بقای حیات را از بدن او خارج نکنند. آنها اصرار بر آن داشتند که تری قادر به درک گفتار است ولی

از نظر یهودیت خاتمه زندگی توسط بشر قابل قبول نیست و خلاف شرع بحساب می آید ولی هر فرد بنا به اعتقادات خود بطریقی با خویشاوندان در مورد آینده خود اظهار نظر نموده است.

قدرت تکلم ندارد و در مغز او فعالیتهای طبیعی دیده می شود. با بالا گرفتن این جریان و وارد شدن دستگاههای مختلف حکومتی، مردم آمریکا را بر آن داشت که برآینده خود نگرش دیگری اندازند. بعلت موقعیت شغلیم، بارها شاهد

اینگونه تضادها بوده‌ام. افراد بسیاری در نقاهتگاه های آمریکا از طریق اینگونه دستگاههای «بقای حیات» سالها به زندگی سبزیجاتی خود ادامه میدهند و قسمت عظیمی از بودجه ایالتی و فدرال صرف نگاهداری این افراد می شود. شاید به جرأت میتوان گفت که یک سوم بیماران نقاهتگاهها را این افراد تشکیل میدهند. هر ماهه مبالغی برابر پنج تا هفت هزار دلار صرف هریک از این بیماران می شود.

تناقض مذهب و علم در این موارد بحث های بسیاری را بر می انگیزد. در مورد فوق رسانه های نوشتاری مذهبی به دفاع از والدین تری پرداختند و خاتمه زندگی او را دور از اخلاق و بشریت قلمداد کردند. مراکز پزشکی و علمی و اکثر پزشکان بدفاع از شوهر او برای خاتمه زندگی گیاهوار او نظر دادند.

از نظر یهودیت خاتمه زندگی توسط بشریت نیز قابل قبول نیست و خلاف شرع بحساب می آید. ولی هر فرد بنا به اعتقادات خود برداشتی بر این معضل داشته و با خویشاوندان خود بطریقی در مورد آینده خود اظهار نظر نموده است.

طبیعتاً هر فردی بطریقی این دار فانی را وداع میگوید و عمر ابدی میسر نمی باشد. ولی ترس از مرگ و اضطراب در سنین بالا و تغییر و دگرگونی وضعیت جسمانی یا بیماری و یا حادثه ناگهانی یکسری سئوالات را مطرح میکند. از آنجا که سیستم پزشکی کشورهای پیشرفته جهان عمر بشر را طولانی می کند، بهتر است هر فردی در مورد آینده خود این سئوالات را مطرح کند.

افراد سالم و کسانی که بتازگی بیمار شده‌اند

سئوال اول: چه کسی در زمانی که

شما قادر به تصمیم گیری نیستید برای شما تصمیم میگیرد؟

**سئوال دوم:** زمانی که بطور کامل قدرت مغزی و جسمانی خود را از دست داده‌اید به چه کسی اجازه می‌دهید که برای آینده شما تصمیم گیری کند و چه مکانی را برای خود تعیین می‌کنید. با چه کسی می‌خواهید زندگی کنید. بطور مثال تصمیم دارید در منزل بمانید و با همسر خود زندگی کنید و یا نمی‌خواهید او در زحمت بیفتد. می‌خواهید به ناهتگاه بروید و یا اگر تنها هستید ترجیح می‌دهید یک نفر پرستار در منزل از شما نگهداری کند و یا به منزل فرزندان بروید؟

**سئوال سوم:** آیا مذهب در تصمیم گیری شما دخالت دارد؟ بطور مثال اگر هیچگونه فعالیت مغزی نداشته باشید و از طریق دستگاههای بقای حیات به ادامه زندگی پرداختید، چه تصمیمی می‌خواهید در مورد شما گرفته شود. افراد بسیار مذهبی در بسیاری از موارد از خروج دستگاههای بقای حیات خودداری می‌کنند.

افرادى که دچار بیماریهای پیشرونده و غیرقابل درمان هستند

تمامی سئوالات اول در مورد این افراد صادق است.

**سئوال اول:** درمان را تا چه زمانی می‌خواهید ادامه دهید؟

**سئوال دوم:** چگونه و با چه طریقی میتوان راحتی و آرامش شما را فراهم کرد؟ بطور مثال بعضی از افراد ترجیح میدهند در مورد بیماریشان با کسی صحبت نشود و کسی به ملاقات آنان نیاید. و عده‌ای تمایل دارند در میان دوستانشان و افراد فامیل، بقیه عمر خود را گذرا باشند. عده‌ای با موسیقی به آرامش میرسند و عده‌ای از

طریق سخن گفتن و درد دل کردن.

افرادى که عمرى کوتاهتر از یکسال دارند

سئوالات فوق در مورد این افراد صادق است.

**سئوال اول:** در زمانی که احتیاج به تصمیم گیری در مورد احیاء قلب و ریه (CPR) بیمارستان و یا تغذیه از طریق شکم و یا بینی داشته باشید، چگونه می‌خواهید در مورد شما تصمیم گیری شود؟

**سئوال دوم:** چگونه می‌خواهید این زمان کوتاه که از عمر شما باقی مانده گذرا باشید؟

بطور مثال، به مسافرت کوتاه بروید، در کنار خانواده و دوستان گذران زندگی کنید، مقداری از پول خود را به انجمن‌های خیریه بدهید و یا کتاب و شعر بخوانید و غیره.

**سئوال سوم:** ترس و نگرانی‌های شما در مورد بیماری شما چه است؟ آنرا بر روی کاغذ بیاورید و می‌خواهید باشما چه

کنند؟

**سئوال چهارم:** و بالاخره می‌خواهید افراد نزدیکتان بعد از مرگ چه مراسمی برای شما برگزار کنند؟ آیا ترجیح می‌دهید پول مراسم ختم به خیریه برود؟ چه عملی را برای مراسم ختم انتخاب می‌کنید و غیره.

**سئوال پنجم:** در مورد امسال شخصی خود و مسائل کوچک و بزرگی که در طول زندگی آنها را دوست داشتید و به آن علاقه می‌ورزیدید، چه تصمیمی می‌گیرید؟ عده‌ای انگشتر ازدواج خود را به یکی از نوادگان خود می‌دهند و یا کتابهای شعر و توراهاى خود را به یکی از بچه‌های خود واگذار می‌کنند.

هرچند تعیین این گونه سئوالات بسیار دردناک می‌باشد ولی آرامش خاطر خود و خانواده را ایجاد می‌کند. فراموش نکنیم که ما در کشور آمریکا از بسیاری از امکانات پزشکی و تسهیلات گوناگون برخورداریم و سخن گفتن در این موارد در این کشور بسیار ضروری و با ارزش می‌باشد.

## خدمات صندوق اضطراری فدراسیون در سال گذشته

- 1- توزیع کوپن خرید مایحتاج مواد غذایی و کوپن برنج در ایام روش هشانا کیپور و همچنین ایام موعود نیسان در یکسال گذشته بمبلغ ۲۲۲۵۰ دلار.
- 2- کرایه منزل خانواده‌هائی که در معرض اخراج بوده‌اند، شش خانواده و بمدت سه ماه کرایه.
- 3- معرفی بیماران فاقد بیمه سلامتی به پزشکان و متخصصین برای تشخیص و درمان (۲۴ مورد).
- 4- کمک‌های اولیه بمنظور راه اندازی کسب بمبلغ ۶۵۰۰ دلار.
- 5- کمک به سه یتیم خانه و مرکز نگهداری اطفال بی سرپرست دوبار در سال جمعا ۳ هزار دلار.
- 6- کمک بخانه سالمندان تهران ۱۰۰۰ دلار.
- 7- کمک‌های فرهنگی و کمک‌هایی در رفع مشکلات خانواده‌ها و نیازمندیهای مختلف ۲۸۰۰ دلار.

همه افراد گروه بهنگام ترک اسرائیل به اعضاء خانواده خود گفته بودند که به یک کشور دوست و خالی از خطر میرویم و از آنها خواسته بودند هرگز در این مورد با کسی سخن نگویند.

## عملیات حیرت انگیز و خطرناک

# مردان اسرائیلی در عراق

آنچه را که ساکنان دنیای خارج از اسرائیل در رابطه با شگفتی های علمی و صنعتی در رده های گوناگون میدانند بمراتب پیشرفته تر از آنست که آنها می اندیشند.

سازمان تشکیلات مرکزی نوابغ اسرائیل آنقدر از اهمیت علمی، تجسسی، تحقیقاتی و ابتکاری برخوردار است که عملیات و اقدامات آنان کاملاً سری و پنهانی صورت میگیرد این سازمان یکی از ارکان بسیار مهم پشت پرده دولت اسرائیل بشمار میرود که گهگاه بدون تعیین وقت با رده های مختلف مملکتی اعم از سیاسی، نظامی، اجتماعی، امنیتی و تسلیحاتی تماس گرفته و به راهنمایی آنها میپردازند.

تعدادی از مردان و جوانان نسل دوم ایرانی تبار اسرائیل در این تشکیلات عضویت موثر دارند.

سازمانهای امنیتی و اطلاعاتی (موساد) که با همکاری تنی چند از بازرگانان ثروتمند اسرائیلی، بقصد تعلیم عملیات ضد تروریستی و هم چنین انواع و اقسام عملیات ساختمانی، راه سازی، عمران و آبادی و حتی احداث فرودگاه از اواخر سال ۲۰۰۳ عازم کردستان عراق شده اند و با

تنظیم و ترجمه: سیروس حلاوی  
و روتی صیونی

گزارش از عملیات و اقدامات بسیار خطرناک و دلهره برانگیز تعدادی از مردان اسرائیلی است که خدمت سربازی کرده و همراه با برخی از صاحب منصبان بازنشسته

انتقال دستگاهها و وسائل گوناگون از قبیل بولدوزر، لودر، گریدر، غلطک و به همراه داشتن تعدادی سگهای تربیت شده در حومه شهر اربیل مستقر شده و با اقدامات و عملیات خود، حیرت و شگفتی بسیاری از ساکنان خاورمیانه و احیاناً سایر کشورهای جهان را موجب شده اند. محل کار و عملیات آنان بیخ گوش افراد وابسته به گروه القاعده و مهمتر از آن در چند ده کیلومتری از مرزهای جمهوری اسلامی ایران بوده است.

گروه یاد شده علاوه بر اقدامات فوق مأمور تعلیم عملیات ضد تروریستی به جوانان کرد نیز بوده اند، که تمام این اقدامات بدون دخالت دولت اسرائیل صورت گرفته است.

حضور و اقدامات این گروه در کردستان شمالی عراق در طول دو سال و چند ماه اخیر آنچنان با موفقیت همراه بوده که بخش اعظم اهالی آن منطقه در آرزوی بازگشت آنان و ادامه عملیات عمران و آبادی و هم چنین تعلیم عملیات نظامی و ضد تروریستی به مردم آن منطقه بسر میبرند.

پی ریزی این عملیات بگونه ای بسیار سری و پنهانی در اوائل سال ۲۰۰۳ در شهر واشنگتن بین فرهاد بارزانی و آقای مایکلز (یکنفر یهودی آمریکائی مهاجرت کرده به اسرائیل) صورت گرفته و موجب شده است تا بلافاصله از وسائل پیش گفته و مورد نیاز گروه به اربیل حمل گردد و بدنبال آن گروه ماجراجوی اسرائیلی با استفاده از البسه و پوشاک محلی خود را بمنطقه برسانند و عملیات پیش گفته را آغاز نمایند.

نیاز به یاد آوریت که نفرات گروه بهمراه خود نیز وسائلی بسیار مدرن و پیچیده تحقیقاتی، علمی و تجسسی از همان نوعی که در اسرائیل مورد استفاده قرار میگیرد را بمنطقه انتقال داده اند.

هم چنین بد نیست به اطلاع خوانندگان گرامی برسد که خرید و مسائل سنگین راهسازی و انواع کامیونهای کمپرسی و غیره بقصد پنهان نگاه داشتن عملیات گروه اسرائیلی با استفاده از میلیونها دلار وجوهی که حکومت محلی کردستان در اختیار گروه قرار داده از عمان پایتخت اردن یا بغداد خریداری شده و به اربیل منتقل شده است و بخشی از لوازم فنی و الکترونیکی مورد لزوم نیز از کمپانی «موتور ولد» خریداری شده و چنانچه نیازی به نرم افزارهای اسرائیلی بوده، از تلابو به یک کشور اروپائی حمل شده و از آنجا بمقصد اربیل فرستاده شده است. قطعاً خوانندگان گرامی در می یابند که همه این نهران کاریها بقصد این بوده است که افراد القاعده یا عمال جمهوری اسلامی ایران پی به هویت گروه فعال و کارساز اسرائیلی نبرند.

یدیعت در ابتدای گزارش خود مینویسد: مبتکر اصلی آن سازمان در واقع آقای «دانی یاتوم» نماینده مجلس شورای اسرائیل و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آن کشور در زمان صدارت بنیامین نتنیاهاو بوده است. در حالیکه خود وی میگوید: من مدتی بود پس از شروع عملیات بهر علت همکاری با گروه فعال در کردستان عراق را ترک گفتم و جای خود را به آقای مایکلز سپردم.

مایکلز، یهودی آمریکائی سالها است به اسرائیل مهاجرت کرده و در یک کسبوتص سکونت اختیار نموده است. تحصیلات مایکلز در دانشگاه هاروارد صورت گرفته و موفق به دریافت عنوان استادی شده است لیکن خود وی علاقدای نشان نمیدهد که او را استاد خطاب کنند.

رهبری عملیات گروه اسرائیلی در شمال کردستان عراق را یکی از برجستگان



مایکلز، آمریکائی یهودی که سالها قبل به اسرائیل مهاجرت کرده و رهبری این گروه را در کردستان عهده دار بوده است.

حکومت خودمختار آن دیار بعهده داشته که مایل به افشای نامش نیست، لذا در این گزارش از او بنام آقای «ک» نام برده است.

جالب است بدانید تعدادی از ساکنان کردستان بخصوص آنان که در منطقه عملیات ساختمانی و تعلیم عملیات ضد تروریستی بسر میبردند تا حدی میدانستند که افراد گروه اسرائیلی هستند، معینا نهایت جدیت را بکار میبردند تا در این مورد هرگز به افشاگری نپردازند.

از طرفی باید گفت که آقای مایکلز زبان کردی میدانسته و آقای «ک» به زبان انگلیسی آشنائی داشته است. یعنی این دو که در رأس عملیات عمرانی و آبادی منطقه قرار داشتند. بهمین علت وقتی خبرنگار یدیعت از مایکلز میپرسد: خب چگونه با یکدیگر صحبت میکردید و مشکلات را چطور با هم حل میکردید؟ مایکلز می خندد و می گوید: با زبان بی زبانی و حرکات و اشارات دست و غیره و احیاناً درخواست حضور مترجم.

مایکلز میگوید: شرایط زندگی در

منطقه عملیات گهگاه بسیار سخت و طاقت فرسا بود، زیرا ما ناچار بودیم که در زمستان در هوای چند درجه زیر صفر و چه تابستان در هوای گرم و شرجی چهل درجه بالای صفر همچنان بخدمات خود ادامه بدهیم و می افزایشید، بدنیست بدانید که همه افراد گروه بهنگام ترک اسرائیل به اعضاء خانواده خود گفته بودیم که به یک کشور دوست و خالی از خطر میرویم! و از آنها خواسته بودیم هرگز در این مورد با کسی سخن نگویند.

خبرنگار یدیعت میپرسد: در چنان شرایطی چگونه با یکدیگر با زبان عبری گفتگو میکردید؟

دانی یکی از افراد فعال گروه میگوید: همانگونه که اطلاع دارید، افرادی که در گذشته از اعضای سازمان امنیت و اطلاعات اسرائیل بودهاند و همگی از نسل دوم یا سوم یهودیان مهاجرت کرده از کشورهای عرب خاورمیانه و شمال آفریقا می آمدند. نهایت دقت را نیز در انتخاب سایر افراد گروه بکار بردند تا همگان از همان نفرت نسل دوم یا سوم یهودیان عرب زبان باشند که با زبان عبری نیز تکلم مینمودند. افزون براینکه در ارتش اسرائیل نیز به افرادی که مایل باشند زبان عبری یاد میدهند. بنابراین هنگامی که در کارگاه و در طول عملیات به زبان عربی تکلم میکردیم عدهای دچار شک و تردید میشدند، چگونه ممکن است ما یهودی اسرائیلی باشیم؟ و می افزایشید، اما پس از پایان کار در محل سکونتمان اشکالی نداشت که به زبان عبری آنهم آهسته به گفتگو بپردازیم.

خبرنگار میپرسد: آیا در طول مدت خدمت در کردستان متوجه حضور مسعود بارزانی در کارگاه عملیات شدید؟

دانی پاسخ میدهد، گهگاه یک



وجوه پرداختی بما بصورت نقد و در بسته های چندصد هزار دلاری با اسکناسهای صد دلاری بود.

دانشمندان نخبه اسرائیل شنیدنی است که گفته است:

«آنچه را که ساکنان دنیای خارج از اسرائیل در رابطه با شگفتی های علمی و صنعتی در رده های گوناگون میدانند بمراتب پیشرفته تر از آنست که آنها می اندیشند.

سازمان تشکیلات مرکزی نوابغ

اسرائیل آنقدر از اهمیت علمی و تجسی، تحقیقاتی و ابتکاری برخوردار است که اولاً عملیات و اقدامات آنان کاملاً بطور سری و پنهانی صورت میگیرد و دیگر این که آن سازمان در واقع یکی از ارکان بسیار مهم پشت پرده دولت اسرائیل بشمار میآید که گهگاه بدون نوبت و تعیین وقت با رده های مختلف مملکتی اعم از سیاسی، نظامی، اجتماعی و امنیتی و تسلیحاتی تماس میگیرند و به راهنمایی های گوناگون آنان میپردازند.

جزئیات تشکیلات آن سازمان بقدری گسترده و درعین حال پنهانی است که شرح آن در این مختصر نمیگنجد کما اینکه خود من نیز فقط یک رشته اطلاعات

اتومبیل شیشه سیاه همراه یک اسکورت مسلح بمنطقه عملیات میآمد و سرنشینان مختصر سرکشی میکردند و ما مطمئن بودیم که اتومبیل حامل مسعود پارزانی و تعدادی از رهبران حکومت خود مختار کردستان است. لکن هرگز ندیدیم که آنها از اتومبیل پیاده بشوند و از نزدیک به بررسی نتایج عملیات بپردازند.

خبیرنگار میبرسد: برجسته ترین عملیات ساختمانی و عمرانی شما در منطقه چه بوده است؟

دانی میگوید: ما دست به احداث فرودگاه کوچکی زدیم که از نقطه نظر ساختمانی و کاربرد انواع و اقسام دستگاههای امنیتی و سایر تجهیزات تجسی پیچیده و الکترونیک از جمله بهترین فرودگاههای پیشرفته جهان بشمار میآید و می افزاید آن فرودگاه را که هم اکنون به بهترین وجه آماده بهره برداری است، تحویل حکومت خود مختار کردستان دادیم. این اقدام موجبات شعف و شادمانی و غرور رهبران آن محدوده را فراهم آورده است. این نکته نیز به نقل از یکی از

ناقص و بسیار کم از آن سازمان مهم و پیشرفته میدانم، و تصور می کنم آن تشکیلات آنقدر برای دولت و ملت اسرائیل نافع و ارزنده است که میتوان آنها در واقع در حکم ستون فقرات هیئت حاکمه اسرائیل بشمار آورد.

خوشبختانه، نظیر آمریکا تعدادی از مردان و جوانان نسل دوم ایرانی تبار اسرائیل در آن تشکیلات عضویت مؤثر دارند و این نیز شنیدنی است که هنگامی که از یک بانوی فرهیخته اسرائیلی که در آمریکا بسر میبرد پرسیدم: فلان عضو سازمان که با شما نسبت نزدیک دارد نقطه نظرش را در رابطه با تلاش جمهوری اسلامی بقصد دسترسی به تسلیحات هسته ای چیست؟ پاسخ داد: در طول این مدت فقط یکبار در این مورد از او سؤال کرده ام که با لیخندی کوتاه پاسخ داده است ابتدا جای نگرانی وجود ندارد و فقط بدان که آنها «عرض خود میبرند و زحمت ما میدارند».

در خاتمه بخش اول این گزارش

باید به نقل از مایکلز یادآور شوم که میگوید: در اواسط ماه سپتامبر سال جاری روزی که در ساعات نزدیک به غروب آفتاب درحالی که از خستگی مفرط بجان آمده بودم، کارگاه را ترک کردم و وارد خانه مسکونی ام شدم و پس از استحمام و شنیدن خبرهای رادیو اسرائیل به رختخواب پناه بردم. تازه چشمانم گرم شده بود و بین خواب و بیداری بسر میبردم که ناگاه فریاد یکی از نگهبانان مسلح ساختمان که تعداد آنها چهار نفر بود دق الباب کرد. من بلافاصله بیدار شدم و با زحمت صدا زدم کی است که در میزند؟ فوهار گفت آقا لطفا چراغ را روشن کنید و آماده پذیرایی از آقای «ک» باشید که با شما کاری فوری و فوتی دارد.

مایکلز میگوید در حالیکه در آن دقایق فرصت لباس پوشیدن نداشتیم و میدانستم در آن لحظاتی که نزدیک نیمه شب بود قطعاً امر مهمی پیش آمده که آقای «ک» بمنزل من آمده است. فقط ریدوشامبرم را پوشیدم و در اطاق را گشودم که ناگاه با قیافه درهم فرو رفته و نگران «ک» روبرو شدم و گفتم بفرمائید بدانم چه حادثه‌ای اتفاق افتاده که شما در این موقع شب بمنزل من آمده و اینگونه ملتهب و ناراحت هستید؟

آقای «ک» داخل اطاق شد و گفت: متاسفم از اینکه باید بشما اطلاع بدهم شما گروه اسرائیلی هائی که اینقدر بما خدمت کرده‌اید نُو رفته‌اید و در معرض خطر قرار گرفته‌اید، زیرا عمال جاسوسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی بوجود شما پی برده‌اند و همین امشب بما اخطار شده است باید در ظرف مدت ۲۴ ساعت کلیه اعضاء گروه اسرائیلی خاک عراق را ترک کنند والا هرچه دیده‌اید از چشم خودتان دیده‌اید!

آقای «ک» با ناراحتی تمام افزود همین امشب به حسابداران خودمان دستور داده‌ام بلافاصله مطالبات گروه را معین کنند و سحرگاه دراختیارتان قرار دهند. بنابراین شایسته است از همین فردا صبح در پناه افراد مسلحی که شما را تا مرز بدرقه میکنند بگونه‌ای پراکنده و دسته های کوچک بکشور خود باز گردید.

خوانندگان گرمی بخوبی درمی‌یابند که مقصود از مرز همان مرز کشور دوست اسرائیل یعنی اردن است که ظاهراً اعضاء گروه از همان مرز و بصورت پراکنده وارد کردستان عراق شده بودند. نشان به آن نشان که بخش اعظم ماشین آلات مورد نیاز عملیات ساختمانی در کردستان از همان عمان پایتخت اردن خریداری شده بود یا بغداد. بهر صورت گرچه حضور «ک»

**چنانچه حکومت خودمختار کردستان توجهی به اخطار شدید رهبران جمهوری اسلامی نمی نمود بدون تردید تروریست های اسلامی به کمک القاعده دست به قتل و ترور تعدادی از اسرائیلی‌ها میزدند.**

**قدر مسلم اینکه نفرات ارتش آمریکا بنا به درخواست آریل شارون از پرزیدنت بوش حفاظت اسرائیلی را از اربیل تا مرز اردن بعهده داشته‌اند.**

**افراد گروه پس از ورود به اسرائیل کتمان نکردند که از آن مأموریت خطرناک و دلپره آمیز میلیونها دلار عایدشان شده است.**

در منزل مایکلز در واقع پایان ماجرا بوده لکن گزارش خبرنگاران یدیعوت خاتمه نیافته و دنباله آن همراه با عکسهای دیدنی در شماره آینده بااطلاع خوانندگان گرمی خواهد رسید که هنوز جالب، بحث انگیز و تکان دهنده است.

شاید لازم بوده دستور ترک گروه از کردستان در پایان گزارش بااطلاع خوانندگان میرسید، لکن چه باید کرد که یدیعوت هم در ابتدای مطالب و هم اواسط گزارش به این پیام دلپره انگیز آقای «ک» اشاره کرده است. بهر صورت افراد گروه پس از ورود به اسرائیل کتمان نکردند که از آن مأموریت خطرناک و دلپره آمیز میلیونها دلار عایدشان شده است که کلیه وجوه دریافتی بصورت اسکناس های یکصد دلاری بوده است.

بالاخره میتوان گفت چنانچه

سکوت حکومت خودمختار کردستان توجهی به اخطار شدید رهبران جمهوری اسلامی نمی نمود بدون تردید تروریست های اسلامی به کمک نفرات القاعده دست به قتل و ترور تعدادی از اسرائیلی ها میزدند.

در هر صورت گرچه در یدیعوت به آنچه در ذیل میخوانید اشاره‌ای نکرده است لکن قدر مسلم اینکه نفرات ارتش آمریکا احياناً بنا بدرخواست شخص آریل شارون از پرزیدنت بوش حفاظت از اسرائیلی ها را از اربیل تا مرز اردن بعهده داشته‌اند.

در خاتمه نیاز به یادآوری مجدد است که میدانستم اسرائیل نیز نظیر دولتهای پیشرفته جهان از پشتیبانی گروهی تنوریسین یا حقوقدان و مشاوران گوناگون برخوردار است، اما شخصا هیچگونه اطلاعی از چگونگی انتخاب و گزینش دانشمندان نخبه اسرائیلی نداشتیم و براین باور بودم که افرادی بصورت داوطلب یا استخدامی در اختیار سازمانهای مختلف قرار میگیرند، در حالیکه از نحوه گزینش نوابغ دانشمند اخیراً از همان بانوی فرهیخته اسرائیلی بگونه‌ای اختصاری و محدود با اطلاع شدم کما اینکه اگر هم از نام واقعی یا رمز آن تشکیلات اطلاع می یافتیم مجاز به افشا نبودم زیرا تشکیلات آن سازمان نظیر سازمان موساد یا شین بت با اطلاع مقامات دولتی بطور کلی محرمانه و پشت پرده صورت میگیرد.

در همین حال نیاز با یادآوری است که گرچه به نقل از یدیعوت اقدامات عملیات گوناگون گروه اسرائیلی در کردستان پایان نیافته ناچار به ترک عراق شده‌اند معهذاً گزارش مطالب هنوز ناتمام مانده که در شماره آینده بااطلاع خوانندگان محترم خواهد رسید.

# FAME FLOOR COVERING INC.

شرکت فیم فلور کاورینگ  
ما با اطمینان به خانه شما می آئیم

\* پارکت های چوبی  
\* پرده گر کره  
\* کفپوش پلاستیکی

قابل توجه صاحبان  
منازل - آپارتمان  
و ساختمانهای تجارتي  
سرویس قابل اطمینان  
با قیمتهای باور نکردنی  
شهرت ما در تجربه ما است

\* موکت  
\* سنگ مرمر  
\* لینولینوم

با مدیریت مظفر نظریان  
ما همه قیمتها را می شکنیم

Wholesale & Retail

برای خرید موکت و انواع کفپوش

مشورت با شرکت فیم فلور کاورینگ به صلاح شماست

تلفن مجانی



**[800]540-1011**



ساعات کار: ایام هفته ۸ صبح تا ۶ بعدازظهر - شنبه ها ۹ صبح تا ۴ بعدازظهر - یکشنبه ها با تعیین وقت قبلی

Fame Floor Covering Inc.

Cal. State Lic. No. 577948

4310 San Fernando Road

Glendale, CA 91204

**(818) 265-1900**

Fax: (818) 247-5727





# هالوکاست و پرزیدنت احمدی نژاد

سرزمین هجوم برده و آنجا را اشغال کرده‌اند. وی در این راه تا آنجا سماجت و جسارت بخرج داد که منکر کشتار ۶ میلیون یهودی بدست آلمان نازی شد و اعلام نمود هالوکاست افسانه‌ای بیش نبوده که از طرف صهیونیستها ساخته و پرداخته شده تا بدین وسیله حس ترحم جهانیان را برای کمک و پشتیبانی یهودیان و کشور اسرائیل برانگیزد!

بنظر میرسد که دیری نخواهد گذشت که افرادی چون آقای احمدی نژاد، تمام کمک‌هایی را که پاپ ژان پل دوم در جوانیش، یعنی هنگامی که یک کشیش ساده کلیسا بیش نبوده، به همسایگان یهودی خود در گتوهای نسل کشی اشغالگران آلمان نازی در لهستان و نزدیکی زادگاهش میکرد، «افسانه» خواهند خواند.

انکار زبانی حقیقت هالوکاست بسیار آسان است. در حالیکه آقای احمدی نژاد در زمان وقوع جنگ دوم جهانی و در زمان وقوع جنایات آلمان نازی که در تاریخ بنام هالوکاست ثبت شده، اصولاً هنوز از شکم مادر خود متولد نشده بوده تا به رأی العین شاهد آن باشد، حق دارد منکر هالو کاست باشد. از طرفی دیگر، وی که در زمان بعثت حضرت محمد هم در دنیای

**پرزیدنت احمدی نژاد تا آنجا سماجت و جسارت بخرج داد که منکر کشتار ۶ میلیون یهودی بدست آلمان نازی شد و اعلام نمود هالوکاست افسانه‌ای بیش نبوده که از طرف صهیونیستها ساخته و پرداخته شده تا ترحم جهانیان را برای کمک و پشتیبانی یهودیان و کشور اسرائیل برانگیزد!**

شده بودند، سردمداران حکومت دینی ایران آنرا یک معجزه الهی خواندند.

آقای رئیس جمهور، یا پرزیدنت احمدی نژاد، که از پیروزی خود نشسته شده بود، در همان اوائل دوران ریاستش سخن از نابودی کشور اسرائیل و محو کردن آن از روی نقشه جغرافیا بمیان آورد. این رجزخوانی‌ها ادامه داشت تا اینکه به تشویق آیت‌الله‌های سمج روزی مدعی شد که اسرائیل نباید وجود خارجی داشته باشد زیرا که یهودیان مستقر در آن اشغالگران سرزمین‌های فلسطینی هستند که با پشتیبانی نیروهای صهیونیستی به آن

آلبرت دانش راد

محمود احمدی نژاد در عرصه سیاست مهرهای گمنام و ناشناخته بود که به سمت شهرداری تهران برگزیده (!) شد. ولی در آخرین روزهای مبارزات انتخاباتی برای پست ریاست جمهوری، بطور ناگهانی خود را نامزد احراز آن پست نمود و عجیب تر اینکه زودتر از رقبای کارآزموده و سنگین وزن که مدتها قبل از او فعالانه در صحنه سیاست حضور داشتند، سر از صندوق‌های رأی گسیری بدر آورد و در حالیکه جهانیان از این ماجرا شگفت زده

آنروز حضور نداشته، آیا حاضر است و میتواند آن حقیقت را نیز «افسانه» بخواند؟ افزون بر آن، از کسانی که مؤمن به یکتاپرستی هستند و از یک خدای واحد پیروی میکنند، بجز پیامبران عالیقدر، هیچکس خدا را ندیده ولی همه شاهد آثار وجودی او هستند که از آن جمله آقای احمدی نژاد و سایر انسانها و موجودات کائنات میباشد و انکار آن چیزی شبیه بزرگترین کفر شناخته میشود، نه افسانه!

آری، آقای احمدی نژاد، جنابعالی باید پرده ضخیم تعصب را از روی چشمان عقل خود بردانید و دیده خود را بکشاید تا شواهد و مدارک را در باره آنچه پاپ ژان پل دوم بدرستی «قرن هالوکاست» نامید، ببینید و به آن ایمان بیاورید و بدانید که انکار حقیقت آنرا از بین نمیرد و نه آنرا «افسانه» میسازد. شما نیز باید از بزرگواری پاپ ژان پل دوم الهام بگیرید که ضارب خود را که بقصد کشتن او را هدف گلوله قرار داده بود در کمال خضوع و خشوع مورد بخشش قرار داد. بخصوص که هیچ یک از قربانیان هالوکاست و یا بازماندگان آنها به شخص شما و یا هیچ ایرانی دیگر صدمه و گزندی وارد نموده‌اند. جهان دیگر آمادگی بروز یک هالوکاست را ندارد!

حال بجا است که ترجمه نامه شخصی بنام Robert Stevens را که تحت عنوان «آیا شما میتوانید بمن کمک کنید تا عمومیم را بسایم» و در مجله «جونیش ژورنال» خطاب به آقای احمدی نژاد درج شده مرور نمایم.

آقای رابرت استیونز مینویسد:

پرزیدنت احمدی نژاد عزیز:

اجازه بدهید خودم را معرفی نمایم.

نام من رابرت استیونز میباشد و فرزند ۲۷ ساله یکی از بازماندگان هالوکاست هستم.

منظور این نامه یهودی ستیز بودن

شما و یا تمایل شما بزدودن اسرائیل از روی زمین و یا بیانات بین المللی شما که طی آن برحق بودن هالوکاست را مسخره نموده و آنرا «افسانه» خوانده بودید، نیست. در عوض من با درمیان گذاشتن گوشه‌ای از زندگی خودم میخواهم از نصایح خردمندانه شما بهره مند گردم.

عصر شنبه گذشته، قبل از اینکه با نامزدم برای شرکت در جشن تولد یکی از دوستان در نیویورک از آپارتمانم خارج شوم، بیاد آوردم که آنروز تصادفاً روز تولد عموی من هم بود. نام عموی من Barokh Jeszyja Miedzinski میباشد که مسلماً نامی یهودی است. اسم اول او «باروخ»، در زبان عبری بمعنای «مستبارک» است و Jeszyja فرم دیگری از نام Josiah است که در عبری «آتش خدا» معنی میدهد.

من واقعاً میخواستم به عمومیم دسترسی پیدا کنم تا روز تولدش را باو تبریک بگویم ولی از شما چه پنهان که نه شماره تلفن او را داشتم و نه آدرس و نشانی او را. اگر داشتم حتماً باو تلفن میزدم و یا به دیدنش می شتافتم و حتماً کارت تبریک تولد میفرستادم. بدون شائبه از این اقرار خودم شرمندهام ولی واقعاً نمیدانم در این زمان او کجاست. گفتم شاید شما بتوانید مرا در یافتن گمشدهام یاری دهید.

کوشیدم نشانی او را در سراسر آمریکا، اسرائیل، لهستان، آلمان، روسیه، فرانسه، انگلستان و سایر کشورهای اروپایی بدست آورم، متأسفانه موفق نشدم. سازمانها مختلف به من اطلاع دادند نام او را هرگز نشنیده‌اند، چه رسد به نشانی او. حتی از برنامه اینترنتی Google برای یافتن او و یا چیزی درباره او سود جستیم که آنهم بیفایده بود.

پدرم ده سال پیش عمرش را بشما داد. متأسفانه او هم سالها بود که برادرش را

ندیده بود، بنابراین او هم اطلاعاتی برای تماس با او برایم نگذاشت.

خوشبختانه، از آنجا که شما به دنیا نشان داده‌اید که هالوکاست یک «افسانه» میباشد - و اینکه نازیها نمیتوانستند او را بکشند، زیرا این نوع کشتارها تنها از تبلیغات صهیونیستی مایه میگیرد تا بدین وسیله جهان را به تشویق و ترغیب پشتیبانی از اسرائیل بکشاند - شما اکنون امید مرا زنده کرده‌اید که عموی من ممکن است هنوز زنده باشد و من میتوانم او را پیدا کنم.

فکر کنم میتوانم اقرار کنم که دچار کمی احساس ابلهانه شده باشم. من می پنداشتم که شاید نازیها او را کشته باشند، ولی اگر هالوکاست هرگز اتفاق نیافتاده، او می باید زنده باشد یا اینکه او هم «افسانه» ای بوده تا برای یهودیان همدردی بیآفریند.

ولی پدرم همیشه بمن میگفت قیافه من او را بیاد برادرش می انداخت، زیرا در چشمانمان همان حالت نیمه باز و قوی وجود داشت.

قبل از اینکه نامدام را ببایان برسانم، اطلاعات زیر را در اختیار شما میگذارم که شاید مردی بقدرت و نفوذ و نبوغ شما با استفاده از آنها بتواند مرا در جستجوی او یاری دهد.

عموی من در ۲۸ ژانویه سال ۱۹۳۱ در شهر Lodz لهستان در کانون پدر بزرگم Pinkus Miendzinski و همسرش Tauba بدینا آمد. او جوانترین چهار فرزند خانواده بود و داوید، پدر من، اولزاد خانواده. من یک فتوکپی از عکس او را دارم که چنانچه فکر میکنید در یافتنش بشما کمک میکند، میتوانم برای شما ارسال دارم. فکر کنم این عکس توسط آلمانیها یا Judenrat تهیه شده و بر روی شناسنامه گتوی Lodz

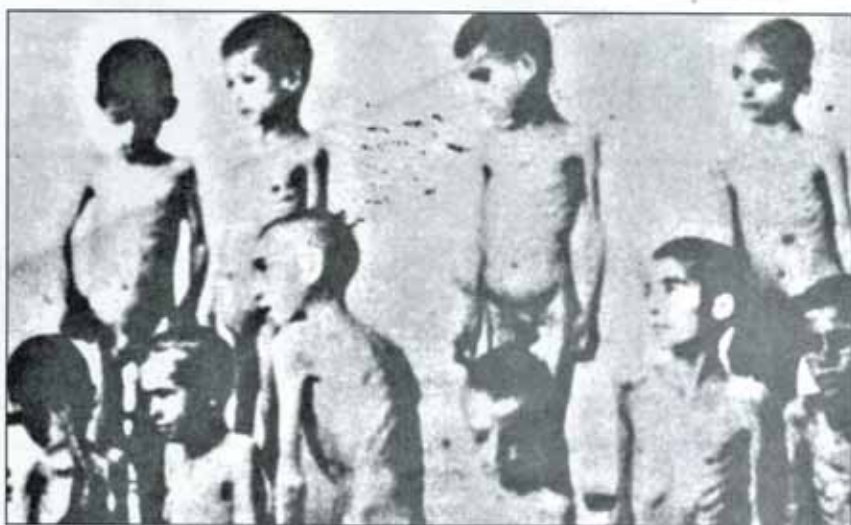
بلیط عمومی من دردست داشتند. درضمن اکثریت این ۹۱۲ مسافر را نوجوانان و کودکان تشکیل میدادند.

اطلاعات ثبت شده آلمانها نشان میدهد که عمومی من آخرین بار هنگامی که سوار قطار سریع السیر ۸۶۸ شده بود، دیده شده است. این قطار مخصوص حمل گله و رمه بوده و بلیط عمومی من به شماره ۶۱۱ و مقصدش گتوی Lodz برای رفتن به «باغ عدن» بود - یا آنچه که تاریخ نگارانی که شما ممکن است آنها را «گمراه کنندگان» بنامید، آنجا را بازداشتگاه «ریشه کن سازی» بنام Chelmo نامیده‌اند.

آقای احمدی نژاد، از هر گونه کمکی که شما بتوانید بمن بنمائید تا محل عمومی را پیدا کنم پیشاپیش سپاسگزاری مینمایم. من بسیار مشتاق ملاقات او که اکنون ۷۵ ساله شده هستم.

بدون شک پس از یافتن او، بخاطر نقش بازیگریش در این سناریوی مسخره هالوکاست آرواره هایش را خورد خواهم کرد. ولی عجلتا برای روز تولد و برافروخته کردن یک شمع درکنار تنها عکسی که از او دارم اکتفا میکنم. عکسی که او را هنگامیکه پسر بچه‌ای در گتوی Lodz بیش نبوده نشان میدهد.

شمع تولدی که شب یکشنبه ۲۹ ژانویه روشن کردم در اصل همانست که یهودیان به آن شمع یادبود سالپانه Yahrzeit میگویند. و هنگامی که شعله شمع با درخشندگی خاص خود برافروخته میشود، نشانه ایست از یک جاودانی از طرف خداوند که همیشه و تا ابد میدرخشد که نماینده روح و روان مقدس عمومی من و تمامی شش میلیون پیشینیان یهودی من است که علیرغم هرگونه تلاش شما، خاطره آنها یک برکت و دعا هست، نه یک «افسانه»!!



کودکانی که مورد آزمایشات وحشیانه پزشکان آلمانی قرار گرفته‌اند.



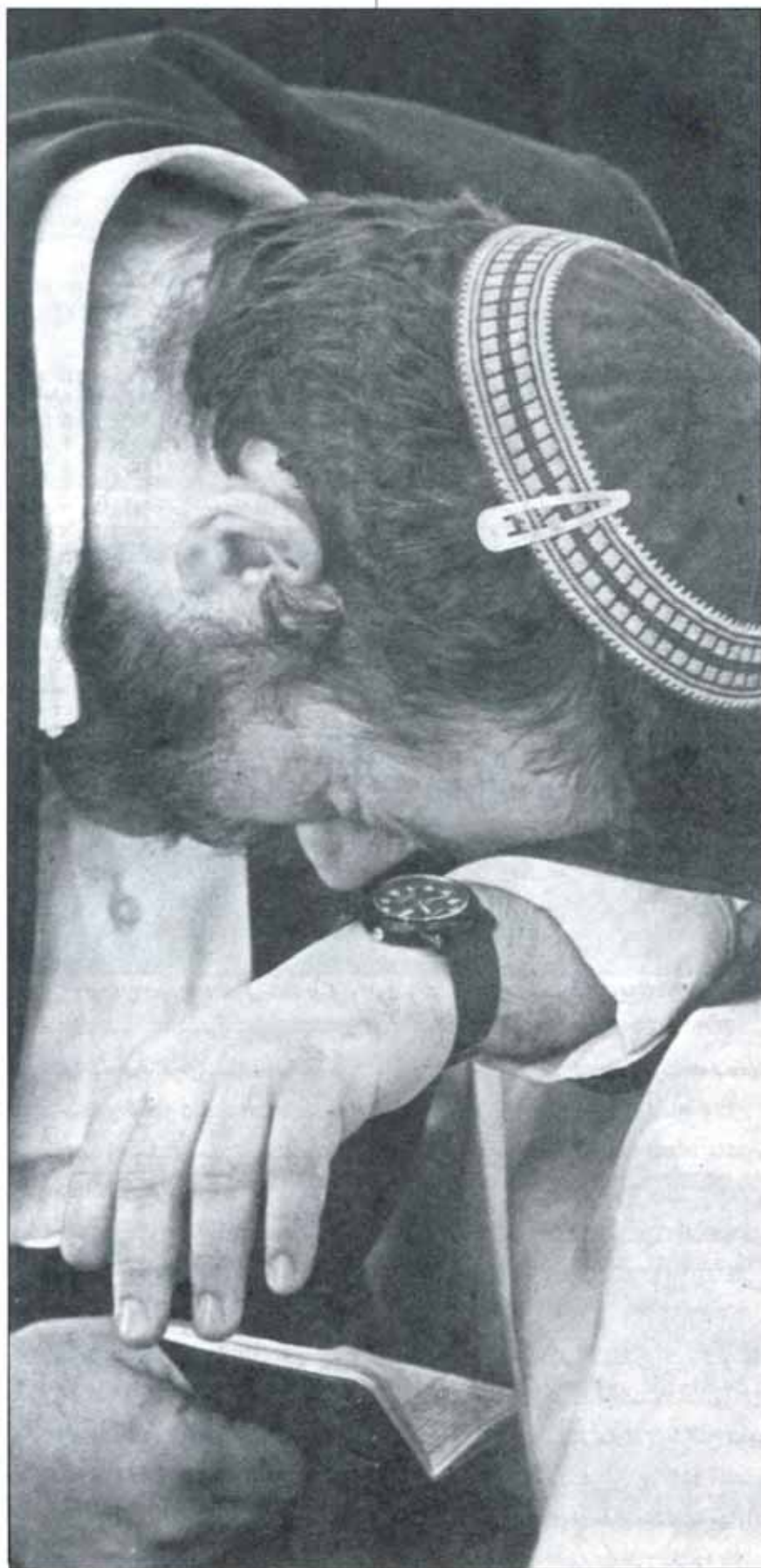
کودکان یهودی خالکوبی شده در اردوگاه آشویتز، بعد از آزاد شدن در ژانویه ۱۹۴۵

اطلاعات از مسافرت او، تنها اطلاعاتی است که من درباره او دارم و ممکن است حلقه گمشده ارتباط باشد و شما را در یافتن محل او یاری دهد. بطوریکه واقف هستید، آلمانها در نگهداری و ثبت مدارک و بایگانی آنها، عالی بودند.

طبق وقایع نگاری که توسط یهودیان Lodz نگهداری شده بود، روز ۲۶ جون ظاهراً روز مورد علاقه نوجوانان برای سفر به Lodz بود. در آن روز ۹۱۲ مسافر در قطاری که عمومی مرا به Lodz می‌آورد وجود داشت که همه بلیطی یکسره مانند

نصب شده بود. من این را میدانم زیرا که در گوشه عکس مهر Litzmastad دیده میشود. چنانچه تا بحال نمیدانستید Litzmanstadt نامی بود که آلمانها پس از تسخیر لهستان برای Lodz انتخاب کرده و گتوی یهودیان را در آنجا بنا نهادند.

سابقی اطلاعاتی را که در باره عمومی برای شما دارم این است که چندی بعد از برمیتموایش در ۱۳ سالگی، یک بلیط قطار، شاید بعنوان هدیه برمیتمو شدن توسط سربازان مؤدب و مهربان آلمانی باو داده شد تا بوسیله آن سوار قطار شده به گتوی Lodz برود.



# ادویا

## و یهودیان

انگلستان برای خود شیرینی  
 نزد مسلمانان و بهره‌گیری از  
 کشورهای نفت خیز  
 با یهودیان دست به یقه شد  
 و برای اینکه دولت یهودی  
 برپا نشود از هیچ تلاشی  
 فروگذار نکرد حتی از کشتن  
 و به دار آویختن مبارزان  
 یهودی و هیزم کشی برای  
 آفرختن آتش میان  
 یهودیان و فلسطینیان.

عزیزاله متحده

به گواهی تاریخ در هیچ زمانی  
 گروهی از مردم همانند اروپائیان با یهودیان  
 دشمن نبوده‌اند گوئی این یهود ستیزی با  
 سرشت آنان آمیخته شده است. کسی  
 نمیداند یهودیان چه هیزم تری به اروپائیان  
 فروخته‌اند و این تنگ چشمی از کجا  
 سرچشمه میگیرد. با آنکه دیده‌اند هرگاه  
 فشار از روی آنها برداشته شده و اندک

آزادی داشته‌اند، چنان درخشیده‌اند که چشمها را خیره کرده‌اند.

رنسانس گوشه‌ای از آنست و با دستاوردهای گوناگون پزشکی، فرهنگی، هنری و دیگر رشته‌ها، آنها را به پیش برده‌اند. در این جا بجاست نمونه‌هایی از آنچه کشورهای اروپایی بر سر یهودیان آورده‌اند، یادآوری شود.

**انگلستان:** دولت چاپلوس انگلیس هرگز احساسات آدمی را گرمی نشمرد و برای سود اقتصادی به زشت‌ترین کارها دست زده است.

آنچه انگلیس بنام قیومیت بر سر یهودیان آورد و فلسطینی‌ها را بجان آنها انداخت از یادها نخواهد رفت. آنها برای خودشیرینی نزد مسلمانان و بهره‌گیری از کشورهای نفت خیز با یهودیان دست به یقه میشدند تا جایی که بالفور، نخست وزیر و وزیر خارجه پیشین انگلستان برای دلجوئی از یهودیان در دوم نوامبر ۱۹۱۹ کتابی دربارهٔ برپائی خانه ملی برای یهودیان پخش کرد. اما دیری نگذشت که از بیم آنکه سودش نزد تازیان و کشورهای نفت خیز بخطر افتد با پخش کتاب سفید، بیشرمانه زیر آن زد و از رفتن یهودیان آواره به فلسطین و خرید زمین توسط آنها در آنجا جلوگیری کرد.

پایبای آن کشور دست نشانده دیگری مانند اردن هاشمی در بخشی از فلسطین برپا کرد و برای اینکه دولت یهودی برپا نشود از هیچ تلاشی فرو گذار نکرد که زشت‌ترین آنها جلوگیری از پیاده شدن ۴۵۰۰ پناهجوی یهودی بود که برای رهائی از چنگال نازیه‌های خون آشام در سال ۱۹۴۷ با کشتی اکسدوس از فرانسه راهی اسرائیل بودند و آنها را بسوی بندر هامبورگ آلمان بازگرداند تا بدست آدمکشان هیتلر در کوره‌های نازی خفه و خاکستر شوند و دودشان به آسمان رود.

واکنش این فرومایگی آنچنان تند بود که گروهی از مردم انگلیس درخواست کردند به قیومیت انگلستان پایان داده شود.

آنها از کشتن و بدار آویختن مبارزان یهودی و هیژم کشی برای افروختن آتش میان یهودیان و فلسطینیان خودداری نکردند تا جایی که راه را بر اتوبوس پزشکان یهودی بستند تا فلسطینیها آنها را از دم تیغ بگذرانند.

**فرانسه:** فرانسه است و دست کمی

**در سال ۱۶۴۸ در لهستان  
در یک کشتار همگانی  
یهودیان را زنده زنده  
پوست می‌کنند سپس  
دو نیمه میکردند و روی  
آتش کباب کرده و یا  
در آب جوش میجوشانند.**

**در اسپانیا به بهانه‌های گوناگون  
مردم را بجان یهودیان  
می انداختند و با عنوان اینکه  
طاعون سیاه از یهودیان پیدا  
شده هزاران یهودی بیگناه را  
به کشتن دادند.**

از انگلستان ندارد. شاید اگر او هم قیومیت فلسطینی را برعهده داشت صد پله بدتر از انگلیس از آب درمی‌آمد. دیدیم چگونه ژنرال دوگل تغییر موضع داد و حکومت ویشی و دستیارانش به یهودیان چه کردند. لکه ننگ دادگاه دریفوس هرگز از دامن فرانسه پاک نخواهد شد. در فرانسه نیز در سال ۶۳۳ زایش بدنبال فرمان مسیحی شدن شهروندان در دوگل فرانسه شمار بسیاری یهودی از ترس جان مسیحیت را پذیرفتند. شارل ششم در ۱۳۹۴ به پیروی از

ادوارد نخست که در انگلستان دارائی‌های نقدی یهودیان را در سال ۱۹۲۰ بسود دولت از آنها گرفت، همان بلا را بر سر یهودیان آورد و سپس آنها را از فرانسه بیرون ریخت.

میگویند گذشت زمان پند آموزترین کتابهاست. اما فرانسه از تاریخ پند نگرفت. دیدیم برای خوشایند کشورهای نفت خیز چگونه به اسرائیل پشت کرد و آدمکشی‌های فلسطینی را نادیده گرفت و اگر اسرائیل چپ یا راست می‌جنسید او را نکوهش میکرد. در دیداری که ژاک شیراک در اکتبر ۲۰۰۰ با اهود باراک، نخست وزیر اسرائیل داشت به او تاخت و بازخواست کرد چرا اسرائیل آشوبگران فلسطینی را سرکوب میکند و چرا شمار کشته شدگان فلسطینی بیش از اسرائیل است.

بدنبال آن دروازه‌های فرانسه را برای پذیرش یهودستیزان بازگذاشت و به آنها گذرنامه‌های فرانسوی پیشکش کرد. امروز همان مهمانان گرانبمایه یقهٔ او را هم گرفته‌اند:

یکی بچه گرگ می‌پرود  
چو پرورده شد خواجه را بردرید  
دیری نگذشت آتش زیر خاکستر  
شعله‌ور شد و هر چه سر راهش بود سوزاند.  
امروز از دانمارک سر برآورده به این  
بهانه که یک کاریکاتورست به کیش آنها  
توهین کرده است. این آتش سراسر اروپا را  
فرا گرفته است. زیرا آتش که گرفت خشک  
و تر میسوزد.

**آلمان:** با آنکه یهودیان آلمان بگونه ناباوری در همه رشته‌های دانشی، پزشکی، هنری، موسیقی، تکنیک و بسیاری از رشته‌های دیگر درخشیدند و به آلمان بالیدند و گفتند آلمان تنها میهن ماست و از اورشلیم و هر متصل روگردانند، دیدیم حزب نازی چگونه همه دستاوردهایشان را بباد داد و کتابهایشان را آتش زد و بسا تسلیفات

زهرآگین چنان مغزها را شست که هرکس واژه یهودی از دهانش بیرون می‌آمد، ناپاک شناخته میشد.

دیوانگی به مغز هیتلر و دارو دست‌ش زد که برآن شدند یهودیان را از روی زمین نابود سازند. کاری که پشت در پشت آنها سرافکننده خواهند بود. گوئی بیکباره عقده آنها ترکید و دست بکشتار یهودیان زد. از چربی یهودیان صابون ساخته، توراها را گسترده و یهودیان را روی آنها قربانی کردند و سپس با آنها کفش درست کردند. آلمانها بر آن شدند ملتی فرهیخته را به بهانه یهودی بودن در کوره های آدم سوزی آشویتس، بارک، تربلییکا، بوخوالد، داخاوا، بیرکناو و اردوگاههای مرگ در اطاقهای گاز خاکستر کنند و به بهانه های دروغین مردم را برضد آنها برمی انگیزتند. آنها نیز گفتند یهودیان خون مسیحی را در فطیر میریزند.

جنون و دیوانگی لجام گسیخته آنها را چنان خیره کرده بود که برای آزار بیشتر یهودیان را لخت میکردند تا نخست جان و روان آنها را بکشند، سپس رگبار مسلسل برویشان باز میکردند و به دسته های دیگر یهودیان دستور میدادند لاشه های آنها را بگودال ها افکنند و با خاک بپوشانند.

**لهستان:** از دیدگاه یهود ستیزی هیچ یک از کشورهای اروپائی بهتر از دیگری نبودند، زیرا سگ زرد برادر شغال است. آنها نیز به بهانه های گوناگون میکوشیدند یهودیان را بچرانند.

در سال ۱۵۹۸ در لابان، یکی از آبادیهای لهستان لاشه پسر بچه ای مسیحی را در باتلاقی یافتند و در پی آن سه یهودی را زیر شکنجه وادار به اعتراف بکشتن او نمودند. سپس آنها را بدار آویختند. در ۱۶۴۸ چنان رفتار بربرانه در لهستان کردند که دست کمی از کشتار نازیها نداشت و در یک کشتار همگانی

یهودیان را زنده زنده پوست میکنند، سپس دو نیمه میکردند و روی آتش کباب میکردند یا در آب جوش میجوشانند. توراها را از کنیساها بیرون میریختند و روی آن رقص و پایکوبی میکردند، سپس یهودیان را روی آنها میخوابانند و تکه تکه میکردند. هزاران کودک یهودی را در چاهها انداختند یا زنده بگور کردند و بیش از ۳۴۰۰۰ یهودی را نابود کردند. کشورهای دیگر اروپا نیز مانند اطریش، مجارستان، چکسلواکی هر یک بگونه ای حقوق انسانی یهودیان را پایمال میکردند.

**اسپانیا:** اسپانیا نیز از کشتار و آزار یهودیان پس تر از دیگر کشورها نبوده است. بدنبال جنگهای صلیبی، آتش کینه توزی و یهود آزاری هر دم زبانه میکشید و هزار چندگاه اوباش و آشوبگران به یهودیان یورش میبردند و آنها را تاراج میکردند و کلیسا در برابر آنها خاموش مانده بود. کشیش ها بخورد مردم میدادند که واژه های انجیل گفته های خدا است و خدا همواره آرزوی مسیحی شدن جهانیان را دارد. پس از آنکه در سال ۶۱۳ زایش فرمان پذیرش مسیحیت در اسپانیا داده شد، برآن شدند هر کس مسیحی نیست را از میان بردارند و برای اینکه آنها را شناسائی کنند، سازمان بازرسی باورها (تفتیش عقاید) را برپا کردند و گفتند هر مسیحی که غیر مسیحی را معرفی و نشان دهد از رنج و عذاب دوزخ آزاد میشود و مردم بایستی دوستان، خویشان و همسایگان غیرمسیحی خود را معرفی کنند تا دارائی آنها به معرفی کننده داده شود. کار به آنجا رسید که حتی از سر یهودیانی که به عیسویت گرویده بودند نگذشتند و آنها را لخت در شهرها می گرداندند، سپس زنده زنده میسوزاندند و خاکسترشان را روی کشتزارها و رودخانه ها میریختند. و از آنجا که می گفتند کلیسا دست خود را بخون کسی آلوده نمی کند

نخست آنها را خفه میکردند، سپس میسوزاندند یا زنده در آب جوش می انداختند. بدینگونه کشیشان می پنداشتند وظیفه خود را در برابر پروردگار انجام داده‌اند.

انها مردم را به بهانه های گوناگون بجان یهودیان می انداختند، مثلا در سده چهاردهم گفتند طاعون سیاه از یهودیان پیدا شده و بدنبال آن در ۱۳۹۱ هزاران یهودی بیگناه را بکشتن دادند و صدها هزار را وادار به پرستش مسیحیت کردند. با این همه آنها را تیغ میزدند. در میانه سده هشتم گونه‌ای جزیه از یهودیان برای پروانه برخی کارها میگرفتند. پس از آن زمامداران دیگر نیز از آنها آموختند و دارائی های نقدی یهودیان را به سود دولت از آنها میگرفتند و سپس زیرپایشان را جارو میکردند.

بدینسان اروپا هیچگاه دل خوشی از یهودیان نداشته و امروز نیز با برانگیختن فلسطینیها آتش اختلاف میان آنها را دامن میزنند.

باید رفتار پانولوس ششم، پاپ پیشین، پاپ کنونی را ستود که دفتر تازه‌ای درباره رفتار با یهودیان و دوستی با یکدیگر گشود.

میگویند خدا خانه هر کس را میخواهد ویران کند کنگ انرا بدست خودش میدهد. اگر اروپا شش میلیون یهودی که اروپا را بسوی دانش پژوهی میبرد نابود کرد در برابر پانزده میلیون مسلمانی که امروز در سراسر اروپا خانه کرده‌اند، هر یک جرقه‌ای هستند و هیچیک از کشورهایی که آنها را پذیرفته‌اند در برابر این آشوب و بهم ریختگی ایمنی ندارد. شمار آنها براساس آمار مجله اکونومیست چنین است:

در فرانسه ۶۱۳۰۰۰/۱۰۰۰ برابر ۱۰٪ شهروندان

ادامه در صفحه ۴۷

# بروخیم

رویال کیتترینگ گلات کاشر

## Beroukhim

Royal Catering  
Glatt Kosher



با آشپزخانه صددرصد گلات کاشر  
زیر نظر ربانوت ایرانی و آمریکائی  
کیتترینگ اختصاصی در  
مجتمع فرهنگی ارتص "ولی"  
یا در محل مورد نظر شما  
با کیفیت و سرویس برتر

۶۷۴۷-۳۴۲ (۸۱۸)

۹۹۹۳-۴۵۸ (۳۱۰)

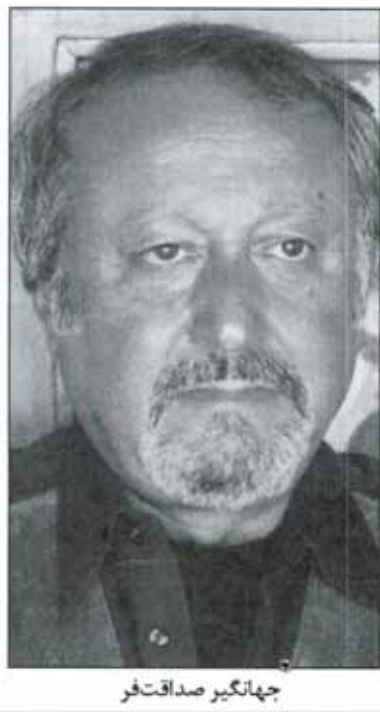
## خطابه‌ی کفر

### از جهانگیر صداقت‌فر

«جهانگیر صداقت‌فر»، شاعر خوش ذوق، توانا و محبوب معاصر آخرین کتاب خود را با عنوان «خطابه‌ی کفر»، چندی قبل انتشار داد. از این شاعر قبلاً دو کتاب با عنوان های «غریبانه» و «آزمون برگزیدگی» منتشر شده بود.

کتاب اخیر جهانگیر صداقت فر در بیش از ۲۵۰ صفحه تنظیم گردیده و انتشار آنرا «بنی بریت، گروه فریبرز مطلوب» بعهده گرفته است. ضمناً قرار است یک سی. دی. حاوی پاره‌ای از اشعار کتاب با صدای شاعر ضمیمه کتاب گردد.

«خطابه‌ی کفر» علاوه بر عنوان آخرین کتاب صداقت‌فر، نام یکی از



جهانگیر صداقت‌فر

سروده‌های وی نیز میباشد که در زیر از نظرتان میگذرد:

## خطابه‌ی کفر

علمداران رسالت

- در دروغ همتباری نور -

چلپاره‌های سیاه را

درفش‌گونه

در برابر چشم آفتاب به اهتزاز آوردند

تا بینش را

در کسوت عرفان

معنائی دیگرگونه دست دهند.

مگر -

طلایه‌دار آفتاب

شکست ظلمت را نوید نیاورده بود،

پس

کاینگونه ظلم هنوز

در یلدای روزان دل سیاه زمین

کولاک می کند.

# اطلاعیه مطب دکتر جمشید ایست

متخصص و جراح کلیه و مجاری ادرار - عقیمی مردان - ناتوانی جنسی در مردان و زنان

به اطلاع میرساند که مطب دکتر جمشید ایست در بورلی هیلز با پارکینگ رایگان به محل جدید انتقال یافت.

ساختمان ۸۵۰۰ ویلشیر بلوار - شماره ۷۰۷

مطب ولی - انسینو واقع در ۱۶۶۶۱ ونتورا بلوار - شماره ۷۱۰

همچنان آماده پذیرائی از بیماران محترم میباشد.

مطب جدید بورلی و انسینو مجهز به اولتراساند - عکسبرداری و آزمایش خون و

نمونه برداری برای سرطان پروستات میباشد.

در ضمن مطب بورلی هیلز مجهز به دستگاه جدید مایکروویو و لیزر

(Microwave & Laser Therapy)

برای درمان غیر جراحی بزرگی پروستات میباشد.

مطب در بورلی هیلز

8500 Wilshire Blvd.,  
Suite 707  
Beverly Hills, CA 90211

**(310) 652-2600**

مطب در ولی - انسینو

16661 Ventura Blvd.,  
Suite 710  
Encino, CA 91436



## ایکاش

مهمین عمید

ایکاش به خود رسیده باشی  
در خود همه چیز دیده باشی  
پرواز کنی، به اوج دل ها  
بی منت پز، پریده باشی  
نارفته، رسی به خط دلخواه  
از هر چه خطا پریده باشی  
انجا برسی که، مقصد آنجاست  
بی آنکه عبث دویده باشی  
هر آنچه که هست و بایدت دید  
با دیده‌ی بسته دیده باشی  
اینه صفت کنی پدیدار  
بی آنکه زکس شنیده باشی  
بر دامن امن شادمانی  
چون کودکی آرمیده باشی  
در این برهوت خود فریبان  
راه دل و جان، گزیده باشی  
بر پیکر خالی از تب شوق  
با عاطفه، جان دمیده باشی  
بس رمز زخامشی بخوانی  
از همه‌ها رهیده باشی  
همراه (نگاه) آسماسیر  
بال و پر هر ، خمیده باشی  
پائیز ۱۳۶۹

## سیر تحولات اجتماعی و

### مذهبی ملت یهود

## از پیدایش تا دوران جدید

کتاب دیگری که اخیراً منتشر شد «سیر تحولات اجتماعی و مذهبی ملت یهود از پیدایش تا دوران جدید» نام دارد که توسط «بهرام آقالریور» گردآوری و ترجمه گردیده است. این کتاب در بیش از ۴۸۰ صفحه تنظیم شده و علاوه بر تاریخ کاملی از بدو پیدایش انسان تا دوران جدید، حاوی دهها جدول، نمودار و عکس های متنوع میباشد که هر یک در رابطه با موضوع هر فصل تهیه و تنظیم گردیده است.

در قسمتی از مقدمه کتاب آمده است: «برخلاف قوم های دیگر که نویسندگی و دانش مخصوص قشر ممتاز جامعه بوده است، ملت یهود به قوم کتاب معروف است و اسناد تاریخی آنان هم توسط پیامبران و انبیاء و هم افراد عادی نوشته شده اند، بهمین جهت تاریخ کمتر ملتی چون یهودیان تا این حد حفظ شده است.»  
علاقتمندان جهت تهیه کتاب میتوانند با تلفن ۰۴۳۳-۸۲۰۰۰ (۳۱۰) تماس حاصل فرمایند.

## انتخابات اسرائیل

ادامه از صفحه ۱۱

اولمرت در سال ۱۹۴۵ یعنی سه سال قبل از تأسیس کشور اسرائیل در خانواده‌ای که از نظر سیاسی بسیار فعال بود، متولد شد. پدر وی یکی از مؤسسين گروه صیونیستی ایرگون بود. اولمرت در دهه ۱۹۷۰ هنگامی که وکیل جوانی بیش نبود به نمایندگی پارلمان اسرائیل از حزب لیکود درآمد و در سال ۱۹۹۳ به سمت شهردار اورشلیم برگزیده شد. طی سی سال گذشته آقای اولمرت نقطه نظرهای سیاسی خود را تعدیل کرده است. اولاً او در سالهای گذشته همواره از یک اورشلیم یکپارچه طرفداری کرده است و با خروج اسرائیل از نوار غزه و بخشهایی از ساحل غربی بدون هیچگونه انعطاف پذیری مخالفت میکرده است. ثانياً آقای اولمرت با موافقت نامه کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ که روابط اسرائیل و مصر را دربر داشت و نیز با توافق اسلو در سال ۱۹۹۳ با فلسطینیان مخالف بود.

اما همانطوری که در بالا یادآور شدم بتدریج عقاید و نظریات اولمرت تغییر و تعدیل یافت و از موضع سنتی جناح راست اسرائیل فاصله گرفت و بعداً بعنوان یک عضو مهم کابینه آقای شارون از لزوم تخلیه نوار غزه و بخشهایی از ساحل غربی سخن گفت و میدانیم که در تابستان گذشته ایده های او عملی شد و شهرک نشینان یهودی مجبور به تخلیه نوار غزه شدند. هم اکنون اولمرت از لزوم دستیابی به یک مصالحه با فلسطینیان صحبت میکند که واگذاری زمین میتواند بخشی از آن باشد.

چنین پیش بینی میشود که اولمرت راه اریل شارون را ادامه خواهد داد. برای او آرزوی موفقیت فراوان داریم.

## تسلیت

جناب پروفیسور آمنون نتصر

هیئت مدیره سازمان بانوان یهودی ایرانی درگذشت مادر گرامیتان را در اسرائیل بشما تسلیت گفته شادی روح آن روانشاد را از خداوند متعال خواستاریم. هیئت مدیره سازمان بانوان یهودی ایرانی

تلفن درج پیامهای بازرگانی در شوفار ۴۷۰۰-۶۵۴ (۳۲۳)

فدراسیون یهودیان ایرانی

# سالن جدید نعمان

با گنجایش ۴۵۰ نفر مکانی استثنائی برای برگزاری جشن های شما  
و مناسب برای سمینارها - کنفرانس ها - جلسات صبحانه و ناهار



- \* نرخ بسیار ارزان جهت وسط هفته .
- \* کلیه وسائل صوتی
- \* آشپزخانه کاشر - گلات کاشر با قبول کیتترینگ
- \* محوطه بزرگ رقص - اطاق عروس و اطاق عقد .
- \* استفاده از سالن مجلل کنیسا
- \* پارکینگ با متصدیان آماده

جهت اطلاعات بیشتر با خانم ایرما اسمیت با تلفن ۲۱۴۲ - ۶۵۶ (۳۲۳) تماس حاصل فرمائید .

1317 N. Crescent Heights Blvd., W. Hollywood, CA 90046

e-mail: [iajc@sbcglobal.net](mailto:iajc@sbcglobal.net)

# رابطه بین ساختمان ژنتیکی اشخاص و عکس العمل آنان نسبت به داروهای مختلف



سخنگوی دانشگاه تخنپون در حيفا اعلام نمود که یک گروه از دانشمندان این دانشگاه و چندین پزشک از چند بیمارستان در اسرائیل تحقیقاتی را در باره رابطه بین ساختمان ژنتیکی بدن انسان و عکس العملی که افراد به داروهای مختلف نشان میدهند را آغاز نموده اند. یکی از اشکالات مهم در جهان پزشکی عدم اطلاع کاملا صحیح و توانائی پزشکان درباره داروی مورد نیاز مریض و میزان تجویز آن است. در موارد بسیار زیادی پزشکان از شیوه Try & Error (آزمایش و اشتباه) استفاده می کنند که طبق آن اطمینان صددرصد وجود ندارد که داروی تجویز شده بهترین دارو برای آن شخص مریض باشد و یا اندازه تجویز شده مؤثرترین اندازه باشد. به این جهت یک گروه ده نفری از ۵ دانشکده مختلف در دانشگاه حيفا که عبارتند از دانشکده های Medicine, Computer Sciences, Biomedical Engineering, Bio Technology and Food Engineering and Industrial and Management

Engineering به اضافه چند پزشک از مراکز پزشکی Rambam و Carmel در اسرائیل شروع به انجام تحقیقاتی نموده اند که راهی را برای تعیین نمودن بهترین دارو و میزان آن برای هر مریض با در نظر گرفتن ساختمان ژنتیکی بدن او پیدا کنند بطوریکه این دارو برای او مؤثر بوده و عکس العمل بدی نداشته باشد. به گفته پروفیسور «میلر» از مرکز تحقیقات مغز در مرکز پزشکی «کارمل»، یکی از مخارج سنگین برای نمپانی های بیمه بهداشتی و برای اشخاص تجویز داروهایی است که زیان آورند و یا مؤثر نیستند و زیان دور دوم آنان آسیب به بدن بیمار و مخارج ناشی از آن اعم از ادامه دارو و یا بستری شدن در بیمارستان میباشد. به این جهت دستیابی به شیوه ای که در همان مرحله اول مفید باشد میتواند دنیای پزشکی را قدمی بزرگ

به پیش ببرد.

در این تحقیقات که با کمک Wolfson Foundation از انگلستان و Galil Center از اسرائیل انجام میشود، محققین با استفاده از تمام امکانات علمی در رشته های مختلف میخواهند تأثیر داروها را بر ساختمان ژنتیکی و عکس العمل آنها نسبت به داروها آزمایش کنند. برای انجام این پروژه عظیم و دشوار بزودی دانشگاه تخنپون از یک نوع ماشین جدید و بسیار قوی استفاده خواهد نمود که توانائی اسکانینگ (Scanning) سریع و دقیق آنها را خواهد داشت.

در مرحله بعدی دانشمندان سعی خواهند نمود داروهای جدیدی را بسازند که با ساختمان ژنتیکی شخص مریض کاملا تطبیق داشته باشد.

پروفیسور میلر باور دارد که در آینده هر کس یک کارت پزشکی مخصوص خود را همراه خواهد داشت که در آن تمام مشخصات ژنتیکی او ثبت شده و عناصر داروهائی که برای او زیان آور هستند در آن ذکر شده و پزشک با وارد کردن این کارت در کامپیوتر خواهد دانست چه دارویی و به چه اندازه برای مریض تجویز کند که مناسب با خصوصیات شخصی آن مریض باشد.

## اطلاعیه کنیسی فدراسیون یهودیان ایرانی

برای رفاه جامعه از همکیشان عزیز دعوت میشود برای انجام مراسم

بر میتسوا - بت میتسوا - نامگذاری - ابی ابن

شبات عروسی و یادبود

روزهای شنبه سالن پذیرائی بعداز مراسم

صبح شبات در کنیسا

بطور آزاد و رایگان در اختیار شما خواهد بود.

برای آگاهی بیشتر با دفتر فدراسیون

تلفن ۴۷۰۰-۶۵۴ (۳۲۳) تماس حاصل فرمائید.



*Iranian American  
Jewish Federation*

# فدراسیون یهودیان ایرانی



An Affiliate Organization of  
Jewish Federation Council  
of Greater Los Angeles

## صندوق اضطراری بیماران و نیازمندان

### EMERGENCY MEDICAL FUND

راز بقای ملتی مصمم به ماندگاری را می توان در لایه‌ای تاریخ پر نشیب و فراز آن جستجو کرد که با استقامت از خودگذشتگی، پایداری و ایمان از آن پاسداری نموده و هر گز از پا ننشسته است. آری این سر نوشت ملت یهود است که برای همیشه جاودان باقی خواهد ماند. با گرمی داشت و یاد بود << پسخ >> سند رهائی از اسارت و بندگی عید سعید نیسان را به فرد فرد یهودیان جهان تبریک میگوئیم.



و اما صندوق اضطراری نهادی است از بطن جامعه که بپا خاست تا در این روزگار آشفته گوشه ای از مشکلات و نا پسامانی های جامعه را در حد توانائی پاسخ گوید. و این وظیفه است بس سنگینی بدوش همکاران صندوق اضطراری.

۱- بمصدق <<هر که گرسنه است بیاید و بخورد>> صندوق اضطراری دو بار درسال برای ۳۳۰ خانواده نیازمند کوبن های مواد غذایی ۵۰ دلاری تهیه کرده که بر حسب شمار افراد خانواده بین آنها توزیع میگردند.

۲- برای اجاره منزل خانواده های نیازمندی که در معرض اخراج از کاشانه خود هستند ۲-۳ ماه کمک میشود.

۳- بیماران فاقد بیمه سلامتی به پزشکان دواطلب بمنظور تشخیص و معالجه معرفی میگردند.

۴- صاحبان کسبه کوچک و آپرومند در داون تاون که سرمایه خود را از دست داده اند بمنظور راه اندازی مجدد کسب در حد امکان کمک میشود.

۵- به سه پتیم خانه و محل نگهداری کودکان بی سر پرست در اسرائیل سالی دو بار کمک مالی داده میشود.

۶- در سالی که گذشت بمنظور تامین غذای گرم برای نیازمندان در اسرائیل صندوق ماهی ۵۰۰ دلار پرداخته است.


۷- در یکسال اخیر ۲۸۰ درخت در کرن کیمت اسرائیل غرس شده است.

۸- طبق روال هر ساله به خانه سالمندان تهران کمک مالی داده میشود.

۹- بسیاری دیگر از نارسائی ها و احتیاجات ضروری چون هزینه های فرهنگی، اعتیاد، طلاق و غیره .

اتکاء، و پشت گرمی ما در حل و فصل این نابسامانی ها هدیه شما عزیزان و پاران اینار گر میباشد. این کمک ها هر قدر باشد راه گشای بسیاری از مشکلات

خانواده های نیازمند جامعه خواهد بود و اجر و میصوای آن نگهدار سلامتی، آسایش فکر و طول عمر برای شما و

خانواده تان خواهد بود. لطفا هدیه خود را بنام E.M.F. با معافیت مالیاتی به آدرس پاکت  ارسال فرمائید.

سرپرست صندوق - الیاس اسفندی

1317 N. Crescent Heights Boulevard Los Angeles, CA 90046  
Tel: (323) 654-4700 Fax: (323) 654-1791

living cells, which employ a fatty membrane to keep the inside and outside environments separate. The oily layer surrounding each miniscule water droplet acts as a barrier, keeping genes, proteins and other materials contained. Alternatively, the team inserted harmless bacteria containing genes for testing into the drops. Confining individual tests within a cell-like bubble allowed them to employ a widely-used method for analyzing living cells. This method involves adding a fluorescent marker that lights up in color when activated by the right protein and sorting through the cells for those containing the marked proteins and their coding genes. Automated devices for sorting cells can handle many thousands of droplets per second. "Searches that now take a year to complete can be done in a matter of days," says Tawfik.

To demonstrate the efficiency of



## ISRAEL DOCTORS TREAT AIDS-INFECTED ETHIOPIAN CHILDREN WITH MEDICINE AND LAUGHTER

A program launched by an Israeli medical infectious disease specialist that provides anti-retroviral therapy to Ethiopian children infected with the HIV/AIDS virus, has succeeded in drastically decreasing HIV-related fatalities. And through the use of 'medical clowns', it's also bringing smiles to the faces of the children.

the system, the team isolated a new enzyme from a gene that was mutated artificially to produce random variations. They generated the enzymes in the droplets and sorted them according to which ones were better at cleaving a specific toxin in the bloodstream. The results from a screen completed in one afternoon were equivalent to those previously obtained through several rounds of mutation and screening-- a several-month process.

*Dr. Dan Tawfik's research is supported by the Y. Leon Benozio Institute for Molecular Medicine; the*

## HEALTH/ ISRAELI RESEARCHERS SUCCESSFULLY USE SALIVA INSTEAD OF BLOOD TO TEST FOR HEPATITIS C

Israeli researchers at the Soroka Medical Center and diagnostic kit developers Organics have clinically proven that the virus that causes hepatitis C can be detected from a simple test taken from a sample of saliva. This achievement could potentially save countless lives in developing countries, where a lack of proper facilities and funding makes widespread blood testing to detect the virus impossible.

*Dolli and Lola Ebner Center for Biomedical Research; the Estelle Funk Foundation; the Dr. Ernst Nathan Fund for Biomedical Research; the Henry S. and Anne Reich Family Foundation; the Charles and M.R. Shapiro Foundation Endowed Biomedical Research Fund; the Harry and Jeanette Weinberg Fund for Molecular Genetics of Cancer; the Eugene and Delores Zemsky Charitable Foundation Inc; and Mr. and Mrs. Mordechai and Dalia Segal, Israel. Dr. Tawfik is the incumbent of the Elaine Blond Career Development Chair.*

## CULTURE/ YOUNG ISRAELI CELEBRITIES JUGGLE STARDOM WITH ARMY SERVICE

As in the rest of the world, Israeli pop singers and TV actors often find fame and fortune while still in their teens. But for these young stars, there is a twist: at age 18, they are required to take time out from the glamorous life and serve in the Israel Defense Forces. Some celebrities embrace the anonymity of khaki, others work out compromises to keep their careers alive, and some even attempt to avoid their service altogether.

### Neman Hall Features:

Exquisite Ballroom with seating for 450 guests  
Kosher Kitchen Facilities  
(Outside Caterers Accepted)  
Large Dance Floor  
Sanctuary and Chuppah Area  
Private Bridal Room  
Bedekn and Tish Area Available  
Valet Parking Service

For Viewing of Venue Please Contact

**Irma Smith**

**Direct Line: (323) 656-2142**

**Iranian American Jewish Center**  
1317 N. Crescent Heights Blvd.,  
Los Angeles, CA 90046

# BREAKING NEWS



Could engineers have known ahead of time exactly how much pressure the levees protecting New Orleans could withstand before giving way? Is it possible to predict when and under what conditions material wear and tear will become critical, causing planes to crash or bridges to collapse? A study by Weizmann Institute scientists takes a new and original approach to the study of how materials fracture and split apart.

When force is applied to a material (say, a rock hitting a pane of glass), a crack starts to form in the interior layers of that material. In the glass, for example, the force of the striking rock will cause the fracture to progress through the material with gradually increasing speed until the structure of the glass splits apart. The path the forming crack follows and the direction it takes are influenced by the nature of the force and by its shape. As cracking continues, microscopic ridges form along the advancing front of the crack and the fracture path repeatedly branches, creating a lightning bolt or herringbone pattern.

Physicists attempting to find a formula for the dynamics of cracking, to allow them to predict how a crack will advance in a given material, have faced a serious obstacle. The difficulty lies in pinning down, objectively, the fundamental directionality of the

cracking process: From any given angle of observation or starting point of measurement, the crack will look different and yield different results from any other. Scientists all over the world have experimented with cracking but, until now, no one has successfully managed to come up with a method for analyzing the progression of a forming crack.

Prof. Itamar Procaccia and research students Eran Bouchbinder and Shani Sela of the Chemical Physics Department set out to find a way of analyzing data from experiments in cracking that would avoid the direction problem. First, they divided the cracks' ridged surfaces up into mathematically-determined aspects of the crack's formation and to assign it simple directional properties. After some complex data analysis of the combined information from all sectors, the team found their method allowed them to gain a deeper understanding of the process of cracking, no matter which direction the measurements started from. The team then successfully applied the method to a variety of materials--plastic, glass and metal.

From the concrete in dams and buildings, to the metal alloys and composites in airplane wings, to the glass in windshields, many of the materials we depend on daily are subject to cracking. The team's method will give engineers and

materials scientists new tools to understand how all of these basic materials act under different stresses, to predict how and when microscopic or internal, unseen fractures might turn life-threatening, or to improve these materials to make them more resistant to cracks' formation or spread.

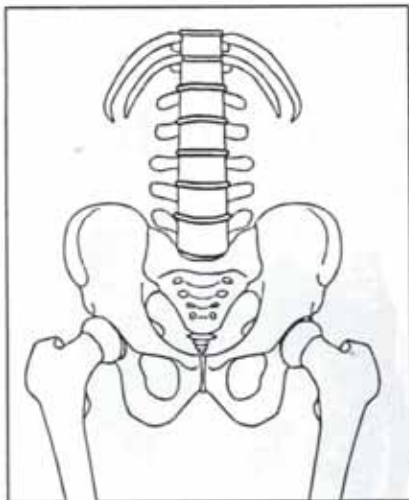
*Prof. Itamar Procaccia's research is supported by the Minerva Center for Nonlinear Physics of Complex Systems; and the Naftali and Anna Backenroth-Bronicki Fund for Complexity. Prof. Procaccia is the incumbent of the Barbara and Morris L. Levinson Chair in Chemical Physics.*

## WOWing THE CROWDS

A team of scientists at the Weizmann Institute of Science and the Hebrew University of Jerusalem has developed a method that could speed up the process of identifying novel protein molecules for medical and biological research hundreds of times over.

In today's high-throughput searches for specific genes, proteins or protein interactions, plates containing rows of tiny wells have replaced old-fashioned test tubes. However, trawling for a gene or protein with just the right qualifications may require sorting through millions, or even billions, of possibilities. Instead of wells, the new method, developed by Dr. Dan Tawfik and Amir Aharoni of the Institute's Biological Chemistry Department and Prof. Shlomo Magdassi of the Hebrew University's Institute of Chemistry with support from the Israel Ministry of Science and Technology, relies on microscopic droplets of water suspended inside oil droplets. Using their system, millions of tests can be performed at once.

The method, which relies on a type of emulsion dubbed WOW, for water-oil-water, takes a page from



## PRESERVED IN CRYSTAL

Scientists at the Weizmann Institute of Science recently discovered a new source of well-preserved ancient DNA in fossil bones. Their findings were published in the *Proceedings of the National Academy of Sciences* (PNAS).

Fossil DNA is a potential source of information on the evolution, population dynamics, migrations, diets and diseases of animals and humans. But if it is not well preserved or becomes contaminated by modern DNA, the results are uninterpretable. The scientists, Prof. Steve Weiner and Michal Salamon of the Institute's Structural Biology Department, working in collaboration with Profs. Baruch Arensburg, Tel Aviv University, and Noreen Tuross, Harvard University, may have found a way to overcome these problems.

It was in 1986 that Weiner first reported the existence of crystal clusters in fresh bones. Even when these bones are ground up and treated with sodium hypochlorite—a substance that removes all traces of organic matter—the clusters of crystals remain intact and the organic material embedded in them is unaffected. Now, almost 20 years later, Weiner and Salamon have returned to these findings, reasoning that fossil bones might possess such

crystal structures containing preserved ancient DNA.

After treating two modern and six fossil animal bones with the sodium hypo-chlorite, they found that DNA could be extracted from most of these crystal aggregates that is better preserved and contains longer fragments than DNA from untreated ground bone. The technique for reading the DNA worked better, as well, and the use of sodium hypochlorite reduces the possibility of modern contamination.

The crystal aggregates act as a "privileged niche in fossil bone," protecting the DNA from hostile environments and leaving it relatively undamaged over time. The team's findings suggest that the DNA in these aggregates should be preferred, whenever possible, over DNA from untreated bone.

This method holds much promise for the future analysis of ancient DNA in bones in yielding more reliable and authentic results than has previously been possible, and may help in unearthing the mysteries of our ancestral past.

*Prof. Steve Weiner's research is supported by the Helen and Martin Kimmel Center for Archaeological Science; the Philip M. Klutznick Fund for Research; the Alfred Krupp von Bohlen und Halbach Foundation; the Women's Health Research Center; and George Schwartzman, Sarasota, Fl. Prof. Weiner is the incumbent of the Dr. Walter and Dr. Trude Borchardt Professorial Chair in Structural Biology.*

## TRIPLE CODE

Is there a universal neural code for sensation, similar to the genetic code, in which the complexity of sense and experience can be reduced to a few simple rules? According to Prof. Ehud Ahissar of the Weizmann Institute's Neurobiology Department, the answer might be no. He and his team have been studying how rats use their whiskers to sense their environment, and have found that the seemingly simple act of feeling out a 3-D object requires three different types of code.

Rats' whiskers are highly developed sense organs in the normally nocturnal animals. To get a fix on their surroundings, rats whisk their whiskers back and forth as they move. Researchers had previously shown that whisking is crucial to the act of sensing, but how does the rat's brain map out a three-dimensional object using this movement?

Sensing begins in the neurons at the whiskers' bases, which then fire signals off to the brain. The scientists, Marcin Szwed, Knarik Bagdasarian and Ahissar, found that in perceiving each of the three dimensions in the rat's immediate surroundings—the horizontal, the vertical, and the radial (distance from the whisker base)—the neurons encode information in a completely different form. To sense the horizontal, for instance, the neurons fire with exact temporal precision and the timing of these signals relative to the whisking motion encodes the horizontal placement of an object. The radial, on the other hand, is encoded in quantity, specifically the number of times the neurons fire. The closer an object was to the rat's snout, the higher the number of neuron-signaling spikes the team recorded. Height seems to be sensed through spacing: Since whisking only takes place in the horizontal plane, the researchers concluded that information about the vertical placement of the whiskers, which are arranged grid-like on either side of the snout.

In addition to finding different codes for each dimension, the researchers noted that the nerve cells at the whiskers' bases seemed to be specialized for the different kinds of encoding. Now the team plans to continue following the whiskers' signals to find out how the brain interprets all three signals and melds them into one percept.

*Prof. Ehud Ahissar's research is supported by the Nella and Leon Benoziyo Center for Neurosciences; the Carl and Micaela Einhorn-Dominic Institute for Brain Research; the Irving B. Harris Foundation, Chicago, IL; Mrs. Esther Smidof, Switzerland; and the Edith C. Blum Foundation, New York, NY.*

scientists suggest that the presence of CNS-specific T cells in mice plays a role in maintaining learning and memory abilities in adulthood.

Schwartz points out that the role of the autoimmune T cells is not to affect the level of intelligence or motivation, but rather to allow the organism to achieve the full potential of its brainpower. "These findings," she says, "give a new meaning to 'a healthy mind in a healthy body'. They show that we rely on our immune system to maintain brain functionality, and so they open up exciting new prospects for the treatment of cognitive loss. "Knowledge that the immune system contributes to nerve cells renewal has potential far-reaching implications for elderly populations, because aging is known to be associated with a decrease in immune system function. It is also accompanied by a decrease in new brain cell formation, as well as in memory skills.

Therefore, by manipulating and boosting the immune system, it might be possible to prevent or at least slow down age-related loss of memory and learning abilities.

*Prof. Michal Schwartz's research is supported by the Nella and Leon Benozio Center for Neurological Diseases; the Alan T. Brown Foundation to Cure Paralysis; the Carl and Micaela Einhorn-Dominic Institute for Brain Research; Mr. and Mrs. Irwin Green, Boca Raton, FL; and Mr. and Mrs. Richard D. Siegal, New York, NY.*

*Prof. Schwartz is the incumbent of the Maurice and Ilse Katz Professorial Chair of Neuroimmunology.*

**SHOFAR**  
**Magazine**

For Advertising  
Please Call  
(323) 456-4700

## Love Iranian-American Style

By: Steven Zeitchik

In "Love Iranian-American Style," director Tanaz Eshaghian tackles the subject of marriage in the Persian-American community, where she interrogates, challenges and otherwise needles her relatives over their views on coupling. The Eshaghians fled the ayatollah's brutal regime after the 1979 revolution, but the totalitarians they left behind need not worry; Eshaghian's questioning might be considered its own brand of torture.

In their Southern California Iranian community, marriage is chiefly an economic vehicle, an obligation whose value is determined by a strange formula of (male) status and the speed with which one rushes toward it. Nearly all of Eshaghian's female cousins have wed young and virginal, and it's expected that she will, too. Eshaghian's family, insistent and incredulous, is pure Big Fat Greek Wedding, all fawning and misguided Old Worldness. Of course, the more Eshaghian resists their matchmaking, the more she becomes their project.

For most of us, this setup might occasion a long chat with friends, maybe a therapist. To Eshaghian, this is inspiration for a film. The result is a clunky bit of self-indulgence in which the director constantly abandons moments of productive inquiry to congratulate herself for challenging her family's immigrant naivete. "Don't you want to find connection?" she pecks endlessly at her mother and anyone else who'll listen.

But the (not-so) dirty secret is that for all our heroine's supposed rebellion, she actually hasn't gotten very far away at all. The appearance of several non-Iranian ex-boyfriends, who late in the film describe with jolting clarity how Eshaghian's plunge toward commitment doomed their relationships, confirm what



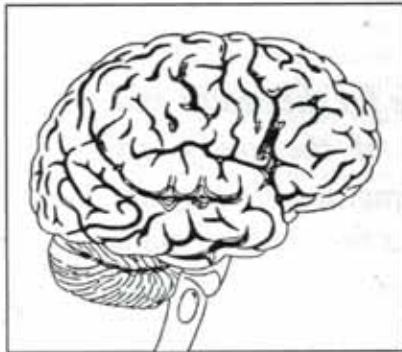
we've suspected. Eshaghian's questioning of her family's values isn't a defiant stance- it's wishful thinking.

The film does crack open a window onto a colorful and relatively young immigrant Jewish community. Outside a synagogue in a modern-looking Los Angeles, parents scurry about in the kind of shidduch-peddling that might fit nicely in, say, Boro Park. The layering of a traditional Iranian song over a classic shot of a palm-lined Beverly Hills street is a wonderful touch. But there's little contemplation of a provocative questions. Why, for example, does a basically secular community feel so strongly about legislating marriage in the first place? Is it a holdover from the Old Country, or a more farsighted method of self-preservation?

Instead, the feeling is one of those endless dinners with a friend whose strenuous denials of a marriage obsession wind up reinforcing the case. Eshaghian's challenges to her family will produce a nod of recognition to any of us who has ever listened to someone protest the pull of his or her parents a little too much.



# WEIZMANN INSTITUTE SCIENTISTS SUGGEST THAT IMMUNE CELLS HELP TO MAINTAIN COGNITION AND BRAIN CELL RENEWAL



A team of scientists at the Weizmann Institute of Science, led by Prof. Michal Schwartz of the Neurobiology Department, has come up with new findings that may have implications in delaying and slowing down cognitive deterioration in old age. The basis for these developments is Schwartz's team's observations, published today in the February issue of *Nature Neuroscience*, that immune cells contribute to maintaining the brain's ability to maintain cognitive ability and cell renewal throughout life.

Until quite recently, it was generally believed that each individual is born with a fixed number of nerve cells in the brain, and that these cells gradually degenerate and die during the person's lifetime and cannot be replaced. This theory was disproved when researchers discovered that certain regions of the adult brain do in fact retain their ability to support and promote cell renewal (neurogenesis) throughout life, especially under conditions of mental stimuli and physical activity. One such brain region is the hippocampus, which subserves certain memory functions. But how the body delivers the message instructing the brain to step up its formation of new cells is yet unknown.

The central nervous system (CNS), comprising the brain and spinal cord, has been considered for a long time as "a forbidden city", in which the immune system is denied entry as its activity is perceived as a possible threat to the complex and dynamic nerve cell networks. Furthermore, immune cells that recognize the brain's own components ("autoimmune" cells) are viewed as a real danger as they can induce autoimmune diseases. Thus, although autoimmune cells are often detected in the healthy individual, their presence there was perceived as an outcome of the body's failure to eliminate them. But Schwartz's group showed that these autoimmune cells have the potential ability if their levels are controlled to fight off debilitating degenerative conditions that can afflict the CNS, such as Alzheimer's and Parkinson's diseases, glaucoma, amyotrophic lateral sclerosis (ALS), and the nerve degeneration that results from trauma or stroke.

In their earlier research, Schwartz and her team provided evidence to suggest that T cells directed against CNS components do not attack the brain but instead, recruit the help of the brain's own resident immune cells to safely fight off any outflow of toxic substances from damaged nerve tissues.

In the present study, the scientists showed that the same immune cells may also be key players in the body's maintenance of the normal healthy brain. Their findings led them to suspect that the primary role of the immune system's T cells (such as the hippocampus) to form new nerve cells, and maintaining the individual's cognitive capacity. The research team led by Prof. Schwartz, included

graduate students Yaniv Ziv, Noga Ron and Oleg Butovsky, and in collaboration with former graduate students Dr. Jonathan Kipnis and Dr. Hagit Cohen of the Ben-Gurion University of the Negev, Beer Sheva.

It was reported before that rats kept in an environment rich with mental stimulations and opportunities for physical activity exhibit increased formation of new nerve cells in the hippocampus. In the present work, the scientists showed for the first time that formation of these new nerve cells following environmental enrichment is linked to local immune activity. To find out whether T cells play a role in this process they repeated the experiment using mice with severe combined immune deficiency (scid mice), which lack T cells and other important immune cells. Significantly fewer new cells were formed in those mice. On repeating the same experiment, this time with mice possessing all of the important immune cells except for T cells, they again found impairment of brain-cell renewal, confirming that the missing T cells were an essential requirement for neurogenesis. They observed that the specific T cells that are helping the formation of new neurons are the ones recognizing CNS proteins.

To substantiate their observations, the scientists injected T cells into immune-deficient mice with the objective of replenishing their immune systems. The results: cell renewal in the injected mice was partially restored a finding that supported their theory.

In another set of experiments, they found that mice possessing the relevant CNS-specific T cells performed better in some memory tasks than mice lacking CNS specific T cells. Based on these findings, the

Dear Friends,

*As the years pass, the bittersweet memory of the salvation of Jewish People by the powerful savior, Moses, is enlivened. The secret of the endurance and permanence of our people lies within unity, resistance and faith.*

*We wish you and all the Jews of the world a  
Happy Passover— 5766*

*Lets put worth and esteem on this unity, and in gratitude for the health and peace of mind that we enjoy, listen to the heartache of the needy left without shelter within our community. Let us not be ignorant. During its years of existence and activity, the "Emergency Fund" has been able to aid a fraction of these misfortunes within its means. It has distributed food stamps to 230 needy families twice a year and has enabled them to provide for their necessities from Elat Market. Two to three months rent money is given to families who are not able to pay their rents and are in danger of eviction. "Emergency Fund" helps students who cannot afford their tuition. Limited financial assistance is given to those small businesses who have lost their capitol in Down Town L.A. and need to reorganize. Three orphanages in Israel are helped annually, in addition to providing financial assistance to a Senior Home in Tehran. "Emergency Fund" has sent an initial sum of \$4,000 and subsequently sends \$1,000 each month to Israel for the purpose of offering one hot meal per day for those in need.*

*Settlement of financial disputes, divorce, drug addiction and others are other heavy burdens on the shoulder of the "Emergency Fund" for which it is compelled to raise its hands to all you sincere and kindhearted friends.*

*We introduce patients without insurance for treatment to volunteer physicians. We have planted 280 trees for keren kayemet in Israel.*

*Please send your tax-deductible gifts payable to E.M.F. and share this great mitzvah with us. We earnestly shake your hands together with those families who lives will change though your kindness and generosity and wish you and your families much health and success.*

Sincerely,

Elias Esfandi, E.M.F. Director



culture. We dwell as a solitary people. Our closest neighbors, in geographic, racial and linguistic terms, unfortunately are also our bitterest enemies. Our only loyal ally is the Jewish people.

Only by being an exceptional people, in which every Jew will take pride as a Jew, will we preserve the love of our people and our fidelity to Israel. Our position in the world will be determined not only by our apparent material wealth, or our military valor, but by the moral luster of our mission, our culture and our society. Only in this manner will we acquire the friendship of other peoples. And although there are no few shadows in our lives at present- among them some very dark shadows- we have cause enough to believe that it is within our power to be an exceptional people. I would point to three forces operating in Israel that clearly indicate the ethical and intellectual talents contained within us: The agricultural settlements; the Israel Defense Forces; and the nation's collection of scientists, scholars, writers and artists who, in relative quantity and absolute quality, are equal to those of any other nation in the world.

The agricultural settlements, the kibbutzim and moshavim, have charted a new course for a society grounded in liberty, equality and cooperative support, the like of which is unknown in any other country in the world, East or West. The Israel Defense Forces as well are not only a reliable and effective security tool, but also an educational framework which elevates man, breaks down ethnic and tribal divisions, and inoculates self-confidence in our youth. And although during our few years of independent sovereignty we have had to devote many first-rate resources to security needs and the absorption of immigrants- and who knows how many more years we will be obligated in these ways- nevertheless in these few years we have succeeded in establishing research and scientific institutions on a level worthy of the most developed of nations.

We must not underestimate the moral difficulties confronting us:

The habits of exile, excessive divisiveness, the influence of hack journalism and vulgar fiction from both within the country and without, criminal activity among some immigrants who have not yet assimilated, and the segments of Israel's youth who have been emptied of all spiritual and social sensibility. I am aware that our international position, security and well-being cannot be guaranteed in a day, that achieving economic independence will not be easy, that becoming an exceptional people will require unending effort. Our economic and political conditions are intertwined with our potential for moral and spiritual elevation. Body and spirit are not two distinct spheres. The health of the body and the light of the spirit are mutually interdependent. And we can expect a difficult and protracted struggle on all fronts: Economic, political, social, cultural and ethical. Yet the capacity of the Jewish people to survive in conditions under which no other people has, the abilities we have discovered within ourselves since the establishment of the state, the complex of interchanges among our hundreds of thousands of

immigrants since the founding of the state- these suffice to strengthen our faith that we will act and we will succeed, although this will in no small measure depend upon the attitude, will, course of action, and participation of the diaspora.

This is what we require of the diaspora: (i) That they provide their youth with a Hebrew education- the study of the original biblical texts, the people's history and Hebrew literature; (ii) that they intensify their personal ties to Israel in every way- through visits, capital investments and sending youth people to attend Israeli schools and educational institutions; and (iii) that they deepen their commitment of the vision of Jewish and human redemption that was expressed by the prophets of Israel.

These three endeavors can form a project that will unite Orthodox, Conservative, Reform and secular Jewry, and deepen the connection between the Jews of the diaspora and those in the State of Israel. This will make possible the fulfillment of Isaiah's prophecy that *the people in Israel will be a covenantal people and a light unto the nations-* in other words, an exceptional people.

## TECHNOLOGY/ ISRAELI SURVEILLANCE CAMERAS HELP THE US STAY 'VIGILANT'



The New York City police have over 3,000 cameras dotting the streets of Manhattan in what is probably one of the largest digital monitoring installations in the world. And it's the smart technology and digital recorders of Israel's Vigilant Technologies that enabling the system to protect Americans from crime and terrorism- not only in NY, but in dozens of locations around the US.

## GLOBAL DEMOCRACY/ ISRAELI PHYSICIANS WELL RECEIVED BY UN MEDICAL ORGANIZATIONS



Long marginalized by United Nations medical organizations, Israeli expertise in medicine, science and research is finally being recognized by the World Health Organization and other UN health bodies as a valuable resource in their worldwide efforts to stamp out disease.

The pioneer movement which arose during the 1870s and 1880s through the building of Mikveh Israel, Petah Tikva, Rishon L'Tzion, Zichron Ya'akov, Rosh Pina, and all that came after them, laid the groundwork for establishing the State of Israel.

Yet the twenty-seven years from the end of the First World War to the end of the Second, Judaism in Europe experienced two horrifying tragedies: The severing of Russian Jewry from world Jewry at the end of World War I by the communist regime in Russia; and the murder of six million European Jews during World War II, who were annihilated by the Nazi executioners. This is the double catastrophe- unparalleled even in the tormented history of our people- that was visited upon us during the first half of this century, before the creation of the state.

The founding of the State of Israel in 1948 opened a new chapter, not only in the history of the land, but also in the history of Judaism as a whole. It afforded the Jewish person dignity in his own right; in the space of a few years it redeemed hundreds of thousands of Jews from wretched existence in ruined places of exile, transforming them into proud, productive Jews, the builders and defenders of the land. It breathed new hope into the mure, fettered Jewry of the Soviet bloc. It brought to light the extraordinary practical talents of the Jew in his homeland, in all realms of human creativity and military valor. And, not surprisingly, all sectors of the Jewish people in the diaspora, whether they called themselves Zionists or non-Zionists, "pious" or "free," welcomed the establishment of the state with love and exultation. From this time forward, the State of Israel became the mainstay of the unity of Jewry in exile.

On this festive occasion, I will not dwell upon the political and economic problems of Israel, yet it is my duty to point out its internal problems and its connection to world Jewry. I will say only a few words regarding Israel's fateful political problem, the problem of security. The resolution of this problem is to be found not just in organizing a

first-rate army- and no one will suspect me of underestimating the importance of the IDF. But the existence, prosperity and security of the State of Israel can be guaranteed by one thing only: Massive immigration. The country depends upon its security being bolstered by the addition of hundreds of thousands, of millions of Jews in the near future.

The State of Israel has two central objectives, articulated in the Declaration of Independence in the form of special laws. Although they are not called Basic Laws, they are in my eyes the supreme laws of the State of Israel. So long as these laws have not been fully implemented, the word of the state is not complete.

The first is the Law of Return, which embodies the objective of the Ingathering of the Exiles. This law stipulates that it is not the state that confers upon a Jew the right to settle in the land: Rather, this right is his inherently by virtue of his Jewishness, if only he wishes to participate in settling the land.

In Israel proper no preference is accorded Jewish citizens over Arab citizens or other non-Jewish citizens. The Declaration of Independence affirms that "The State of Israel will maintain complete equality of social and political rights for all its citizens, without regard to religion, race or sex." In the Declaration, however, the Jews' right to return to the land is deemed to have preceded the founding of the state. The source of this right is the historic bond, never broken, between Jews and their ancient land. The Law of Return is the law of the enduring historical connection between our people and the land, and it spells out the political principle under which the State of Israel was brought to life.

The second law stipulates the social direction of the state, and the character which we want the people in Israel to be endowed. I refer to the Law for Public Education.

The second paragraph of this law stipulates the following: "The aim of public education is to ground the basic education the state provides in Israeli cultural values and scientific achievements; in love of the motherland and fidelity to the

State of Israel and the people of Israel; in training in agricultural work and crafts; in settling and improving the land; in aspiring to a society founded on liberty, equality, tolerance, mutual aid and love of humanity." This law spells out the main contours of our aspiration to be an exceptional people and an exemplary state, and to preserve our perpetual ties with the Jewish people around the world. Our historic goal is a new society founded on liberty, equality, tolerance, mutual aid and love of humankind- in other words, a society free of exploitation, discrimination, bondage, tyranny, the rule of one man over another, the subjugation of conscience. This law declares our aspiration to foster in Israel a culture built on the eternal values of Judaism, along with the attainments of science.

This law and the Law of Return are still far from being realized. At present they serve only as landmarks for the course our country wants to follow, and must necessarily travel, in order to survive and fulfill its historical purpose.

We cannot boast that the people in Israel now is an exceptional people. Although during the brief period of our independence we have progressed faster, perhaps, than any other country during a similar space of time, our structure of government is still far from enlightened and requires many improvements. Similarly, we cannot yet congratulate ourselves that, with an addition of no more than two million Jews to supplement our population since the establishment of the state, we have completed the Ingathering of the Exiles. Still I will attempt to point out briefly the historical necessity of making this state into an exemplary state, along with the special talents that will enable us to realize this great objective, and the necessity for and chances of bringing about the greatest possible Ingathering of Exiles.

Israel has only one loyal ally in the world: The Jewish people. It is the one country in the world which- unlike the Scandinavian peoples, the English-speaking peoples, the Arab, Catholic and Buddhist people- has no kindred in religion, language, origin,

peoples: A perfect redemption of humanity and the eradication of malice and tyranny from the universe.

In envisioning redemption, the prophets of Israel wove an organic connection between the Jewish national redemption and the universal redemption of humanity. This is why the prophets demand that the people of Israel be an exceptional one. The prophet Isaiah, who denounced his people with the ferocity of one bound by the truth, who prophesied the extirpation of tyranny and evil in the world and the elevation of every man, spoke these words: "And I will visit evil on the universe and their iniquities on the wicked, and I will eliminate the conceit of the wicked and humble the pride of tyrants. I will cherish humans more than gold, and man more than the splendor of the finest gold." (Isaiah 13:12) Isaiah believed in the grand destiny of his people, saying in the name of his God: "I, the Lord, have called you in justice, and I will hold your hand, and make you into a covenantal people, into a light unto the nations." (Isaiah 42:6)

These two motifs, the vision of redemption and the concept of an exceptional people, appear repeatedly in biblical literature and the Apocrypha, in the Mishna and in midrash, in the liturgy and in Hebrew poetry. And three hundred years ago, in his *Tractatus Theologico-Politicus*, Benedict Spinoza- the greatest philosopher of Israel, who seemingly distanced himself from the Jewish people after he was ostracized and excommunicated by his Amsterdam community, and who openly repudiated the religious tradition, laying the foundation for biblical criticism based on logic and reason- voiced his absolute confidence that the day would come when "the Jewish people would once again set up their state, and God would choose them anew." In other words, upon renewing its independent sovereignty the people of Israel would again be a chosen people, an extraordinary people who showed the world the way. Moses Hess and Theodor Herzl, the nineteenth-century visionaries of the Jewish state, also believed that the

reborn State of Israel would be an exemplary nation.

To mark the state's special purpose in the history of the people from the present time forward, we need to understand two developments that radically changed the face of the Jewish people during the first half of this century, before the establishment of the state. At the

beginning of the twentieth century there were ten-and-a-half million Jews in the world. More than eighty percent of them- 8,673,000-were concentrated in Europe. Less than ten percent of the Jewish people then lived in America: About a million in the United States, and some 50,000 in other parts of the New World. Approximately 700,000 Jews lived in Asia and Africa and 55,000 in the Land of Israel.

By the beginning of the Second World War, the Jewish people numbered sixteen-and-a-half million, and although in the meantime millions of Jews had migrated to countries overseas, the great majority of the people, close to nine million, were still concentrated in Europe. For three hundred years European Judaism, particularly that of Eastern Europe, had been the mother of Jewish existence: It was there that the centers of Tora learning were found, there that the movements for emancipation were established, there that the Haskala movement and the new Hebrew and Yiddish literature arose, and Jewish academic scholarship flourished. It was also where the modern Lovers of Zion and the Jewish workers' movement came into existence. When Dr. Theodor Herzl, the creator of the Zionist movement, brought about the First Zionist Congress at the end of the nineteenth century, European Judaism was the stronghold and bulwark of the Zionist movement.

Within the Zionist movement one can discern ancient sources, sources almost as old as the people itself. These sources are connected with the saga of the first Hebrew, whose name God changed from Abram to Abraham, saying, "I have given to you and to your descendants after you the land of your dwelling, the entire land of Canaan as a permanent possession." (Genesis

17:8) Neither Herzl nor Hess nor even Spinoza invented the idea of a Jewish state. For hundreds of years, Jews prayed the following words thrice daily: "Sound the great shofar for our freedom; lift up the banner to bring our exiles together, and assemble us from the four corners of the earth, and may our eyes behold thy return in mercy to Zion."

Until the French Revolution and the onset of the Emancipation in the late eighteenth and early nineteenth centuries, all Jews knew their dwelling places to be only a temporary exile. The idea that they were part of the people among whom they live never even occurred to them. This sense of foreignness persisted among East European Jews: The Jews of Russia, Poland, Romania and the Balkans were always aware that they were a minority people transplanted into a foreign land. The revolutionary events of the nineteenth and twentieth centuries- the nationalist and socialist movements, the national revival movements which spurred some European peoples toward unification and independence (in Italy, Germany, Poland, and the Balkans), the awakening of the working class to fight for a new social order, the wholesale migration overseas from European lands- all of these blazed a trail for the Jewish vision of redemption. The Jews began to hold their heads high, with increasing awareness of their value and their standing. There arose a belief in the Jew's ability to revolt against his fate, to move time forward and hasten the redemption through direct action. Among the best and brightest of our people, principally among the young, there emerged the phenomenon we call pioneering- a creative act which channels all of one's powers toward realizing the vision of redemption and independence. At first this creative, revolutionary faith was the prerogative of individuals only. Gradually it educated tens and hundreds, and later thousands and tens of thousands. The pioneer movement turned the love of Zion and the Zionist movement into historic agents.

changes have taken place in the life of the Jewish people. Those who left Egypt and wandered in the desert were different from those who conquered Canaan and its inhabitants; the people who separated into different tribes in the days of the judges differed from the people who united under the rule of the first three kings; the nation that was unified under one king did not resemble the nation that split in two after Solomon's death, establishing the kingdoms of Judea and Israel; and there is a great distinction between the people during the time of the first kings of Judea and Israel and the people during the reigns of Uzziah and Jeroboam ben Joash, when the great biblical prophets-Amos, Hosea, Isaiah and Micah appeared.

Nor during all the periods I have mentioned did the Jewish people resemble at all the people who returned from enslavement in the days of Zerubavel, Ezra and Nehemiah, and the founding of the Second Temple; there is a tremendous difference between the period of Persian rule and that of the Greeks and Hasmonians, and the later period of the Herods and the Romans; and we still have not exhausted the list of dramatic changes over the course of the nation's history. After the destruction of the Second Temple came the great revolts of Bar-Kochba, which ended in defeat and more than eighteen hundred years of alienation and wandering; generations of punishing decrees and persecutions, of apostasy and forced conversion in Christian and Muslim lands, of roaming from country to country and from language to language. There was the compulsory adaptation, time and again through the ages, to changes and changeable living conditions, spiritual climates, and political and economic frameworks in all the lands of the diaspora, to the four corners of the earth. And through all the successive trials and hardships, which have yet to end, the constant "I" of our people was preserved, no less than the national "I" of settled peoples who remained firmly joined to their lands.

We are now approaching the

quarter-century mark of the revival of the Jewish state in our ancient homeland. In recent days we have watched other people exchange slavery for freedom, in Europe, Asia and Africa. India, Burma and Ceylon came into their own at almost the exact same moment as the State of Israel. Yet everyone understands the fundamental distinction between these states and the revival of Israel. The peoples of India, Burma and Ceylon dwelt in their own lands all along, while foreign invaders conquered them from time to time. Once they rid themselves of foreign rule, they achieved their independence. Not so Israel. Nor is the rebirth of Israel similar to the birth of the United States, Canada, Australia or the countries of Latin America. These lands were "rediscovered" by voyager-conquerors: Spanish, Portuguese, British, and others. The European metropolis dispatched emigrants who were to settle these countries, by eradicating the original inhabitants or not. Once the settlers reached a given stage in development they broke with the mother country, whether by force or by agreement, to stand on their own.

The State of Israel was re-established in a land where Arabs had dwelt for some fourteen hundred years, and it was surrounded on the north, east and south by Arab lands and regimes. The land itself was wasted and impoverished, its standards of living far below that in the countries the Jews left in order to return to the Land of Israel, to renew its Hebrew population. In 1918, at the end of World War I, the land held fewer than sixty thousand Jews, equaling less than one-tenth the number of non-Jewish inhabitants. Yet, a little over twenty-three years ago, a Jewish state was established in this land whose Jewish population is growing constantly.

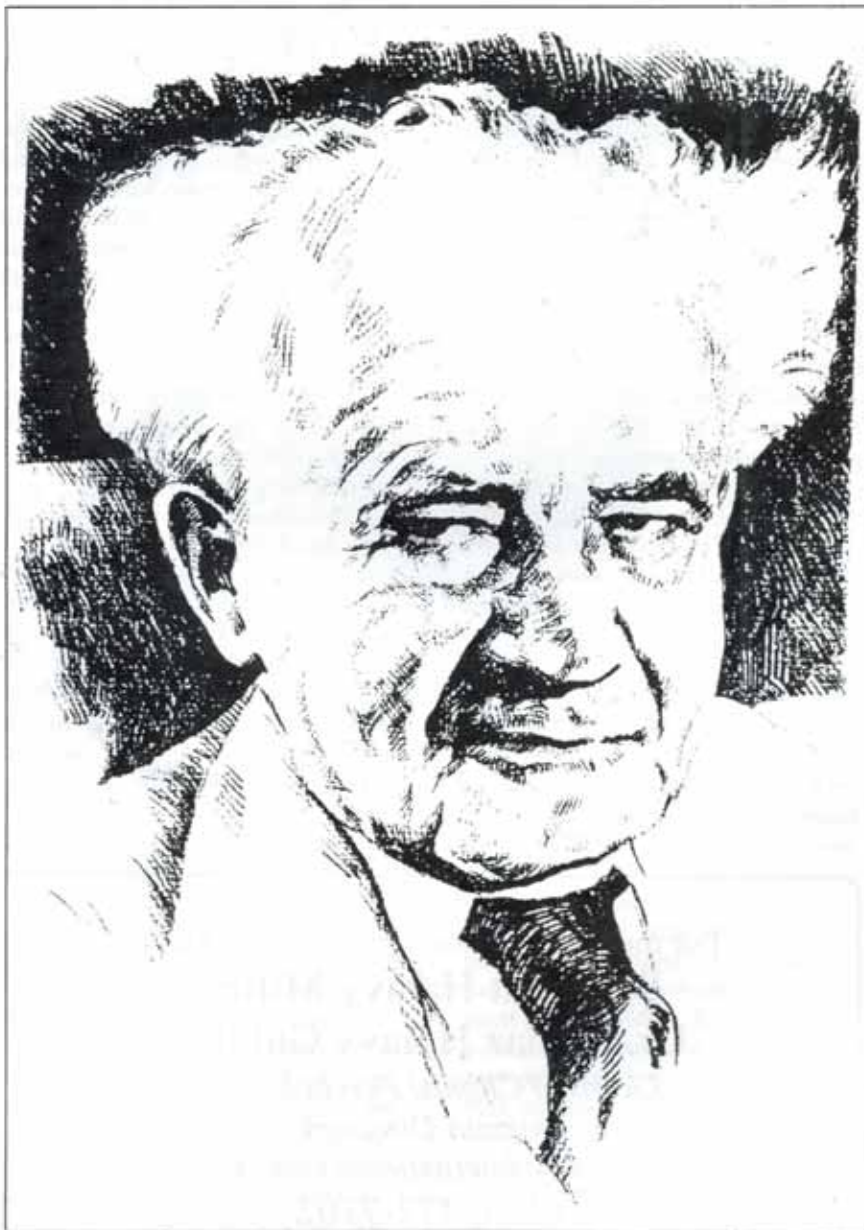
Something else happened as well: The Hebrew language, which over the course of two thousand years had almost disappeared from the mouths of the Jewish people, was resurrected and became the spoken and literary language in a resurgent Israel. Such an event is unprecedented in the history of

language. We are aware of the tremendous efforts of the state of Ireland invested over many decades to revive the Gaelic language, yet all its efforts were for naught, even though the Irish people dwelt continuously in its land. And this people, which has yet to free itself from its deep hatred for England, continues to speak the English tongue.

And a third thing happened in our land: In Israel, the Jews made a fundamental change in their economic lifestyle. They returned to tilling the soil, and to all the other occupations a people pursues in its own land.

What, then, is the meaning of this miraculous political, cultural and economic phenomenon, unparalleled in human history? The deep human connection to the ancient homeland of Israel and to the Hebrew language- the language of the Book of Books whose like does not exist in the world, which has been translated into more than 1,400 tongues- these are the deep, hidden wellsprings from which the dispersed people of Israel drew the moral and emotional strength in exile to withstand the centuries-long-hardships of life in foreign lands, and to continue until the advent of the national redemption. Whoever does not regard the vision of redemption, of Jewish and universal redemption, as one of the primary distinguishing features of the nation, does not see the basic truth of Jewish history and the cornerstone of Jewish belief.

In the consciousness of the Jewish people- in its religious, ethical and national consciousness- embedded elements that are unique to the Hebrew nation became fused inextricably with human-cosmic elements which transcend all national frameworks, because they take in the world and everything in it. The supreme expression of this fusion is the vision of redemption. The deepest aspiration of the people's prophets and teachers was a complete national redemption in the chosen land. This aspiration, however, was not limited to what concerned the Jewish people only. Rather, it heralded the advent of peace and justice and equality for all



## BEN GURION'S FAREWELL ADDRESS

*David Ben-Gurion (1886-1973), the first prime minister of the State of Israel, was the leader of the Zionist movement from the late 1930's into the first decades of statehood. More than any other individual, he left a mark on the patterns and ideas of the Jewish state that is still felt in almost all areas of*

*public life, from basic notions of security, to relations between secular and religious Jews, to be continued dedication of Israel's resources to the encouragement and absorption of Jewish immigration.*

*Throughout a tumultuous political career spanning seven decades, from the five years of the*

*twentieth century, when he was a Zionist activist in Plonsk, until his resignation from the Knesset in 1970, a single subject always headed his concerns: The spiritual and political fate of the Jewish nation. Ben-Gurion's political and diplomatic activity, his writings and his thought, all return time and again to the question of how to ensure Israel's survival and growth, both physical and spiritual.*

*In 1971, Ben-Gurion was invited to address a special session of the Knesset in honor of his eighty-fifth birthday. In this address, Ben-Gurion offered a public and sweeping expression of his thought on the future of Israel. On this occasion, freed from partisan considerations, Ben-Gurion took a last look at the Zionist undertaking and its future, in the course of which he outlined the principles and aims which he felt should guide the State of Israel in the decades to follow.*

As I will be addressing the principal issue of "the future" and particularly now that I have felt the government, I will not take exception with what I have heard tonight and elsewhere- and there is much with which to take exception. In the main, I will speak of the future.

The Jewish people is among the world's most ancient peoples. Egypt, Assyria, Babylon, China and others did come to exist before Israel did, and in the sciences they also preceded Israel. In only one particular does the Jewish people differ from all other peoples. That Israel's nationality and its faith are intertwined. They have been since the beginning of our people, and so they are today. The French, the Germans, the Japanese, the Arabs and the members of any other nation need not all share the same faith. A German can be either Catholic or Protestant, as can be an Englishman or a Frenchman. A Japanese can be Shinto or Buddhist or Christian. An Arab can be Muslim or Christian. A Jew, however, cannot be a member of another faith and still be a Jew. A Jew can be an atheist, but if he adopts the Christian or Muslim faith- he is no longer a Jew.

This is not to say that no

of burnout when the workload becomes oppressive. So being under stress does not necessarily predict who will burn out. The development of professional burnout is tied to a number of factors, including genetic predisposition, environment, experience, business type, management and lifestyle choices. It's very important to point out that for many, stress at home can make them more vulnerable as well. High stress, combined with a sense of loss of control over one's life and business, most certainly contributes to professional burnout. Many executives are battling this big-time in today's economic climate, where business conditions and competitive factors rapidly shift- often without much warning. There's the additional pressure of having to deal with staff down-sizing, firing employees, finding new employees, while at the same time, still having the responsibility of caring for your health and family.

We live in a city where we experience relentless and unforgiving demands day in and day out, where we cannot miss any steps or drop any balls along the way. It's an environment where emotions don't count and, in fact, often get in the way. Therefore, business owners or executives can become emotionally aloof and machine-like, jumping from crisis to crisis, denying the emotional pain within. Everything becomes secondary to running your business and keeping it going.

If you want to play the game and be really good at it, you learn early on to deny your own feelings and just keep pushing yourself. Unfortunately, that becomes part of you, where you become this "New Person"; detached, irritable, angry and impatient; even at home, with your own family and friends. Rarely are business executives granted their right to be human by society, the media, their clients, and even their own colleagues. The nature of business itself advocates the suppression of emotions and physical needs while promoting competitiveness and financial stress.

Burnout problems, long in the making, often don't surface for years. . . when the business professional

becomes physically exhausted and emotionally depleted and when he or she feels alone with his or her problems and turns to substance abuse or other self-defeating behaviors- in an attempt to bury the pain. Finding sources of emotional nourishment and replenishment takes a back seat to being a successful businessman or businesswoman. Pursuing high-level business success forces you out of a track where you cannot develop people skills, relationship skills, and the emotional tools to be an effective intimate partner, parent, spouse or friend.

If you realize you are running down this track you need to stop and take a closer look at your life. You can help yourself by maintaining a strong support system (such as family or friends which you can easily confide in to get emotional help from). At the same time stop selling yourself as "Super man or Super woman". Recognize that you are a real person who can suffer from fatigue and stress just like anybody

else and that you do have emotions and needs. If you're a business executive, you have to learn to lose a little bit of the luster and be willing to shed your "Super Hero" image. The prize you seek to receive at the end is not the real mean that measures happiness. Even if you think you will reach your professional goals in the end, it might come at a very high price; where by then you have lost your health, family and most important of all, your soul. Sadly, too many realize too late that putting your health and family in the back burner was the worse executive decision they have ever made.

Don't lose sight of the trees in the forest. Evaluate your life's priorities and keep them in mind. Value your health and the different areas of your life- family, friends, hobbies and religion. Take a step back to see what life is really about, appreciate the moment and live in the present; for there are no guarantees for tomorrow.

For more information you may contact:

**Dr. Dorit Halavy Miller**

**Dr. Farnaz Halavy Galdjie**

*Licensed Clinical Psychologists*

*Program Directors:*

*Antioch University International Counseling Center*

**(310) 477-7702**

Talktherapy911@aol.com

## **SHOFAR Magazine**

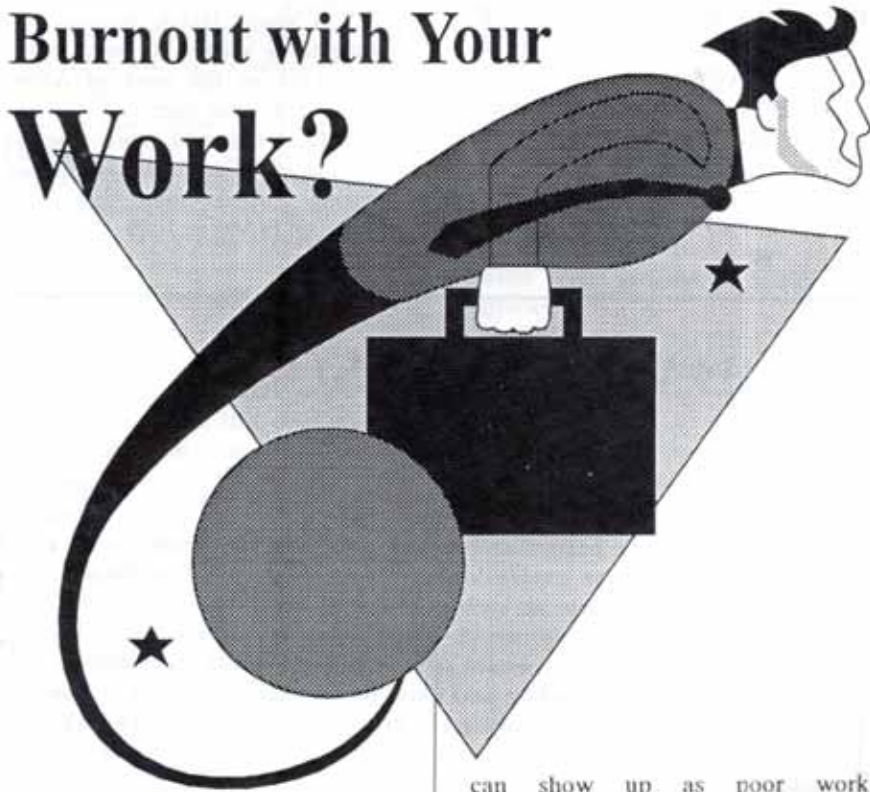
**The Best Way To Reach  
Iranian Jewish Community**

*For Advertising Please Call*

**(323) 456-4700**



# Burnout with Your Work?



By: Dr. Dorit Halavy Miller  
Dr. Farnaz Halavy Galdjic

Sometimes throughout our careers and professions we may come to a point in our life where we get exhausted, stressed, pessimistic, scared, anxious or depressed. A feeling that looks like everything around us is falling apart, that we can't even make small decisions, uncertain about our futures, worried about our past mistakes; mainly due to our professions and work life. Could this be "Work Burnout"?

Work burnout will strike many of us at some point in life. This is especially true with self employed professionals who are running their own businesses. Eventually, professionals who constantly put their career's needs above their own well being will start to burn out. This will affect not only their relationships, their emotional wellbeing, and their physical and mental wellbeing, but it can also impair their judgment and put their businesses and careers at risk.

Work burnout is usually caused by a person's inability to relieve the physical and mental symptoms associated with unrelenting stress. It

can show up as poor work performance, decreased social skills, lack of energy or lack of motivation. Health problems such as high blood pressure, insomnia, depression or addiction can also be signs of burnout. The degree of burnout and the way the syndrome manifests itself varies widely from person to person. For example, "First-degree burnout" may include nothing more than negativity about the workplace, while "third-degree burnout" could be so bad that we may lose our interest in going to work the next day or socializing at night, which can then lead to emotional exhaustion.

The first noticeable signs of work burnout or professional burnout would be trouble sleeping, loss of appetite, fatigue and physical symptoms of stress. People around the person will notice behaviors such as irritability, loss of motivation, absenteeism, unusual mistakes, emotionalism and withdrawal. As the burnout progresses we may feel other symptoms such as detachment (from clients, staff, friends and family) loss of satisfaction or loss of sense of accomplishment, loss of concern for others, dissatisfaction with work or negative attitudes toward our profession.

The scary part is that you may

be suffering from professional burnout and not realize it, as it's not always easy to spot; and often we tend to deny we are suffering from it. Experts say that a significant percentage of business executives will suffer an episode of professional burnout at some point in their careers but may not take care of themselves until they breakdown which may then lead to addictions, severe depression, anxiety or relationship problems such as the threat of a divorce.

Self employed people, business owners, CEOs and VPs are a hardy, hard-working bunch- they had to be, in order to get to where they are today. But in some cases, many of these executives are unable to function, or perhaps even worse, able to function but in a compromised manner that places themselves, their spouses, their children or their businesses in harm's way. You probably know someone like that among your employees, colleagues, family or friends; someone who is idealistic, ambitious, competitive and a perfectionist. They are always busy, never stopping, constantly on the go, and still don't seem to get any satisfaction out of what they do and feel like they are not accomplishing as much as they can; that they can do even better or more. Or if they do get a satisfaction, its short lived, as they quickly look for the next project and the next business venture with higher more risky goals. Often, the expectations that people set for themselves may be too high for their physical and psychological capacities and are not attainable in their work for various reasons. This will create a void, and in order to fill this void, we often try to compensate by working harder, just to realize that the desire for accomplishment is still not satisfied. The work-exhaustion cycle begins to establish itself. As a result, we participate less in other gratifying social and family activities, which creates an imbalance.

What causes one executive to burn out in the midst of intense work demands and another to walk away unaffected isn't easy to predict. Some executives seek out and thrive on stress, pressure and long hours, whereas others quickly reach the point

save Americans billions of gallons of water a year.

\* A group of 40 American sheriffs were in Israel last week to learn about Israeli counter-terrorism techniques.

\* An Israeli-developed device can painlessly administer medications through microscopic pores in the skin.

\* Israeli air force pilot technology is being used to train American college basketball players.

\* Israeli researchers have created a 'biological pacemaker' which corrects faulty heart rhythms when injected into the failing hearts of pigs.

\* Two Israelis have won the 2004 Nobel Prize for Chemistry for their groundbreaking work in cancer research.

\* An Israeli physicist-turned-inventor has developed the world's first air-conditioned motorcycle.

\* Israeli researchers have proven that Prozac can improve the effectiveness of chemotherapy.

\* An Israeli-developed elderberry extract is one of America's best-selling flu prevention medicines.

\* Millions of American youngsters will soon be able to surf safely in Internet chat rooms thanks to Israeli technology.

\* Children injured in the school siege in Beslan, Russia two months ago are convalescing at an Israeli coastal resort in Ashkelon- at the invitation of that city's mayor.

\* An Israeli company has developed a simple blood test that distinguishes between mild and more severe cases of MS.

\* Israeli scientists have discovered the cause of bad breath and a painless solution.

\* Israeli technology is behind the successful testing of in-flight cell phone use.

\* Israeli research has found that citrus oils may hold the key for asthma treatment.

\* An Israeli study has shown that anger may trigger strokes.

\* Israel is sending medical teams and supplies to the Far East to aid victims of this week's earthquake.

\* An Israeli company-

Patu- has donated thousands of its OdorScreen olfactory gel products to counter the crippling odors faced by on-scene Tsunami disaster workers.

\* An Israeli company has developed a nano-lubricant that one day could mean the end of changing your car oil.

\* A young Israeli scientist was among those chosen as an example of carrying on the work of Albert Einstein 100 years later.

\* Intel has sold more than \$5 billion worth of the Israeli-developed Centrino chipsets since they were introduced in March 2003.

## THE WEDDING SONG

*By: Firoozeh Rahbar Bakshian*

I have always been, but tonight I am especially proud to be a young member of the Iranian Jewish Women's Organization for their decision to honor a woman such as Mrs. Farideh Goldin.

As I was growing up, I loved to hear stories from my grandmother, Dada. She would tell me about her life, her sorrows, her happiness, her wedding and even her cooking. She would also tell me about the life of my great grandmother, Naneh Haji, who would sit behind a closed door to hear her brothers' tutors and educate herself.

Reading Farideh Goldin's book, *The Wedding Song*, took me back to the days I would sit in Dada's room to hear the stories. As an Iranian Jewish Woman, I was transported to another time by reading *The Wedding Song*. A place where I could relate to her struggles, happiness, pain, tears and laughter.

Mrs. Farideh Goldin was chosen to be honored with this award for two main reasons. One, simply for her incredible accomplishments. This is a woman, who against all odds came to the States with nothing more than a high school diploma from Pahlavi high school and went on to receive graduate degrees in humanities, woman's studies, and creative writing from Old Dominion University in Virginia.

Through her, I see the revolution of the Iranian Jewish woman. She symbolizes what it means to struggle against oppression for being not only a woman, but also a Jew in a predominantly Moslem society. Faced with anti-Semitism and the belief that women are only good for domestic positions, Farideh rises above this and educates herself, gets married and has a beautiful family life. She has truly paved a path for the younger generation. I would always say that after the Iranian revolution, Iranian men have come a long way, but it is the Iranian women who have really surpassed all previous bonds and limitations-Farideh is one of these women.

But in my opinion, and probably the most significant reason she is being honored tonight is that Mrs. Farideh Goldin had the courage to write down and document a small slice of real life. However, difficult, by writing it down, she has kept alive the stories and the lessons for our generation and for our daughters.

I was always saddened to know that my daughters would never hear first hand my grandmother's stories. Mrs. Farideh Goldin, through her memoirs of an Iranian Jewish Woman, has given us a window to the heart and soul of our mothers and grandmothers. For this, I salute her.

\* Israeli medical researchers have shown that lycopene- the red pigment found in tomatoes- lowers blood pressure.

\* A small Israel company called Lenslet - has developed a revolutionary electro-optic processor which operates one thousand times faster than any known Digital Signal Processor.

\* Israeli stem-cell technology is being used in the U.S. to regenerate heart tissue.

\* An Israeli company has developed a device that could enable millions of American diabetics to painlessly inject themselves with insulin.

\* An Israeli company is providing the technology behind an American all-electric bus for urban use.

\* An Israeli medical delegation from the 'Save a Child's Heart' project recently spent two weeks in China performing open heart surgery on children.

\* Israeli-developed security precautions have been adopted in Maryland and Washington.

\* Scientists in Israel have used strands of DNA to create tiny transistors that can literally build themselves.

\* A week-old Iraqi infant underwent an emergency operation in Israel to correct a congenital heart defect.

\* A new generation of "Sesame Street" programs aimed at teaching tolerance is being produced and broadcast in Israel, Jordan, and in the Palestinian Authority.

\* Some 500 million birds representing 300 species migrate across Israel's skies twice a year in the autumn and spring along the Great Valley Rift.

\* Israeli research shows that a tonsillectomy could be the key solving sleep apnea in children.

\* An Israeli company has developed a new device for monitoring company disease that will be integrated into future generation of cellphones.

\* An Israeli-developed algorithm enabled NASA to transmit images from Mars.

\* An Israeli has invented a 'bone glue' that will reduce the need for

bone transplants and heal bone defects caused by cancer.

\* An Israeli team will compete in the Women's International Flag Football Championships.

\* Israeli researchers have developed a 'bone glue' that respectively stimulate speedy bone and cartilage repair, and enable faster and improving healing of injuries.

\* Research by three scientists from the Haifa Technion made the transmission of video pictures Video transmissions from Mars by the NASA explorer "Spirit" have been made possible thanks to a unique algorithm developed by Technion graduates.

\* A joint Israeli-Palestinian expedition recently scaled a peak in Antarctica in the name of coexistence.

\* Over 50 million Israeli flowers were sent to Europe for sale on Valentine's Day.

\* The families of the Columbia shuttle astronauts are going to be the Israeli government's guests on a week long visit in March.

\* Israeli researchers have found a connection between sleep apnea and impotence.

\* Israel, American and Canadian researchers are working together to develop nanotech-based solutions to the water shortage in the Middle East.

\* The founder of the Cancer Prevention and Wellness Program at New York's prestigious Memorial Sloan-Kettering Cancer Center is Israeli.

\* Between 150 to 200 multinational clinical trials are regularly taking place in Israel.

\* An Israeli company is the world's leading sleep disorder sensors manufacturer.

\* Israeli biologists have successfully managed, for the first time, to prepare the flowering of the "Madonna Lily"- a rare white Easter lily- in time for Easter.

\* Over 65,000 patients worldwide have swallowed the M2A capsule, the incredible 'camera in the capsule' technology developed by Israeli's Given Imaging.

\* Israel hosts IBM's largest R&D facilities outside the United States.

\* Israeli researchers have developed an engineless, nano-RPV (remote piloted vehicle).

\* Israeli researchers are successfully using magnets to treat post-traumatic stress disorder.

\* Israeli scientists have created a DNA nano-computer that not only detects cancer, but also releases drugs to treat the disease.

\* Tel Aviv has been named a UNESCO World Heritage Site.

\* The U.S. Marines in Iraq are using an Israel-developed hand-held computer for communication purposes.

\* Israel engineers are behind the development of the largest communications router in the world, launched by Cisco.

\* An Israeli doctor claims that he has succeeded in developing a female equivalent to Viagra called Sheagra.

\* An Israeli company- Evogene- is developing cotton plants that are resistant to adverse salinity conditions and drought.

\* An Israeli company has developed the world's first jellyfish repellent.

\* Israel has helped farmers in Niger develop a horticultural production system called the African Market Garden (AMG).

\* Jerusalem has been chosen to host an international gay rights parade WorldPride 2005.

\* A newly developed Israeli cooking oil is capable of breaking up blood fats such as cholesterol.

\* Israeli scientists have alleviated Parkinson's-like symptoms in rats.

\* Israeli scientists are developing a nose drop that will provide a five-year flu vaccine.

\* Israeli researchers have solved the mystery of Lenin's death.

\* An Israeli vaccine for West Nile virus is being tested in the U.S.

\* Israeli scientists have discovered how to turn mismatched cells into cancer fighters.

\* Over 20 Israeli companies are providing security and services for the 2004 Olympic games in Athens.

\* Israeli scientists have shown that hypnosis doubles the chances of success of in vitro fertilization.

\* An Israel two-flush system can

hundreds of thousands of African birds of prey crossing as they fan out into Asia.

\* Twenty-four percent of Israel's workforce holds university degrees—ranking third in the industrialized world, after the United States and Holland—and 12 percent hold advanced degrees.

\* Israel is the only liberal democracy in the Middle East.

\* In 1984 and 1991, Israel airlifted a total of 22,000 Ethiopian Jews at risk in Ethiopia to safety in Israel.

\* When Gold Meir was elected Prime Minister of Israel in 1969, she became the world's second elected female leader in modern times.

\* When the U.S. Embassy in Nairobi, Kenya was bombed in 1998, Israeli rescue teams were on the scene within a day—and saved three victims from the rubble.

\* Israel has the third highest rate of entrepreneurship—and the highest rate among women and among the people over 55—in the world.

\* Relative to its population, Israel is the largest immigrant-absorbing nation on earth. Immigrants come in search of democracy, religious freedom, and economic opportunity.

\* Israel was the first nation in the world to adopt the Kimberly process, an international standard that certifies diamonds as "conflict free."

\* According to industry officials, Israel designed the airline industry's most impenetrable flight security. U.S. officials now look to Israel for advice on how to handle airborne security threats.

\* Israel's Maccabi basketball team won the European championships in 2001.

\* Israeli tennis player Anna Smashnova is the 15th ranked female player in the world.

\* *Mighty Morphin' Power Rangers* was produced by Haim Saban, an Israeli whose family fled persecution in Egypt.

\* Israel has the world's second highest per capita of new books.

\* Israel is the only country in the world that entered the 21st century with a net gain in its number of trees.

\* Israel has more museums per

capita than any other country.

\* Israel has two official languages: Hebrew and Arabic.

\* Israeli scientists developed the first fully computerized, no-radiation, diagnostic instrumentation for breast cancer.

\* An Israeli company developed a computerized system for ensuring proper administration of medications, thus removing human error from medical treatment. Every year in U.S. hospitals 7,000 patients die from treatment mistakes.

\* Israel's Given Imaging developed the first ingestible video camera, so small it fits inside a pill. Used the view the small intestine from the inside, the camera helps doctors diagnose cancer and digestive disorders.

\* Researchers in Israel developed a new device that directly helps the heart pump blood, an innovation with the potential to save lives among those with congestive heart failure. The new device is synchronized with the heart's mechanical operations through a sophisticated system of sensors.

\* With more than 3,000 high-tech companies and start-ups, Israel has the highest concentration of hi-tech companies in the world (apart from the Silicon Valley).

\* In response to serious water shortages, Israeli engineers and agriculturalists developed a revolutionary drip irrigation system to minimize the amount of water used to grow crops.

\* Israel has the highest percentage in the world of home computers per capita.

\* Israel leads the world in the number of scientists and technicians in the workforce, with 145 per 10,000, as opposed to 85 in the U.S., over 70 in Japan, and less than 60 in Germany. With over 25% of its workforce employed in technical professions, Israel places first in this category as well.

\* The cell phone was developed in Israel by Motorola, which has its largest development center in Israel.

\* Most of the Windows NT operating system was developed by Microsoft-Israel.

\* The Pentium MMX Chip technology was designed in Israel at

Intel.

\* Voice mail technology was developed in Israel.

\* Both Microsoft and Cisco built their only R&D facilities outside the US in Israel.

\* The technology for AOL Instant Messenger was developed in 1996 by four young Israelis.

\* A new acne treatment developed in Israel, the ClearLight device, produces a high-intensity, ultraviolet-light-free, narrow-band blue light that causes acne bacteria to self-destruct—all without damaging surrounding skin or tissue.

\* An Israeli company was the first to develop and install a large-scale solar powered and fully functional electricity generating plant, in southern California's Mojave desert.

\* The first PC anti-virus software was developed in Israel in 1979.

\* Christopher Reeve called Israel the "world center" for research on paralysis treatment.

\* That Israel is becoming integrally involved in helping to reshape the post-war Iraqi landscape?

\* Israeli researchers are playing an important role in identifying a defective gene that causes a rare and usually fatal disease in Arab infants.

\* An Israeli company has been given a U.S. grant to develop an anti-smallpox first aid treatment kit.

\* The top women's magazine in the world—*Cosmopolitan*—is launching a Hebrew version in Israel?

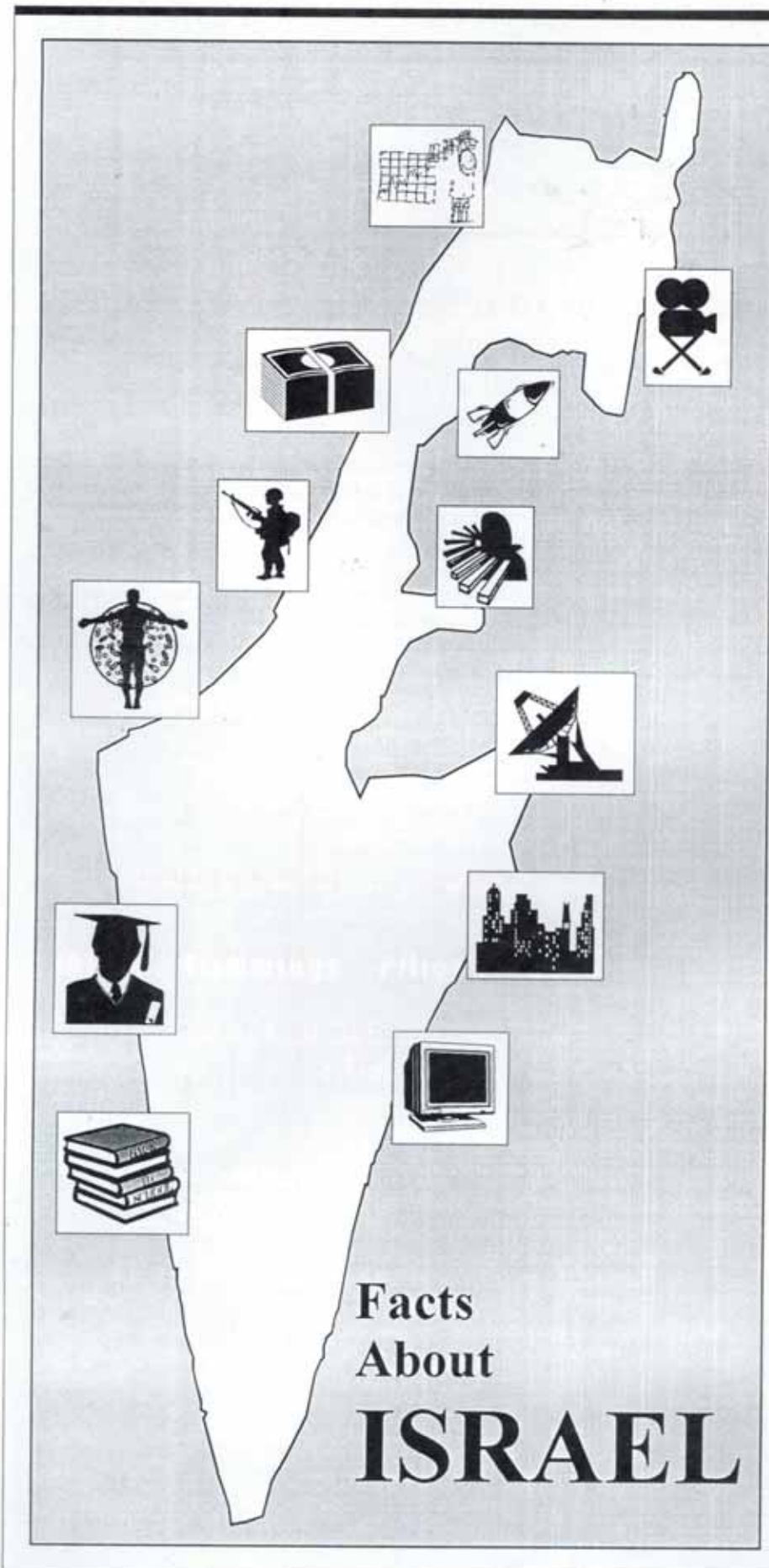
\* An Israeli company M-Systems was the first to patent and introduce a key chain storage.

\* Israeli microbiologists have developed the first passive vaccine against the mosquito-borne West Nile virus.

\* A team of Israeli and US researchers has designed a watermelon-picking robot endowed with artificial vision to do the job of harvesting.

\* Israeli researchers are using video games to investigate future treatments for memory disorders such as Alzheimer's disease.

\* An Israeli company has developed sensors that pick up signs of stress in plants.



Israel, the 100th smallest country, with less than 1/1000th of the world's population, can make claim to the following:

- \* Israeli research shows that we can find out more about what is buried beneath the earth's surface by launching a satellite into the sky.

- \* An Israeli company has unveiled a blood test that via the telephone diagnoses heart attacks.

- \* The Israeli-developed Express shunt is providing relief for American glaucoma sufferers.

- \* An Israeli research team has found that the combination of electrical stimulation and chemotherapy makes cancerous metastases disappear.

- \* Israel has designed the first flight system to protect passenger and freighter aircraft against missile attack.

- \* Jewish and Arab students at Hebrew University participate in the 'Billy Crystal Workshops-Peace Through the Performing Arts' project.

- \* Israel has the highest ratio of university degrees to the population of the world.

- \* Israel produces more scientific papers per capita than any other nation by a large margin- 109 per 10,000 people- as well as one of the highest percapita rates of patents filed.

- \* In proportion to its population, Israel has the largest number of startup companies in the world. In absolute terms, Israel has the largest number of startup companies than any other country in the world, except the US (3,500 companies mostly in hi-tech).

- \* Israel is ranked #2 in the world for venture capital funds right behind the US.

- \* Israel has the highest average living standards in the Middle East. The per capita income in 2000 was over \$17,500, exceeding that of the UK.

- \* Israel's \$100 billion economy is larger than all of its immediate neighbors combined.

- \* On a per capita basis, Israel has the largest number of biotech start-ups.

- \* Israel has the largest raptor migration of the world, with

# ***JCPA Middle East Briefing*** **Jewish Council for Public Affairs**



Vol. 12, No. 14

March 8, 2006 • 8 Adar, 5766

## **Remarks by the Vice President to the AIPAC 2006 Policy Conference**

*The following is an excerpt from this week's address by Vice President Dick Cheney to the America-Israel Public Affairs Committee at the 2006 Policy Conference. A full transcript of this speech may be found on the White House website: <http://www.whitehouse.gov/news/releases/2006/03/20060307-1.html>*

...Nearly 58 years ago, in May of 1948, the new Jewish state was declared. On the day Israel came into being it was 12 midnight in Jerusalem — six o'clock in the evening here in Washington. Eleven minutes later, Harry S. Truman made America the first nation to recognize Israel. (Applause.) From that moment to this very day, the United States has counted Israel as a special and valued friend that shares our basic principles.

As fellow democracies, both founded in struggle, we have shown our devotion to the ideals of liberty, equality, and the dignity of every person. We have shown, as well, great resolve and deep faith in times of testing and a true willingness to work and sacrifice for the cause of peace. We are, as President Bush has said, natural allies. There is no doubt that America's commitment to Israel's security is solid, enduring and unshakeable. (Applause.)

...In my career I've had the privilege of meeting a long line of Israeli statesmen and women, including many prime ministers, starting with Yitzhak Rabin in the mid '70's. And in recent days I've been feeling especially grateful to have had many years of a relationship and friendship with Ariel Sharon. (Applause.)

The Prime Minister's life has been in many respects a reflection of Israel's modern history. He gave decades of service to Israel — fighting in all of its wars, rising to high office, and leading the nation with purpose. When their country came under attack, Israelis knew that Ariel Sharon would stand in the line of fire. And in the effort to achieve peace, which requires so much wisdom, and boldness, and vision — Israelis again placed their trust in this fearless member of the pioneering generation. Last year at AIPAC's policy conference, Prime Minister Sharon said, "I am willing to make painful compromises for peace ... There is one thing on which we will not make any compromises — not now and not in the future — and that is our security." (Applause) ...

As Americans, we have faith in democracy, but no illusions. We know that it takes time and effort and patience for democratic values and free institutions to take hold, and the greater Middle East has a long way to go. The promise of democracy rests ultimately on free elections and the ability of free peoples to hold accountable those who govern them — but that is only the beginning.

A functioning democracy requires institutions that endure beyond a single vote. Democracy requires the protection of minority rights, religious liberty, equality before the law, freedom of expression, and an inclusive society in which every person belongs. And those who win elections have a duty to nurture institutions and laws that serve the peaceful aspirations of their people.

Such duties now belong to the newly elected government in the Palestinian territories. I recognize that the outcome of last month's election has caused some to question whether democracy is truly the way toward peace in the Middle East. They argue that, by promoting democratic change, we are actually destabilizing the region and undermining hopes for peace. I believe that's a faulty argument.

For one thing, it's hard to claim that you get lasting stability and peace by denying people a voice in their own government. In fact, the denial of legitimate means of expressing dissent is one of the causes of extremism in the Middle East. For decades, many thought it was worth tolerating oppression for the sake of stability in that region.

VALENTINI HOME

Beverly Hills

ولتینی

بورلی هیلز



عرضه کننده زیباترین و نفیس ترین  
پارچه های پرده ای ، رومبلی ، روتختی ، حوله و . . . با قیمت های استثنائی

Fabrics Trimmings Pillows Bedding Throws Curtains Towels

The Finest Selection of Silks, Jacquards, Trims and More  
**LUXURY YOU CAN AFFORD**

۳۶۰ لاسینگای شمالی

نیم بلاک شمال بورلی سنتر

۱۱۰۰-۳۶۰ (۳۱۰)

360 N. La Cienega Blvd.,  
(1/2 Block N. Beverly Center)

(310) 360-1100





DO

DAVID ORGELL



**David Orgell**

320 North Rodeo Drive  
Beverly Hills, CA 90210  
800-367-4355

**Iranian American  
Jewish Federation**  
1317 N. Crescent Heights Bl.,  
Los Angeles, CA 90046

Non-Profit Org.  
US Postage  
**PAID**  
Van Nuys, CA  
Permit No. 1344

*Change Service Requested*